

در صحاح دیگر این شماره:

- وضعیت زندگی کارگران کوره پزخانه، ۲۲ سال پس از اعتصاب خونین ۲۳ خرداد و بازهم مبارزه صفحه ۳
- پیام سازمان ییکار در راه آزادی طبقه کارگر: به رفقای که مدال افتخار در راه آزادی طبقه کارگر گرفته‌اند! صفحه ۱۳
- چگونه یک گزارشگر خوب باشیم؟ صفحه ۱۴
- چرا ارتشیان نباید در سیاست دخالت کنند؟! صفحه ۲۰

کارگران جهان متحد شوید!

۳۲ صفحه

۱۱۱

یکار

سازمان ییکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال سوم - دوشنبه ۱ تیر ۱۳۶۰ بها ۳۰ ریال

منشاء مذهبی لایحه قصاص و برخورد مجاهدین با آن (۱)

رژیم جمهوری اسلامی براساس ماهیت سوما به‌دارانه و ارتجاعی خود، بر ضد کارگران و زحمتکشان و آگاهی آنان عمل می‌کند و با سلیقه امری طبیعی است، او می‌کوشد با هر وسیله ممکن، زحمتکشان و خلقهای ستمدیده ایران را از ادامه انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی و از پیشرفت تاریخی طبقه کارگر محروم کند.

سوی جامعه‌ای بی طبقه ما نسج گردید و حرکت انقلابی کارگران و زحمتکشان را بسوی نابودی سرمایه - داری به تاخیر اندازد. یکی از وسایلی که رژیم جمهوری اسلامی، بخصوص از آن استفاده فراوان می‌کند، اعتقادات مذهبی توده‌هاست. رژیم هر چه را که بقیه در صفحه ۱۹

سرمقاله

دفاع از آزادیهای دمکراتیک در برابر تعرض حزب جمهوری رابه اهرمی در جهت گسترش انقلاب تبدیل کنیم!

سیر تحولات سیاسی حاکمیت و سوی حرکت آن بیش از پیش تحت این تحلیل ما را که اشتغال حکومتی در کشاکش انقلاب و ضد انقلاب از یکسو در مسیر رشد تضادهای درونی دو جناح رژیم زسوی دیگر به بین بست رسیده و این بین بست می‌بایست به نفع این یا آن جناح، یعنی به نفع یک سیاست واحد عاری از تعرض شکسته شود، تا شدید نمود، ما در یادداشت‌های سیاسی بیکار ۱۵۲، در سرمقاله و یادداشت‌های سیاسی بیکار ۱۵۸، به سه توضیح این نکته پرداختیم و دلایل ایجاد این بین بست شناختن آن از نقطه نظر منافع بورژوازی را به نفع یک جناح معین، مورد اشاره قرار دادیم. حوادث رورهای اخیر، که در آن جناح حزب جمهوری اسلامی، به سمت تمغیه کامل قدرت سیاسی از لیبرالها حرکت نموده و در این بست آخریس مدتها را می‌بینیم، بدین مسئله را بوضوح نشانید نمود. در حال حاضر، حزب آخریس پرده نمایی تسلط کامل خویش را بر حکومت و حذف کامل لیبرالها را از آن، به اجرا گذاشته است: طرح "بررسی عدم کفایت بنی صدر" در مقام ریاست جمهوری در مجلس، در واقع سناریوی این نمایش آخریس است!

بقیه در صفحه ۲

بد بیال تظاهرات چند هزار نفری کارگران شهر صنعتی قزوین و ساعت‌ها رگبری با مزد و زان:

دهها کارگر زحمتکش توسط پاسداران جمهوری اسلامی بخاک و خون کشیده شدند

صفحه ۲۶

بازهم میلیونها تومان برای سرکوب زحمتکشان و نیروهای انقلابی!

کارگران، زحمتکشان و خلقهای مبارز ایران! اگر رژیم جمهوری اسلامی به بهانه شرایط جنگی، کمبود بودجه و هزاران حيله و فریب دیگر، زبردست دستمزد را چسب زحمتکشان چک زده - غوودداری می‌کند، هزاران کارگر را از کار

بیکار می‌کند، "سود ویژه"، "فوق العاده" شغل و اضافه کاری کارگران را که بخشی از مزد آنهاست قطع می‌کند و... اما سرکوب رژیم برای سرکوب زحمتکشان و نیروهای کمونیست و انقلابی که مدافع از منافع شما مبارزه می‌کنند با است: بقیه در صفحه ۲۸

تظاهرات عظیم ۱۰ هزار نفری علیه رژیم حاکم در تهران!

صفحه ۲۵

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ **سرمقاله**

بی تردید، همانطور که در گذشته نیز یاد آور کردیم، هجوم حزب به لیبرالها در سالها برای کسب کامل مواضع قدرت، تلاشی است برای ایجاد یک صف فشرده ضد انقلاب در سالها، بمنظور مقابله هر چه بیشتر با بحران سیاسی موجود و روند گسترش انقلاب. حرکت حزب در این مسیر که به موازات حرکتش در جهت تشدید جو خفقان و سرکوب درجا معده بوده است، علمبرغم اینکه از تفا دعینی وی با لیبرالها در نحو سه سرکوب انقلاب، بازسازی نظام سرمایه داری وابسته و مقابله با بحران درونی آن حکایت می کند، اما اساساً از صدمت وی با انقلاب وتوده ها و نیروهای انقلابی حکایت می کند. چرا که در واقع حزب و لیبرالها، به مثابه دو جناح از بورژوازی ضد انقلابی، دارای وحدت طبقاتی هستند و تعارض آنها با یکدیگر تعارض مبهمان دو قشر معین از بورژوازی سرکوب هژمونی و تسلط بر قدرت سیاسی حاکم است. به همین جهت، تعرض حزب به لیبرالها، ضد انقلابی، که اکنون عوام فریبانه در لباس "دموکراسی" ظاهر شده اند، بنوبه خود، سرآغاز تشدید تعرض حزب به انقلاب است. او می خواهد قدرت در بالا را یکپارچه کند و از تعرض و بحران بگریزد، تا هجوم خویش به انقلاب را بهتر از زمان دهد. لیبرالها نیز خواهان چنین چیزی بودند، آنها نیز ظالمانه به وجود آوردن آنچنان کیفیتی از قدرت در بالا بودند که سرکوب انقلاب و مقابله با بحران را به شیوه خاص آنها سازمان دهد. لیکن مناسب قوا در میان نیروهای حاکم بگونه ای بود که حزب امکان یافت این کشاکش را به نفع خویش خاتمه دهد.

در بهترین حالات، که از مدتها پیش آغاز گشت حوادث هفتاد و خیرتتها مراحل تکاملی آن بود، لیبرالها، از یک جریان و حزب سیاسی حکومتی، بتدریج به یک اپوزیسیون در برابر حکومت تبدیل گشتند و در متن این نفیبرکسار - کرد سیاسی، در هموشی طاهری با انقلاب قرار گرفته اند و عوام فریبانه نمی گویند، اپوزیسیون هموشی را در منابع و مضمون خواست های مرحله ای کنونی انقلاب در دفاع از آزادیهای دموکراتیک، طوطی دهند. حال آنکه این هموشی در شرایطی که حزب جمهوری اسلامی نقش سرکوب انقلاب، و جنبش انقلابی را ایفا می کند، بیگ هموشی در شکل است که در رابطه با کیفیت آرایش سیاسی نیروها در شرایط خاص شکل گرفته است. این آرایش سیاسی نیروها در لحظه حاضر، وجهت گیری سفاکها و بعضی و کارکرد سیاسی متفاوت و جناح حزب و لیبرالها (ظیمیی است که ما خمینی را در جنبه حزب می دانیم و وقتیی سخن از حزب می گوئیم، این مجموعه متحصص

را مورد نظر داریم). با جابجایی کندگیه پرولتاریا و دموکراسی انقلابی نیز روش سیاسی و تاکتیک معینی را از نقطه نظر مقابله با این اوضاع و گسترش امر انقلاب و مبارزه طبقاتی در پیش گیریم در بیابانیه، این تاکتیک معین را به اعتماد و در خطوط اساسی آن توضیح دادیم. در این جا می گوئیم که نکاتی چند را بهرامون این تاکتیک مورد اشاره قرار دهیم.

شکی نیست که پرولتاریا، دموکراسی انقلابی در مرحله حاضر انقلاب ایران، خواهان سرنگونی رژیم سیاسی حاکم به مفهوم طبقاتی آن است، یعنی سرنگونی طغیان مبرهالیسم و بورژوازی (که در ایران بورژوازی وابسته است) و این خواستی است که حتی یک لحظه نباید از آن غفلت نمود ما سادله لوحانه خواهد بود اگر تصور کنیم که "انقلاب بروی خطی مستقیم ما نند پرواز یک تیرنگامل خواهد یافت." (۱) اگر مناسبات اساسی طبقات در هر مرحله انقلاب، تعیین کننده مفهوسون و استراتژی انقلاب در آن مرحله معین است، بهمان ترتیب آرایش سیاسی نیروها و تناسب قوای طبقاتی در هر مقطعی از روند مبارزه طبقاتی، تعیین کننده تاکتیک و روش سیاسی پرولتاریا در این مقطع می باشد. اشتباه است تصور شود که تاکتیک های حزب انقلابی نه بر اساس مناسبات نیروهای طبقاتی آنطور که هستند، بلکه بر اساس مناسباتی که ما می خواهیم وجود داشته باشند، پایه ریزی شوند. (۲)

این آرایش سیاسی در شرایط حاضر چگونه است؟ اما اکنون در دوران کشاکش انقلاب و ضد انقلاب از یک سو و گشاکش درونی ضد انقلاب بورژوازی، بر سر سلطه این یا آن جناح معین در قدرت سیاسی هستیم. در جنبه انقلاب، شاهد توسعه و گسترش روز افزون مبارزه توده هاستیم، لیکن توده ها، در وسیعترین بخش خود، دارای توهم نسبت به لیبرالیسم ضد انقلابی بورژوازی لیبرال هستند. بعلاوه اینکه کیفیت جنبش در این شرایط بگونه ای است که توده ها در سطح نسبتاً وسیعی، نسبت به حزب جمهوری، در تعارض قرار گرفته و از آن بریده اند، لیکن بورژوازی لیبرال، با نفوذ و اتا علیه لیبرالیسم ضد انقلابی خویش در بین توده ها بطور عمد متفکشی یک ارتجاع ایدئولوژیک را در میان توده ها ایفا می کند. و به همین لحاظ به مهمترین مانع در برابر پرورش و رسوخ ایده سرنگونی کل قدرت سیاسی بورژوازی (وابسته)، که طبعاً سرنگونی

(۱) - از سخنرانی مانوئیلسکی، عضو کمیته مرکزی حزب بلشویک در هفتمین کنفره کمیته در تحت عنوان "تاکتیک پرولتاری را از انگلستان بیا موزیم".

(۲) - همانجا

همه جناحهای بورژوازی را در بردارد تبدیل شده است. نیروهای بورژوا دموکرات به نواوه کشان این لیبرالیسم ضد انقلابی در درون اردوی انقلاب تبدیل شده اند و از همین لحاظ نقش مهمی در پایه گرفتن لیبرالیسم ضد انقلابی در درون جنبش ایفا می کنند.

از طرف دیگر در اردوی ضد انقلاب شکاف افتاده است. حزب جمهوری اسلامی، در هیئت سرکوب بورژوازی (جناح معینی از آن)، در شکل خاص شاهد آن هستیم، عرض اندام می کند و لیبرالها، بنا بر تفادی که با جناح حزب داشته و موقعیتی که کل حکومت از یک سو و در آرایش نیروهای سیاسی از سوی دیگر بر یافته اند، کارگرد سیاسی کا ملا متفابری با حزب در پیش گرفته اند. وضعیت آنها، اکنون موقعیت بیگ اپوزیسیون کا مل در برابر هیئت حاکمه را ترسیم می کند و نه یک نیروی مخالف دولتی که صرف نظر از وحدت طبقاتی، از لحاظ سیاسی نیز عمدتاً در وحدت با جناح دیگر قرار داشته باشد.

سیاست کا ملا متفابرت حزب و لیبرالها، در رویاروشی با انقلاب و بحران حاضر، آنها را بطور کامل در برابر یکدیگر قرار داده و بهیترترین حدتشتت و پراکنندگی را تا اکنون در صفوف ضد انقلاب بورژوازی بوجود آورده است.

تاکتیک پرولتاری و صحیح، اکنون در گسرو آن است که این سیمای سیاسی، و این آرایش سیاسی نیروها، هم در جنبه انقلاب و هم در اردوی ضد انقلاب پرورشی بازشناخته شود. عبات بردازی و کلی گویی در مورد "گسترش انقلاب" در شرایط حاضر، هیچ کمکی به دست یابی به تاکتیک صحیح نمی کند. آنچه مهم است این است که اکنون چگونه می توان انقلاب را گسترش داد، چگونه می توان، آنچنان تاکتیک پرورشی در پیش گرفت که به بهترین وجهی از یک سو ما را در بستر استراتژی انقلابی ما به سرنگونی کل رژیم سیاسی حاکم رهنمون سازد و مبارزه بوده ها را در این بستر به پیش رانده و ارتقاء و تکامل دهد، و از سوی دیگر، توده ها را از زیر نفوذ لیبرالیسم ضد انقلابی لیبرالها و توهمات فرده بورژواشی خارج ساخته و به زیر پرچم دموکراسی انقلابی سازماندهی نماید. عبات دیگر جذب توده ها را به سمت دموکراسیم پرولتاریا و نیروهای مدافع آن تسهیل نماید، اگر این درست است که حلقه اصلی زنجیر تکامل مبارزه توده ها و جنبش انقلابی، بسا توجه به کیفیت تعرض حزب و کارکرد لیبرالها، (که در بیابانیه ما زمان توضیح داده شده است)، را دعای آزادیهای دموکراتیک و گسترش آن در شرایط حاضر تشکیل می دهد، و اگر این درست است، که حزب جمهوری، با غلبه بر حکومت، نیروی اصلی به حرکت در آورنده زنجیر سرکوب

رژیم جمهوری اسلامی حامی سرمایه دار، دشمن زحمتکشان!

جنبش کارگری



توطئه اخراج کارگران را خنثی کنیم!

با گسترش توطئه‌های رنگارنگ رژیم برای اخراج کارگران، موج مقاومت و اعتراض آنها نیز گسترش یافته است که تنها در صورت تعمیق این مبارزات و تلفیق آنها با آگاهی طبقاتی کارگران و ایجاد دشواری‌های واقعی می‌توان توطئه‌های رژیم را خنثی نمود. برای آشنایی بیشتر با این توطئه‌ها نمونه‌های زیر را می‌آوریم:

۱- خانه‌سازی تبریز:

موج اخراج‌های دسته‌جمعی کارگران ایران بوسیله رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد. اخیراً رژیم قصد دارد حدود ۱۰۰۰ تن کارگران و همچنین کارکنان کارخانه‌سازی تبریز را به بهانه "پایان کار" اخراج و بازخرد نماید. استاندار مرتجع ماه گذشته در مقابل اعتراض کارگران و کارکنان گفته بود: "اکنون موقع جنگ است. چون کارمان تمام شده و پول هم نداریم، مجبور هستیم کارخانه را تعطیل کنیم". کارگران با اینکه حقوق اردیبهشت را دریافت نکرده و در نیمه اول خرداد ماه هم علی‌الحساب گرفته و سخت درمی‌فیکه هستند هر روز به کارخانه رفته و سعی دارند توطئه رژیم را خنثی نمایند. به نقل از "شهباز" شماره ۶ "با تغییر

وضعیت زندگی کارگران کوره‌پزخانه، ۲۲ سال پس از اعتصاب خونین ۲۳ خرداد و بازهم مبارزه!

خرداد، هیچ سخنی از آنان به میان نیاورده و بر مبارزات کنونی آنان برده ماستر می‌کند. برای درک بهتر شرایط معینی کارگران کوره‌پزخانه‌ها و استثمار و حیثیت‌آنان توسط سرمایه‌داری جمهوری اسلامی خون کارگران را می‌مکند، نگاه می‌به وضعیت دستمزدها، وضعیت مسکنی کارگران، بیمه، بهداشت و... کوره‌پزخانه‌های تهران می‌اندازیم:

- ۱- قرچک ورامین ۵ - یافت آباد
 - ۲- خاتون آباد ۶- اسماعیل آباد
 - ۳- فرون آباد ۷- شمس آباد
 - ۴- محمودآباد ۸- چهاردانگه
- بقیه در صفحه ۴

رشد بحران اقتصادی - اجتماعی سیستم سرمایه‌داری وابسته ایران، شرایط را هر چه بیشتر برای کارگران و زحمتکشان سخت و طاقت فرسا نموده است. کارگران کوره‌پزخانه‌ها که در شرایط نیمه‌بردگی استثمار قرار دارند نیز از این گل مستثنی نمی‌باشند. این کارگران اکنون می‌بینند که نه تنها شرایط زندگی‌شان نسبت به قبل فرقی نکرده بلکه با تشدید تورم و گران شدن کالاهای مورد نیازشان، به مراتب بدتر شده و فشار زندگی را بر دوشان چند برابر کرده است. می‌بینند که در حالی که اعتبار ۴۰ هزار تفری و پرتکوه آنان در سال ۱۳۳۸ زمین به ساقی ما نژده خرداد بوده و ۵۰ تن از کارگران قهرمان کوره‌پزخانه‌ها بدست جلادان رژیم پهلوی به خون کشیده شدند، رژیم فداخلفی جمعه‌گوری اسلامی در به اصلاح بزرگداشت قیام شوه‌ای

۲- صنایع الکترونیک شیراز:

از مدتی پیش انجمن اسلامی صنایع الکترونیک شیراز که وابسته به ارتش می‌باشد، در پی دستگیری سه تن از کارکنان مبارز کوه هواداران محاهدین هستند دست به توطئه‌های گوناگون رده و سرانجام در تاریخ ۶۰/۲/۱۹ دادگاه انقلاب اسلامی از طریق دزبان اقدام به جلب سه تن نامبرده می‌کند. کارکنان مجتمع که بالغ بر ۱۲۰۰ نفر هستند یکپارچه جلوی ساختمان مؤسسه را احتماع کرده و مخالفت خود را بروز میدارند. عناصر مترقی شورای کارخانه هم حمایت خود را از خواست انقلابی کارکنان اعلام میکنند. سه‌حال عوامل رژیم موفق نمی‌شوند کارکنان مبارز را دستگیر نمایند. مردوران انجمن اسلامی در شرایط حاضر، انحلال شورا را خواستارند، اما کارکنان در مقابل انحلال شورا و دستگیری سه تن از کارکنان صنایع مقاومت میکنند. به نقل از خبرنامه محلی تشکلات شراز شماره ۷ - با تلخیص و تغییر

احیای روابط "استاد-شاگردی": طرحی ارتجاعی بر علیه کارگران

کارگران، خلاصه نمود، که هدف "خل" بحران اقتصادی بود طبقه سرمایه‌دار را از ایانتقال هر چه بیشتر با بحران بردوش کارگران و زحمتکشان را دنبال می‌نماید. برای روشنتر شدن ماهیت این طرح و اهداف ضدکارگری طراحانش به بررسی آن می‌پردازیم:

یکی از محورهای توجیه طرح مذکور این است که گویا موجب حرکت جامعه در جهت "عدم وابستگی" شده و زمینه رشد صنایع ملی را بوجود خواهد آورد!! معاون وزارت کار در این باره می‌گوید:

"در شرایط کمونی کشور ما از نظر صنعتی آنچنان فقیر است که جز اسیر بودن در جنگال تکنولوژی وارداتی چاره‌ای ندارد مگر اینکه در زمینه تربیت و آموزش می‌توانیم بهیچ در صفحه ۷

مدتی است که مسئله احیای روابط فریب‌ناستاد - شاگردی از جانب عوامل وابسته به حزب جمهوری اسلامی طرح می‌شود و اخیراً وزارت کار با ارائه طرحی در این مورد، به دفاع از آن پر - داغ شده است. آنچه که از ورای کلیه عوام مغربی - های مدافعین این طرح نظیر حرکت در جهت عدم وابستگی، نابودی استثمار و برقراری روابط پدرانه (!!) میان کارگر و کارفرما و... میتوان استنباط نمود، بلاتنی است که سردمداران حزب جمهوری اسلامی برای خارج کردن سیستم سرمایه‌داری وابسته، از بحران حاد اقتصادی موجود، بعمل می‌آورند.

ویژه‌گیهای کلی این طرح را می‌توان در برقراری آنتی طبقاتی میان کارگر و کارفرما، سازماندهی تولید بر طبق سناستهای ویژه حزب جمهوری اسلامی و افزایش استثمار

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

خلق ها و مسئله ملی



حزب دموکرات از کدام دموکراسی دم میزند؟

حزب دموکرات با ردیگر در ادامه دشمنی خود با کمونیستها ۶۰ نفر از رفقای مادیوکان را دستگیر و سپس آزاد نمود. سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر مادیوکان بنا بر تاریخ ۶۰/۳/۱۶ اعلامیه ای در این مورد منتشر کرده که ما قسمتی از آنرا در اینجا می آوریم:

خلق رزمنده کرد!
مردم مادیوکان و حومه!
سازمان پیکار از ۵۴ روز، رفقای ما که در زندان حزب دموکرات اسیر بودند آزاد گردیدند. تشکیلات بوکان حزب دموکرات که در این زمینه از سوی نیروهای انقلابی، نهاد های دموکراتیک، خانواده رفقا و ... تحت فشار بوده است به دنبال آزادی رفقای دربند ما، با ردیگریستی اعلامیه ای، عوام فریبانه همان اکادمی را که در اعلامیه مورخه ۲۲ فروردین خود منتشر نموده بودند تکرار کرده و بدینسان آن با وهاشی درباره دموکراسی و آزادیهای دموکراتیک سر داده است. ما اولاً بیکار ردیگریستی را که تشکیلات بوکان حزب دموکرات در رابطه با واقعه شب ۲۱ فروردین انتشار داده رد کرده و آنرا توطئه دیگری بر علیه خود از سیاسی مینامیم که خود جدا از غلط متنی کلی حزب در رابطه با نیروهای انقلابی نمیتواند بنا شود و نیسان آن دموکراسی را نیز که حزب از آن دم میزند کاذب و بورژوازی میدانیم، چرا که این دموکراسی ادعای ماهیت خود را صرف نظر از مورد اخیر که جلوه ای بارز آنرا مشاهده نموده ایم با رها و به دفعت مکرر نشان داده است.

حزب دموکرات به دنبال تهراندازی افراد مسلح به دوشتر از هواداران ما، که در شب ۶۰/۱/۲۱ عازم خانه یکی از رفقای ما بودند، (آنهم درست در داخل کوچه ای که خانه این رفیق در آن واقع است) بطور حساب شده ای پس از یک ساعت تهراندازی هوشی بهبودی و زمینیه سازی لازم خانه مذکور را محاصره کرده، بخشی از اموال آنجا را با غارت برده و رفیق ما حب خانه و چند تن از رفقای ما را دستگیر مینماید. رفقای دستگیر شده را مورد ضرب و شتم و توهین قرار میدهند پس آنها را با مزدوران رژیم، جاشها و ... در یک بند قرار میدهند و حداقل حقوق آنها را بعنوان زندانیان سیاسی از آنان سلب مینماید و در اطلاعیه ای سر با تحریف و دروغ از رفقای ما بعنوان عناصر مشکوک یاد میکنند و ... بدینسان حزب گوشه ای از "دموکراسی" صد -

"شورای مرکزی سنت": توطئه ای علیه خلقهای کرد، بلوچ و ترکمن! و سکوت خائنه فدائیان (اکثریت) در قبال سابقه سردمداران آن

طبقاتی رژیمهای ارتجاعی را وحتیانه سرکوب می کردند. و اکنون که در روند قبضه شدن تمام مواضع قدرت در دست حزب جمهوری اسلامی از یکسوی منافع خود در قدرت سیاسی را در مغایرتی می بیند و از سوی دیگر ناظر بر شدت جنبشهای انقلابی شده های زحمتکش و خلقهای ستمدیده ایران هستند بهر چه عوام فریبی را بر فراشته و با "خود مختاری" خواهی و عنوان کردن "رفع ستم ملی - مذهبی - طبقاتی" در صدد تعمیق و سوار شدن بر جنبش توده ها برآمده اند.

شورای مرکزی سنت "وتشکلات ارتجاعی و ضد خلقی نظیر آن از جمله "وحدت اسلامی بلوچستان" می گویند بموازات تلاته های لیبیرالها در جهت سوار شدن بر جنبش توده های و هموشی موری و عوام فریبانه آنها با توده ها و منحرف کردن مبارزات زحمتکشان و خلقهای ستمدیده در جهت تامین منافع طبقاتی خود بر علیه حزب جمهوری اسلامی، بر انقلاب توده ای مهار زده و سیستم سرمایه داری وابسته را از آسیب توده ها معون نگهدارند. در شرایطی که هر روز بیش از پیش توده های زحمتکش و خلقهای ستمدیده ما که در شرفش رطقت فرسای بحران اقتصادی گران، بیکاری و گرسنگی و عوارض فلاکتبار ناشی از جنگ از یکسوی سرکوب مبارزات کارگران، زحمتکشان و خلق های ستمدیده از سوی رژیم و افشاگری و کار آگاه - گرانه کمونیستها و نیروهای انقلابی از سوی دیگر، به ما هیت ضد خلقی حزب جمهوریستیمتا به جناح کاملاً مسلط در هیئت حاکمه پی برده و در مقیاسی وسیع به مبارزه بر علیه آن کثاند می شوند، "شورای مرکزی سنت" و طبقه در سطح ۶

اخیراً ارتجاع محلی کردستان، ترکمن و بلوچستان، در بلوچستان تشکیلاتی بنام "شورای مرکزی سنت" (شس) ایجاد کرده و مفاد اساسی آن موقت خود را بشرح زیر اعلام کرده اند: "احیای امت واحد اسلامی و زدودن مظالم و تفرقه از قیافه امت، فعالیت پیگیر برای رفع ستمهای مذهبی، ملی و طبقاتی، اصلاح اصول قانون بخصوص اصل دوازده، در تعیین ائمه جمعه و حاکم شرع در مناطق سنی نشین باید با نظر مردم محل و تأیید این شورا باشد." (تخصیص از انقلاب اسلامی ۲۲ فروردین ۶۰).

سردمداران این تشکل ارتجاعی، احمد مفتی زاده از کردستان و مولوی عبدالعزیز از بلوچستان می باشند. تشکیل شس از طرف این عناصر مورد حمایت لیبیرالها نیز قرار گرفته است. همچنانکه از مفاد اساسی به شس بر می آید، شورای مرکزی سنت قبل از هر چیزی، تحمیل توده ها و خلقهای ستمدیده و مهار زدن بر جنبش انقلابی و منحرف نمودن آن در جهت منافع خود را وظیفه خود قرار داده است. رهبران این جریان از رفع ستم مذهبی ملی - طبقاتی دم می زنند و با مستمک قرار دادن این خواسته های برحق خلقهای ستمدیده کرد، ترکمن و بلوچ می خواهند دستهای آلوده بخون خود در کشتار خلقهای ایران، طی دوسال حاکمیت جمهوری اسلامی را پوشیده نگهدارند. حال آنکه کیست که بداند همین عناصر ارتجاعی تشکیل دهنده شورای مرکزی سنت همایشی هستند که هنگام کشتار خلقها و انقلابیون کرد و ترکمن و بلوچ، با بیبای تمام جناحهای رژیم و ارگانهای سرکوبگران، مبارزات انقلابی خلقهای ستمدیده بر علیه ما لها ستم ملی -

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



انقلابی خود را انعکاس میدهد و آنگاه که بر اثر افتاکری و فشار نیروهای انقلابی و... مجبور به آزادی آنان میگردد به "دمکرات نمائی" با شکر و مغرور خود میبرد از د.

اشغال انقلابی قسمتهائی از مهاباد و ضربات پیشمرگان کومله بردشمن

۶۰/۳/۱۲ در این روز ۵ دست... از پیشمرگان کومله: از پهل شهید محمد حسین کریمی پهل شهید خاتمه و دست خسته چوارچا و وارده شهر مهاباد شدند. در ساعت ۷ بعد از ظهر محله های جامجم - سآسیاب - باغ سیمه - سینه زادن - خیابان پهلوی سابق و خیابان حافظ را به کنترل کامل خود درآوردند و به کسب نیروهای دشمن نشینند.

در جریان درگیری، مواضع پیشمرگان توسط ارتشها منقرض شده "دانا مجید" بندت بسا سلاحهای سبک و سنگین گوییده میشود و لوسی پیشمرگان با شجاعت کم نظیری در حالیکه مردم شهر آنها را یاری میدادند و برای ایشان غسذها، شوریسی، نوشابه می آوردند، سرسختانه به شهردا حمله میدادند.

نظم انقلابی پیشمرگان و تهور و جرات آنان در همان حال که تحسین مردم شهر را برانگیخته بود، رعب و هراس در دل نیروهای دشمن افکنده بود. در این شهر - بیش از ۱۵ نفر از نیروهای دشمن به هلاکت رسیدند و تعدادی نیز زخمی شدند. همچنین پیشمرگان توانستند یک دستگاه ماشین سیمرغ، یک دستگاه ماشین لندرنور ۴۰ قبضه - ۳ و مقدار قابل توجهی مهمات را از دشمن به عینیت بگیرند و به همراه یک افسار رشتی که در جریان درگیری به اسارت درآمده بود، از شهر خارج نمایند. در این عملیات به هیچیک از پیشمرگان آسیبی وارد نشد و موهنگی سالم به با پناهمای خود با زکشتند. در جریان این عملیات پیشمرگان مورد استقبال پر شور مردم قرار گرفتند. (خبرنامه ۱۲۷ کومله)

بقیه از صفحه ۵ شورا ...

و دستجات ارتجاعی نظیر آن، به تبعیت از تکاپوی لیبرالها جهت سوار شدن بر موج مبارزات توده ها در هیئت مخالفت با حـزب جمهوری اسلامی خود را "منافع" خواستهای سر حق خلقهای ستمدیده قلمداد می کنند. حال آنکه با اندکی تأمل در ماهیت و سوابق خیانت با روحانیاتی که سرمداران این تشکیلات شنا کتون مرتکب شده اند، می توان اهداف خاشانه آنها را با زشاعت "شورای مرکزی سنت" چه از نظر ترکیب درونی و چه از نظر برنا مه سیاسی آن ائتلافی است از ارتجاعیون محلی کردستان.



ترکمن صحرا و بلوچستان که قبل از آنکه مخالف جناح حزب جمهوری اسلامی باشند، برای سرکوب کمونیستهای و انقلابیون و خلقهای ستمدیده، بیجا خاسته و در مقابل انقلاب مفا آرای کرده اند. این دارودسته در پی آندکده حرکت انقلابی توده ها را بلگان رسیدن به مناسف خود از طریق شرکت در قدرت و بهره وری از استعمار زحمتکشان قرار دهند. از سوی دیگر "شورای مرکزی سنت" بخوبی بر این مسئله واقف است که اگر جنبش انقلابی خلقهای ستمدیده و توده های زحمتکش ایران که اکنون عمدتاً حزب جمهوری را هدف قرار داده اند در روند رو به تکامل خود و در صورت شکل توده ها حول سیاست کمونیستها کل رژیم جمهوری اسلامی را مورد تعرض قرار خواهد داد و این چیزی است که نمی تواند و در حجت ارتجاع ا بوزیسیون محلی و فتوادها، خوانین و مولویها و مفتی های مرتجع را بر بنیان نگیرد. بر مبنای همین واقعیت شورای مرکزی سنت خواهان تجدید نظر در اصل ۱۲ قانون اساسی و تنظیم قانونی می باشد که ضمن مجاز شمردن هرگونه ستم ملی - طبقاتی بر خلقهای ستمدیده کرد و ترکمن و بلوچ، مذهب سنی را نیز جسیزو مذهب رسمی کشور محسوب نموده و تحت همین پرش، ارتجاع سنی مذهب را در اجرا و بهره گیری از ستم و استعمار و کشتار و جنایت شرکت دهد. نگاهی به بخشی از مفا دادها سا سنا مه موقت "شمن" های هیچگونه تردید در ماهیت ارتجاعی این تشکیلات باقی نمی گذارد: "اشعه مما عنت و حاکم شوع در مناطق سنی نشین با دیدنا نظر مردم محل و نا بیاید این شورا باشد" در تحلیل

این خواسته روشن است که این دارودسته، خواهان کسب امتیازاتی از رژیم در جهت ستم و تحکیم قدرت اجرایی ارتجاع محلی در کردستان و ترکمن صحرا بویژه در مناطق سنی نشین آن می باشد. اما از این طریق با انتقاد "اشعه جماعت و حاکم شوع" خود، بجای حاکمان و جلادان شرع وابسته به حزب جمهوری اسلامی، دستگیری، شکنجه و اعدام کمونیستها و انقلابیون و سرکوب و کشتار خلقهای ستمدیده را پیش ببرند. البته مرتجعین شورای مرکزی سنت در کشتن کمونیستها و انقلابیون و توده های زحمتکش کرد، ترکمن و بلوچ چندان هم بسی تجربه نیستند. مشارکت فعال مفتی زاده در کشتار خلق کرد و حمایت او از اعدام انقلابیون کردستان در سال ۵۸ و اوایل ۵۹، شرکت در کشتار روحانیون سنی و شیعی ترکمن صحرا در کشتار خلق ترکمن و مبارزین و انقلابیون ترکمن - صحرا در جریان دو جنگ خلق ترکمن با رژیم و رهبری مولویهای مرتجع در جریان تنها جسم و حشا نه به دانگا و دستگیری و شکنجه و شرور و اعدام کمونیستها در بلوچستان، از جمله جنتیاتی است که سرمداران شورای مرکزی سنت در گذشته انجام داده و تجربیاتی در این زمینه کسب کرده اند!

تشکیل شورای مرکزی سنت با مخالفت حزب جمهوری اسلامی و کاسه لیبسان آن، رویزبونیستهای خاشن اکثریتی نیز مواجه شده است. برای اینکه ما مرزبین موضع انقلابی خود با موضع ارتجاعی و ضد انقلابی رویزبونیستهای خاشن اکثریتی در مقابل "شورای مرکزی سنت" را روشن کنیم افشای اهداف این سازمان در برخورد به شورای مرکزی سنت را ضروری میدانیم. چنانچه دارودسته خاشن، در برخورد به جریاناتی نظیر شورای اهل سنت، همگان لافا ثلاثی را نشخوار میکنند که حزب جمهوری اسلامی مطرح میکند. سازمان فدائیان اکثریت "شورای مرکزی سنت" را عامل امپریالیسم که قصد ایجاد شوب در مناطق سنی نشین دارد معرفی میکنند (کا و اکثریت ۱۱۰) آنها میگویند: "مهرا علی در این میان (در تشکیل شورای مرکزی سنت - پیکار) احمد مفتی زاده است... که پس از آنکه پسرده از جناحیاتی در کردستان برداشته شد به پاکستان گریخت... همکار مفتی زاده مولوی عبدالعزیز است که در نزد مردم بلوچستان سابقه شناخته شده ای دارد... مدتی در اروپا بسر برده و اخیراً به ایران بازگشته است" (همانجا) رویزبونیستهای اکثریتی خاشن به طبقه کارگر و خلقهای ستمدیده کرد، ترک و بلوچ و... از کشتن حقایق گذشته به توده ها و حشست دارند. آیا ماهیت مفتی زاده، مولوی عبدالعزیز و روحانیون سنی مذهب ترکمن صحرا تغییر کرده که آنها اینچنین مغفوب حزب جمهوری اسلامی و به تبع آن فدائیان اکثریت گشته اند



بقیه از صفحه ۲ احیای روابط ...

صنعتی گام اساسی بردارد.

همچنین:

"مستولان وزارت کار می گویند ما ابتدا باید در کشور صنعتگری داشته باشیم تا از طریق صنعتگران بتوانیم صنایع خود را رشد دهیم. بنابراین از نظرو وزارت کار احیای سیستم "استاد-شاگردی" گامی در جهت تبدیل سیستم کارخانهداری به سیستم صنعتگری است."

بدین ترتیب طراحان طرح مذکور با ولا و با بستگی سیستم سرمایه داری کشور با کمال سیستم سرمایه داری جهانی (امپریالیسم) را تا حد "اسیر بودن در چنگال تکنولوژی وارداتی" با عمیارت دیگران حد و اوستگی تکنیکی کشور، تنزل می دهند. تا آنها وابستگی را صرفاً معلول فقر صنعتی جلوه میدهند، درحالیکه همه - وری دیگران شیک خلق تحت رهبری طبقه کارگر علمبرغم وجود همین فقر صنعتی می تواند وابستگی را از زمین ببرد. بدین ترتیب از طرفی اعمال خود را در جهت تحکیم وابستگی (بستن قرارداد های متعدد با امپریالیستها و ...) تطهیر کرده و از طرف دیگر با خاک پا شدند در چشم توده ها، تلاش می نمایند تا از طریق پیشبرد طرح خود و به اصطلاح "ترتیب و آموزش متخصصی صنعتی آنهم بشوهد مورد نظر خود، کل سیستم سرمایه داری وابسته ایران را از تعرض انقلابی توده ها معون نگهدارند.

اما شیوه ای که طرح "استاد-شاگردی" برای رسیدن به هدف مذکور، پیشنهاد میکنند چیزی نیست جز بازگشت به اشکال ابتدائی و سنتی صنعتگری که در آن صنعت محدود و عمدتاً دستی در کارگاهها رایج بود و ما احب کارگاه (استادکار) تجربیات و کارگاه خود را به شاگردانش منتقل می نمود، ویژگی طرح وزارت کار، نفی تمرکز صنایع کارخانهای و پراکنده کردن آنها می باشد. ارتجاعی بودن این طرح بقدری واضح بود که طراحان آنرا بفکر "توجه" آن انداخته است. در همین رابطه معاون وزیر کار می گوید:

"ما اول باید یک ظرفیت صنعتگری داشته باشیم و بعد صنعتگران باید صنایع سنگین بسازند... بنابراین احیای سیستم استاد-شاگردی را به معنی احیای صنایع ملی که الزاماً عقب افتاده باشند، نباید تلقی کرد. ما به هیچوجه معتقد نیستیم که ابزارهای ابتدائی را باید در صنایع سنتی بکار گرفت."

■ - کیهان ۶۰/۳/۴ صفحه "گزارش" - تاکید -
ها از پیکار راست.

از این گفته چند مطلب روشن می شود: نخست آنکه هدف طراحان حزبی "نظام استاد-شاگردی" از احیای صنعتگری سنتی و روابط مربوطه آن، نفی کامل صنایع سنگین نیست بلکه آنها در شرایط فعلی که از طرفی صنایع کشور دچار رکود، تعطیلی، بآزده می گم و ... ناخی از بحران هستند و از طرف دیگر مبارزات روزافزون کارگران بخصوص در بخشهای متمرکز صنایع همچون جاری در چشم رزمی بیشتر و بیشتر فرومی رود، راه نجات سیستم ورژیم خود را در ازم پاشاندن صنایع متمرکز که نتیجه اش تلاشی طبقه کارگراست و سازماندهی صنعتگری سنتی (البته نه با ابزارهای ابتدائی!) به جای آن، می بینند. طراحان طرح مذکور بر این باورند که در آینده بتوانند صنایع سنگین

گذشتگان، اصولاً در بخش صنایع سنتی اخلاقی و وجدان کار مورد توجه است و به همین علت کارآیی و قدرت تولیدی واحدهای شاغل نسبت به بخش صنایع مدرن رفاهیت بخش تر میباشد... در سیستم اقتصادی و اجتماعی سنتی، استثمار بر مراتب کم تر از سیستم وارداتی است."

در این جا است که کلام مدافعان احیای "نظام استاد-شاگردی"، از پس مبارزات پر دایزهای هوا مفری با تاریخ می نماید. آنها اولاً با دریاغ سبز نشان دادن به کارگران زحمتکشی که بولشاورند به بحران اقتصادی، در آستانه فقر و فلاکت قرار دارند، و هدف "توزیع عادلانه تر درآمد" میدهند. گویی در نظامهای استثمارگرو طبقه ای میتوان از توزیع عادلانه



درآمد، سخن گفت که آقایان و عده توزیع عادلانه تر درآمد توسط احیای روابط پوسیده گذشته میدهند! توزیع عادلانه درآمد زمانی به واقعیت تبدیل خواهد شد که بساط مثنوی استثمارگرانگ از جا می برچیده شده و کارگران و زحمتکشان بیزیر برجم راستین خودتاما می قدرت را در دست گرفته و بسوی محوطقات گسام بردارند.

ثانیاً - علت این "عادلانه تر" تقسیم شدن درآمد را بکسری سنتهای مقبول برجما مانده از فرهنگ گذشتگان "هرمی شمارند که مقبولیت آنها در "اخلاق و وجدان کار" است که موجب افزایش کارآیی و قدرت تولیدی واحدهای شاغل می گردد. آری، کلام اینجاست! اگر کارگران در شرایط کنونی بسادگی تن به استثمار روحیانه نمی دهند، اگر برای بهبود شرایط زندگی شان دست بسپارند، اگر بخاطر تمرکزشان در بخش های صنعتی، می توانند متحداً در مقابل سرمایه داران بايستند و اگر تمام این عوامل موجب کاهش کارآیی و قدرت تولیدی "صنایع مدرن" نتیجه کاهش سودآوری سرمایه داران می گردد

و متمرکز را بشوهد خود ایجاد کنند، آنها برای فریب توده ها نام منایعی را که بدین شیوه بوجود می آیند "صنایع ملی" می گذارند، که گویا الزاماً "عقب افتاده" نیستند. بعبارت دیگر برای آنکه میا دابورژوازی از این بازگشت به اشکال فئودالی صنعتگری، ترسی بدل راه دهد، میل منین طرح مذکور، بسادآور می شوند که آنها به هیچوجه در مدهد نفی صنایع مدرن و متمرکز بطور کلی نیستند و تنها در مدهد استفاده موقتی از اشکال صنعتگری سنتی برای مقابله با بحران، می باشند. در رابطه با توجه "این طرح و دفاع از آن، مستولان وزارت کار می گویند:

"معمولاً در بخش صنایع سنتی کالاها بس تولید میشود که اغلب مورد نیاز ضروری افراد جامعه است. اما در بخش مدرن وارداتی کالاهای ساخته می شود که چندان ضروری نیست. در بخش سنتی تولید صنعتی، توزیع درآمد عادلانه تر از بخش مدرن انجام میشود زیرا در بخش سنتی آنچه که تولید می شود، به مصرف می رسد. و در توضیح چگونگی این "توزیع در آمد عادلانه تر" می فرمایند: "معمولاً بر اثر بکسری سنتهای مقبول برجما مانده از فرهنگ



در عوفی مدافعان احیای صنعتگری سنتی، به سرمایه‌داران این نوید را می‌دهند که در صورت اجرای طرحشان، استثنای مطلق گذنند یعنی اطاعت بی چون و چسرای کارگران از کارفرما و تن دادن به هرگونه استعمارگری وی تحت عنوان "اخلاق و وجدان کار" احیا خواهد شد.

از سوی دیگر مدافعین طرح مذکور برای فریب کارگران، از "استثنا بحراتب کمتر" آنها در صنعتگری سنتی دم می‌زنند درحالیکه کارگران استثنای مطلق است که تحت حاکمیت طبقات استعمارگر، با لافتن سود سرمایه‌داران بقیمت با بیش آمدن سطح زندگی کارگران و افزایش درجه استعمارشان می‌باشد نتیجه "اخلاق و وجدان کار" کارگران (یعنی کار بیشتر کردن و مزد کمتر خواستن آنها) نیز چیزی جز این نیست.

این مسئله زمانی مشخص می‌شود که بیاون وزارت کار در دفاع از چگونگی پرداخت دستمزد در طرح مذکور می‌گوید:

"قرارداد کارآموزی با توافق و شرایط طرفین منعقد میشود. بنا بر این عالیترین حق شخص را برای تصمیم‌گیری راجع به زندگی خودش رعایت میکند. همچنین شاگرد بطور کامل بپیمه خواهد شد و دستمزدی به توافق طرفین دریافت خواهد کرد."

بدین ترتیب می‌بینیم که اولاً کارگری به "شاگرد" و سپس به "کارآموز" تبدیل می‌شود. با توجه به آنکه کارفرما با بخش بزرگی از مزد کارآموزان را (که چه بسا مانند یک کارگر رسمی کار می‌کنند) به بیبانه عدم پایان دوره کارآموزیشان که برطبق تصمیم وزارت کار تا سال میتواند طول بکشد، بچیب خود میریزند، روشن میشود که چه شرایط مساعدی برای بهره‌کشی هرچه بیشتر سرمایه‌داران فراهم می‌گردد.

تا اینجا تکید ماون وزیر کار بر "توافق طرفین" در تعیین دستمزد که حتی آنرا بعنوان عالیترین حق شخص برای تصمیم‌گیری راجع به زندگی خودش "قلمداد می‌نماید، عوام مغریبی بشیرمانه‌ای بیش نیست. چرا که زمانی میتوان از حق تصمیم‌گیری آزادانه در توافق طرفین صحبت بمان آورد که شرایط یکسانی بر طرفین حاکم باشد. در صورتیکه در این "توافقی" که ب معاون وزارت کار از آن نام می‌برد یکطرف کارگران قرار دارند که در اثر بحران حاد اقتصادی جامعه در آستانه فلاکت و تلاشی بسر می‌برند و در طرف دیگر سرمایه‌داران هستند که حاکمیت اقتصادی و سیاسی را با تمام دستگا‌های مریخی و طویلیش در دست دارند. در یکطرف کارگران و زحمتکشان برای ادامه حیات

خود، بدنبال کار و تا مین لقمه نانی هستند و در طرف دیگر سرمایه‌داران سود هرچه بیشتر خود را در گرو استعمار هر چه وحشیانه‌تر کارگران می‌بینند. با در چنین شرایطی می‌توان از حق تصمیم‌گیری آزادانه کارگران برای انعقاد قرارداد کار با سرمایه‌داران، صحبت کرد؟ آیا این آزادی همان نیست که بقول آموزگار کمپرتیبه کارگر، ما رگس، آزادی کارگران برای فروش نیروی کار و آزادیشان در استعمار شدن است؟

البتة اجرای این طرح از جانب وزارت کار رژیم نیز بدون اشکال نیست. در اطلاعیه‌ای که روابط عمومی وزارت کار برای "توجیه" طرح مذکور صادر کرده است، یکی از این اشکالات بدین صورت آورده شده است:

"در صورتیکه الزامات و تعهدات یکسان و یکنواختی نسبت به کارگر و کارآموز وجود داشته باشد، از لحاظ منطقی کارفرما نمی‌تواند شرایط و روابطی برای استخدام فرد بعنوان شاگرد و یا کارآموز، با قید توجیه است."

بنا بر این وزارت کار که خود معترف به ناسوی کارگر و کارآموز در برابر دستمزد است قصد خود را از تبدیل کارگران به شاگرد (با کارآموز) که چیزی جز بیبانه آوردن دستمزدشان نیست، آشکارا ساخته و مهمتر از آن با دفاع از منطقی کارفرما می‌باید، ما هیت طبقاتی رژیم جمهوری اسلامی را که خود وابسته به آن است، عربیان می‌سازد. بعبارت دیگر بر طبق اطلاعیه وزارت کار، از آنجا شیکه "منطقی کارفرما می‌تواند حکم می‌کند که به کارآموز (ولو اینکه سرمایه‌داران کارگر را زوی کار بکنند)، کمتر از کارگر دستمزد بدهند، و از آنجا شیکه بر طبق طرح "استاد شاگردی" وزارت کار، بسیاری از کارگران به شاگرد یا کارآموز تبدیل می‌شوند و با اینکه کارفرما می‌باید بجای کارگر، کارآموز استخدام کند، "مشکلی بوجود نمی‌آید که عبارت است از وجود شاگردان (با کارآموزان) جدید با حقوق کارگران! طبعاً راه حل این مشکل نیز بر طبق "منطقی کارفرما می‌تواند" وزارت کار بصورت باین آوردن دستمزد آنها تا سطح کارآموز خواهد بود و بدین ترتیب است که هدف اصلی رژیم یعنی باین آوردن سطح زندگی کارگران و استعمار هر چه بیشتر آنها، عملی خواهد شد.

بر طبق گفته مدافعان طرح مذکور یکی از هدفهای عمده‌ای که این طرح دارد این است که استادان را اگر شاگرد گرفت، شاگرد ادیبی مالکیت کارگاه را نخواهد کرد."

بدین طریق است که به کارفرما بمان اطمینان داده می‌شود که برخلاف نظام استاد شاگردی "در جوامع ما قبل سرمایه‌داری که شاگرد هم تجربه و هم کارگاه استاد خود را به

روزنامه جمهوری اسلامی ۶۰/۲/۲۶؛ تاکید از بیکار راست.

ارت میبرد، در این طرح، کوچکترین خطری مالکیت کارفرما را تهدید نخواهد کرد و "شاگرد" هر چه چنین نامی گرفته است در واقع همان کارگر است. بعبارت دیگر آن قسمت از روابط استاد شاگردی که حقوق شاگرد را محدود کرده و او را وادار به اطاعت از استاد خود می‌نماید، در طرح وزارت کار رگنجانده شده است و با لمکس آن قسمت از حقوق شاگرد که مربوط است به جای نشینی وی بجای استاد، در طرح مذکور جای ندارد!

واقعتاً این است که تنها راه حل بحران عمیق کنونی از نظر سرمایه‌داران، انتقال هر چه بیشتر ثروت آن بردوش کارگران و زحمتکشان می‌باشد و این اجتناب‌ناپذیر است. منتها هر یک بر طبق منافع ویژه خود، شیوه‌های متفاوتی برای رسیدن به این راه در پیش گرفته اند و گرنه در اما می‌باید یکدیگر را غلظتی ندارند. بنا بر این طراحان احیای نظام استاد شاگردی "بسیرها تصور که دیدیم هدفی جز افزایش استعمار کارگران و خفه کردن مبارزات حق طلبانه‌شان ندارند! لیکن رشد سرمایه‌داری در ایران از طریق و گسترش مبارزات طبقاتی کارگران در کشور، اجازة نخواهند داد که این روابط بیبانه عقب مانده و سنتی در صنایع احیا شوند. از این طرح ارتجاعی که زمره‌های اجرای آن آغاز شده است، از هم اکنون محکوم به شکست بوده و تلاش در جهت بیبانه کردن آن شماره‌ای جز تسریع انحطاط رژیم حاکم را در بر نخواهد داشت.

بقیه از صفحه ۲۶ دهها...

تا بر این میان کارگران و سرمایه‌داران ادامه میباید و در دوران سرمایه‌دهی، تن از کارگران مبارزان دستگیری نمی‌بند. بطوریکه مرتجعین حاکم خود در ارگان خویش خبر از دستگیری ۱۵۰ کارگر میدهند. این جناح کارگران پس از آنکه با بورژوازی به مبلوعات و آزادیهای دمکراتیک، تنها امکانات تبلیغاتی و خبررسانی را در چنگ خود میگیرند، بشیرمانه ادعا میکنند که نظایرت چند هزار نفری کارگران شهر صنعتی کار "عده‌ای وابسته به گروهکها" بوده و تنها یک کارگر آنهم بدست "گروهکها" کشته شده است!! زهی وقاحت و بشیرمی!! اما توده‌های زحمتکش ایران بشیر از این به ما هیت دار و دسته مرتجع حاکم پی برده‌اند که اینگونه نعل وارونه زدن‌ها و تلاشهای مذبوحانه موش واقع شوند.

تنگ و نفرت سرچنا بتکاران و سرکوبگران طبقه کارگر!
با تمام قوا از مبارزات کارگران برای کسب آزادیهای دمکراتیک حمایت کنیم!
بیش بسوی ایجاد طبقه کارگر!
برقرار با جمهوری دمکراتیک فلسطی!

اخبار مبارزات توده‌ها



باردیگر، سرکوب دکه داران!

روز یکشنبه ۶۰/۳/۱۰ با سواران سرمایه با ردیگر به دکه داران و نوارفروشان خیابان صدق حمله نموده و چند نفر را دستگیر کردند. مردمی که تا حد حریان بودند به هو کردن با سواران و اعتراض به این عمل آنها پیدا شدند و با وجود تیراندازی هوایی با سواران حاضر نشدند. برانگیزه شید. سپس دکه داران بعنوان اعتراض به این عمل با سواران، دست به یک راهپیمایی زدند که در طی آن شعارهای "پا سدار، پا سدار، حامی سرمایه دار"، "کار، کار، حق مسلم ما ست" "مرکز چاقو دار، نوکر سرمایه دار" و... را میدادند. دکه داران زحمتکش علیه سرکوب رژیم و سورشهای وحشیانه سواران که در حمایت از سرمایه داران صورت میگرفتند با اتحاد مبارزاتی به مقاومت در برابر شوطه های رژیم ادامه میدهند. مبارزه آنان برای حق کار و فعالیت شغلی بخشی از مبارزات دمکراتیک توده های زحمتکش علیه رژیم جمهوری اسلامی است.

اخباری از جنبش معلمین - بروجرد

۶۰/۳/۸ - بنا به دعوت شورای هماهنگی موقت معلمان اخراجی - آژاد به خدمت و فارغ التحصیلان اخراجی دانشسرای بروجرد، معلمین در آژاد آموزش و پرورش گرد آمدند. در طی این گردهمایی، علاوه بر صحبت های یکی از معلمین اخراجی مبنی بر ضرورت تداوم حرکت گذشته و تاکید بر یثقیات همکاری ها تا غل، بندی دال بر استفاده های سی رویه افشاد "مکنسی" بجای معلمان یا کمزای نده و ننگز نهادنای ساواک گونه، اقیاء گردید.

۶۰/۳/۱۸ - در این روزها ردیگر معلمین و فارغ التحصیلان به همراه خانواده های خود و عده ای از معلمان تا غل در اداره آموزش و پرورش اجتماع کرده و خواستار حضور رئیس اداره در جمع خود میشوند. وی برای فرار از پاسخ گوئی به سئوالات اجتماع کنندگان، خواهان مذاکره با سبأ سده آنان میگردد. اما مورد قبول جمع قرار نمی گیرد. در این فاصله ستن از مادران اخراجی هادر رابطه با اجراح مریدان نشان صحت مینمایند که مورد استقبال حاضرین قرار میگیرد. پس از آن عده ای از اوابانان رژیم بدستور رئیس مرتجع اداره به اجتماع کنندگان که حدود ۴۰۰ نفر بودند، با سنگ و کلت حمله ور میشوند. در تمام مدت درگیری شهرتانی هم حضور داشته و عملاً با عدم ممانعت از درگیری، همکاری

زحمتکشان شاطر آباد: "برق توایم، نان توایم، آو توایم"

(برق میخواهیم، نان میخواهیم، آب میخواهیم) کارگران و زحمتکشان قهرمان شهر! روز شنبه ۱۶ خرداد ۶۰، صدها تن از مردم شاطر آباد برای بدست آوردن خواسته های ابتدائی و اولیه شان، یعنی آب، برق و نان، دست به تظاهرات زده و یکمدا فریاد دبر می آوردند: "برق توایم، آو توایم، نان توایم". در این تظاهرات که زنان و کودکان نیز شرکت داشتند، در طی مسیر خود با استقبال مردم روبرو شدند. مزدوران رژیم جمهوری اسلامی که طبق معمول تاب تحمل هیچ اعتراضی را نداشتند، به صاف تظاهرات کنندگان حمله کردند که با مقابله زحمتکشان شاطر آباد مواجه شده و چندین نفر مجروح گردیدند. شاطر آباد از محلات فقیرنشین قهرمان شهر است که ساکنان آن حتی از ابتدائی ترین وسائل زندگی محروم میباشند. تظاهرات روز شنبه، نشانه خشم و کینه زحمتکشان شاطر آباد

دستگیری و شکنجه، بجرم کوهنوردی!

ما با بدن حوسنین او که در اثر ضربات متعسدد کابل کیبوشده بود، روبرو کشیم... از آن روز تا حال، از کار روزندگی افتاده ایم و در بزرگ زندانها شده ایم... خیر آخری که داشتیم غیر شکنجه آنها و انتقال عده ای از آنها به قزل - حصار بود. طبق گفته مسئولان دادستانی انقلاب آنها هیچ مدرکی بر علیه فرزندانشان ماسدارند. همشهریان مبارز! دادستانی انقلاب حرف از محاکمه فرزندان ما می زند. حرف ما اینست که وقتی که هیچ مدرکی بر علیه آنها ندارند و حتی آنها می هم به آنها نمیتوانند ببینند محاکمه آنها چه معنایشی دارد؟ ... تا آزادی آنان، ما به تحمض خود در مقابل دادستانی انقلاب ادامه خواهیم داد و چنما میدبه همشهریان مبارزان دوخته ایم تا با حمایت خویش و اعتراض علیه دستگیری و زندانی کردن فرزندانمان ما رباباری رانند. خانواده های ۲۳ نفر زندانسان بیگناه زندانهای دادستانی انقلاب عظیمه و قزل حصار ۶۰/۳/۲۰

خانواده های ۲۳ نفر از کسانی که در تاریخ ۱۵ خرداد بجرم کوهنوردی دستگیر شده اند احیرا اعلامیه ای داده اند که در زیر به نقل قسمتهای از آن می پردازیم: "روز جمعه ۱۵ خرداد، فرزندان ما که پس از یک هفته کار مداوم و خستگی به کوهنوردی در اطراف کرج رفته بودند، هنگام بازگشت به شهر، توسط سبأ پاسداران، همگی آنها که ۲۴ نفر بودند دستگیر و به زندانهای دادستانی انقلاب و عظیمه برده میشوند. جمعه شب ما نگران از نیا مدن آنها با سبأ پاسداران و شهرتانی تماس گرفته که هر دو به جای گفتن حقیقت و رفع نگرانی ما، از این موضوع اظهار سی اعلامی کردند. بعد از پیگیری قهیدیم که فرزندانمان در زندان دادستانی انقلاب و عظیمه زندانی هستند و به دادستانی انقلاب رفتم. در جواب سئوالات و اعتراضات ما، پاسداران یکی از مادرها را زیر مشتمت و لگد گرفته و او را داخل جوی آب انداختند. روز شنبه یکی از فرزندان ما که ۱۱ سال بیشتر ندارد در اثر شنا رخا نوا ده اش آزاد گردید.

به استقبال جنبش او جگیرنده توده ها بشتابیم

وقایع اخیر "زرین شهر" رژیم را پیش از پیش افشا و رسوا می کند!

بخشهایی از اعلامیه تشکیلات امفهان در مورد وقایع اخیر زرین شهر:

● مدتی پیش رئیس دادگاه "زرین شهر" که فردی دزد، باج بگیر و رشوه خوار و لایاخره نوکر و سرسپرده سرمایه داران بود، بدستی مورد نفرت و انزوا نموده های زحمتکش "زرین شهر" قرار میگرفت. رژیم وقتی می بیند گندگداز را مدعی و دیگر نمیتواند فاسد در پیش "دادگاهش" (بخوان بیدادگاهش) را لایوشانی کند تحت فشار توده ها تصمیم میگیرد تا میرده را دستگیر و بازداشت نماید. و بدین طریق میگوید تا برای خود تبلیغ کرده و ذهن زحمتکشان را نسبت به ماهیت خود منحرف نماید. اما پس از چند روز که این شخص فاسد را آزاد میکند، دستش برای مردم رو شده و رسوا میگردد.

● مدتی پیش در یکی از خانه های زرین شهر بمبسی منفجر شد که منجر به غراب شدن و کشته شدن شخصی بنام حمدها من پاک که فرزند یکی از سرمایه داران "زرین شهر" است میگردد. حمدها معلوم شد که در این خانه ۶ - ۵ نفر از اقربان و بچه مشغول ساختن بمب و نارنجک بوده اند و یکی از همین بمبها بوده که منفجر شده و سبب کشته شدن یکی از آنها گردیده است. کارگران و زحمتکشان زرین شهر سوال میکردند که این بمبها و نارنجکها برای چه کاری ساخته شده میشوند؟ واقعتاً اینست که این بمبها و نارنجکها برای مقابله با صف کارگران و زحمتکشان معترض و اعتراض کننده و برای کمونیستهای واقعی و دیگر انقلابیون ساخته میشوند. به میان آنها پرتاب شده و آنها را به خاک و خون بکشند.

بسیاری بخش شد که مردم اطراف با استقبال از پیکاری انقلاب آنها را میخواندند و سایر شعارها عبارت بودند از: "زندانی سیاسی انقلابی، به همت توده ها آزاد می گردند"، "زحمتکش بلوردی، آواره گان جنگی بیرونی دهمستان، بیروزی بادریمتان". "حکومه قهرمان، تو هم به ما بپیوند". "نظا هرات تا نزدیک سینما پارا مونت در صفوف منظم ادامه داشت که مزدوران رژیم سرمایه داری حاکم، با سنگ به نظا هر کشتگان حمله بردند، اما توسط آنها به عقب رانده شدند. "حزب الهی هـا" وحشیانه بطرف ما شینها و مفازه ها و مردم سنگ پرتاب میکردند. علیرغم این حملات، نظا هرات با مقاومت دلیرانه رفقای هواداران حوالی فلکه ستاد ادامه داشت و در آنجا با یان یافت... (نقل با تلخیص از خبرنگار ما محلی پیکار - تشکیلات شیراز سازمان)

تظاهرات مشترک هواداران سازمان پیکار و کومه له در آلمان

روزشنبه ۱۶ خرداد در آلمان تظاهرات دانشجویان ایرانی در آلمان و برلین غربی (هواداران سازمان پیکار) و هواداران سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له)، تظاهرات مشترکی بدفاع از زندانیان سیاسی انقلابی ایران در شهر فرا نکلورت آلمان غربی برگزار کردند. در این تظاهرات ۷۰۰ نفر شرکت داشتند.

خود را با فالانژها با ردیگر نشان میداد. این عمل منجر به زخمی شدن چند نفر از مملسان میخود. ولی زنان و خانواده ها علیرغم این ضرب و شتم، همچنان در مقابل مزدوران رژیم مقاومت کرده و حاضر به ترک محل نمیگرددند. این عمل مزدوران، شدیداً مورد تنفر مردمی که در اطراف جمع شده بودند قرار میگرفت. جالب اینجاست که بگورزیس از این تجمع و رهگیری، اعمال رژیم نژده های اداره را بر دشته و بجای آن دیوار و ورقه آهین میزنند تا اگر چنانچه با زهم معلمین در آلمان اجتماع کردند، مردم از حضور آنها مطلع نشوند و در ضمن با فراغ بال به سرکسوب آنان بپردازند.

تظاهرات موضوعی هواداران سازمان در شیراز

در تاریخ ۶/۳/۱۴ ساعت ۲ عصر پیکار، به مناسبت اعتراض به سیاست سرکسوب و خلفان رژیم جمهوری اسلامی و حمایت از زحمتکشان بلوردی و آوارگان جنگ که اخیراً مورد حمله نیروهای ارتجاع قرار گرفته و مقابل قهرمانانهای کردند، صورت گرفت. تظاهرات با شعار "مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع" از چهار راه غیرات شروع شد. آنها ضمن دادن شعار "درما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید" مردم را به صفوف خود دعوت میکردند. اعلامیه ها و تراکتهای افتخارگراست

تا کید بروجدهت مبارزاتی خلقهای ستم دیده، ماسک عوام فریبانه این تشکل را در پیده و ماهیت ارتجاعی آنرا برای توده ها نشان دهند. کمونیستها و نیروهای انقلابی باید بروه شکل گیری، اهداف و برنامه ها و گذشته ها را به یکنواختی و خفا نت با رعنا مرتشکل دهند. "شمس" و هموشتی دروغین و فریبکارانه آن با خواستهای انقلابی خلقهای کرد، ترکمنسن و بلوچ را افشا نماید. کمونیستها باید ضمن تبلیغ و ترویج دمکراتیکسم بیگیر طبقه کارگر و لزوم تشکل و وحدت آگاهانه خلقها در مبارزه با ارتجاع حاکم، مرز خود با این دارودسته های ارتجاعی را روشن نموده و جنبشهای ملی سر علیه رژیم جمهوری اسلامی را از زیر چتر رهبری و دایمی که شورای مرکزی سنت و نظایران در راه آنها گسترده اند، خارج سازند و آنرا برابرسر همستگی آگاهانه خلقها و در پیوند با جنبش طبقه کارگر و زحمتکشان سراسر ایران، در مسیر مبارزه ای بی امان بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم جهانی هدایت نماید. در پرتو انجام وظایف فوق است که میتوان آلترناتیو کمونیستی را در برابر جریانهای ارتجاعی ای نظیر "شورای مرکزی سنت" (شمس) قرارداد.

ستم دیده با رژیم، از هیچ جنایت و خباثتیی فروگذار نکردند. حال چگونه است که این مرتجعین اکنون بزم روزیوبیونستهای خاشن اکثریتی مزدوران امپریالیسم از ب در آمده و با تشکل شورای مرکزی سنت به توطئه مشغول شده اند؟ واقعتاً این است که در جریان رشد تصادفهای درونی رژیم و جناح بندیهای آن، دارودسته های مذکور در صف لیبرالها قرار گرفته و به مخالفت خوانی با حزب جمهوری پرداخته اند و "روزیوبیونستهای اکثریت نیز از موضع حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی ضمن استتار حقایق گذشته در مقابل شورای مرکزی سنت موضع گرفته است.



"شورای مرکزی سنت" (شمس) از جمله تشکلهای ارتجاعی و ضد خلقی است که با ماسک فریبنده آزادی و خود مختاری خواهی و رفیع ستم مذهبی ملی و طبقاتی برای انحراف جنبش های ملی خلقهای ستم دیده از مسیر اهداف واقعی و خواستهای برحق آنها و در جهت تأمین منافع طبقاتی ارتجاع محلی، خوانیسن، نشود آنها و بورژوازی لیبرال تشکل شده است. کمونیستها و نیروهای انقلابی باید ضمن

بطنیه از صفحه ۶ شورا...
با ماهیت اکثریت که برای در پیوزگی و کله - لیبسی هر چه بیشتر رژیم جمهوری اسلامی و پیوزده حزب جمهوری اسلامی، واقعتاً گذشت را از توده ها پنهان میکنند؟ جنایات مفتی زاده و مولوی عبدالعزیز و روحانیون مرتجع ترکمن صحرا، آیا بجز در خدمت رژیم جمهوری اسلامی بوده است؟ مفتی زاده در جنگهای اول و دوم کردستان محبوب رژیم بود، و در سرکوب و کشتار خلق کرد مشارکت فعال داشت. این عنصر منفور بعد از شکست رژیم در جنگ دوم کردستان بواسطه وحشت از مجازات توسط خلق کرد از کردستان فرار کرد. "مولوی عبدالعزیز" از همفکران و همدستان رژیم در بلوچستان بوده و در تمحیق و سرکوب خلق بلوچ و حمایت از خوانیسن و نشود آنها در جهت تثبیت حاکمیت رژیم در منطقه، فلما لانه تلاش میکرد. مولوی عبدالعزیز و سایر مولویهای مرتجع بلوچستان، در پیوج و تحریک توده های نا آگاه برای آنها جسم و حشیا نموده اند و بلوچستان در اول ادیبهشت ۵۹ نقش فعالی داشتند. همچنین است و سبع روحانیون مرتجع ترکمن صحرا که در جریان کشتار و خلق ترکمن در طی دو جنگ این خلق

(قسمت آخر)

بودجه ۱۳۶۰: بودجه ورشکستگی و وابستگی

در ظاهره های پیشین پیکار، راجع به مفهوم و مضمون بودجه دولت، نحوه نامین درآمدهای آن، ترکیب این درآمدها و تاثیر آن بر زندگی کارگران و زحمتکشان صحبت نمودیم. اما فقه بر این نشان دادیم که چگونه این بودجه و ترکیب درآمدهای آن صحت مدعای ما را در باره خطا است ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی و تلاش روز افزون آن را برای بازسازی و تحکیم سرمایه داری وابسته پیش از پیش اتمیات می نماید. تلاش برای بازسازی و تحکیم سرمایه داری وابسته تا تمامی ملزومات آن که دقیقاً معادل تشدید استثمار پرولتاریا و فقر و فلاکت بیشتر بوده است، سنگ بنای بودجه رژیم جمهوری اسلامی است. حال به بحث ادامه داده و ببینیم که این بودجه چگونه مصرف میشود، نحوه مصرف بودجه در ستون هزینه ها آورده میشود.

هزینه ها:

در ظاهره سرمایه داری، بودجه دولت در جهت تامین وسائل حفظ سلطه طبقاتی بورژوازی بکار میرود. مثلاً در مورد مالیات ها که بخشی از درآمد دولت را تشکیل میدهد، ما رکن معلم کبیـــــ پرولتاریا میگوید: "منظور از مالیات ها این است که برای بورژوازی و مالیاتی بیا فریبند تا بعنوان طبقه ها که بر سر کار میماند، "بودجه دولت بورژوازی در واقع امر چیزی نیست مگر پولی که صرف نگاهداری ماشین دولتی مورد لزوم برای سرکوب مبارزه و قیام کارگران و تنهی - دستان بر علیه سلطه سرمایه میشود و در عین حال برخی شرایط لازم را برای سودآوری بیشتر و سهل تر سرمایه فراهم میسازد. با افزایش روز- افزون نقش دولت در اقتصاد و امور اجتماعی پاره ای از جاگران بورژوازی و همبسته های کوشند خرافاتی از قبیل "دولت رفاه عامه" و "دولت" "نقوی طبقاتی" را بخورد و توده ها بدهند. آنهاست اینطور و نمود میکنند که اختتام دادن بودجه- های هکفت برای آموزش عمومی، بیمه، بهداشت و سایر اقدامات عمرانی توسط دولت آنها نشاندهنده پیدایش نوع جدیدی از دولت است. این جاگران بورژوازی اینطور تبلیغ میکنند که گویا این دولتها بطور مشخص نماینده طبقه ای خاص نبوده

بلکه ما فوق طبقات قرار دارند و "دولت رفاه" هستند. ولی برخلاف با وگویی های اسیـــــ خا شتین به طبقه کارگر، دخلتها ش که امروزه بطور اجتناب ناپذیر توسط دولت های سرمایه- داری انجام میگیرد، تنها در جهت حفظ سلطه طبقه سرمایه دار و منافع عمومی آنست. تشدید تضادهای ذاتی سرمایه داری و فتنار عینی ناشی از آن، منافع سرمایه داران و باالخره مبارزات طبقه کارگر چنین دخلتها ش را الزامی و ضروری میسازد. مثلاً دولت های سرمایه داری غرب از حدسال پیش به اینطرف از طرفی زیر فشار تشدید تضادهای اجتماعی که با زتاب تفادهای سرمایه داری است و مبارزات طبقه کارگر و از طرف دیگر برای حفاظت و آموزش نیروی کار بمنظور استثمار بیشتر و سهلتر آن بوسیله سرمایه اقداماتی از قبیل محدود کردن روزانه کار، نامن آموزش ابتدائی عمومی، بیمه و بهداشت و غیره را معمول داشته اند. طبیعی است که این اقدامات بهیچوجه متناسب با نیازهای کارگران و زحمتکشان نبوده و تازه سهم عمده آن نیز در اختیار طبقه با لاولایه های متوسط اجتماعی قرار میگیرد. نازل بودن سطح خدمات آموزشی و بهداشتی و غیره و توزیع بسیار نامعادله آن در کشورهای وابسته و عقب مانده نیز از اجتناب جسی به اشبات ندارد.

دولتهای سرمایه داری در رشته های که به سرمایه های کلان احتیاج داشته و طبیعت آنها طوریت که بخش خصوصی در آن سرمایه گذاری نکرده و یا فاقد سرمایه گذاری نیست و از سوشی کنترل آن بوسیله کل طبقه سرمایه دارها- مبارزات دولت ضروریت، مثل بنادر، راهها انرژی اتمی و... با درآمدهای که حاصل کار اکثریت اهالی است سرمایه گذاری کرده و آنرا به رایگان و یا به بهائی بسیار نازل در اختیار طبقه سرمایه دار قرار میدهد. این تا سیمات برای سرمایه داری اهمیت حیاتی دارد و سرمایه- گذاری در آنها برای تامین وسائل تولید و زیر- بسائی برای سرمایه داریست.

دولتهای سرمایه داری در هنگام جنگ، قحطی و بحران برای جلوگیری از تشدید تضاد های اجتماعی و انقلاب و تطبیق دادن اقتصاد با شرایط جنگی به اعمال نوعی کنترل بر تولید و توزیع پرداخته و پاره ای از اقلام مهم برای معارف جنگی و تولیدی مثل مواد سوختی و نیز

پاره ای از اوراق عمومی را جیره بندی میکنند. این اعمال کنترل از جانب دولت های ارتجاعی سرمایه داری به شیوه ای ارتجاعی و بوروکراتیک انجام گرفته و هدف آن ابقاء سلطه ارتجاعی طبقه ستمگر، حفظ وضعیت موجود و غف کردن انقلاب است. در کشورهای وابسته که سرمایه داری خصوصی در آنها ضعیف و فاقد سرمایه کافی برای سرمایه گذاری های کلان در صنایع بزرگست، دامنه دخلتها ی دولت در اقتصاد بطور نسبی ابعاد عظیمتری دارد. دولت بعنوان یک کارفرمای بزرگ بخش بزرگی از اقتصاد را کنترل کرده و آنرا عمدتاً در جهت منافع انحصارات امپریالیستی و بورژوازی داخلی وابسته سوق میدهد و شرایط لازم برای تامین سودهای کلان انحصاری برای امپریالیستها را فراهم مینماید. بعنوان مثال در این کشورها بطول رشدنا موزون تولیدات داخلی، تولید پاره ای از وسائل ضروری معیشت کارگران مثل گندم (نان) و گوشت در سطح نازل قرار دارد، وجود این کالاها در بازار برای تبدیل دستمزد کارگران به وسائل معیشت و با تولید نیروی کار آنان ضروری است. کمبود این مواد سبب افزایش قیمت آنها و بطور اجتناب ناپذیری - بخاطر مبارزه کارگران برای افزایش دستمزد - سبب افزایش دستمزد اسمی کارگران میشود، چون در واقع دستمزد چیزی جز مجموع قیمت حداقل وسائل معیشت لازم برای با تولید نیروی کار نیست. اما افزایش دستمزد به معنی کاهش سود سرمایه داران است. بنا بر این دولت برای حفظ منافع سرمایه داران و جلوگیری از طبقه بندی کارگران چاره میجوید که با صرف قسمتی از بودجه، قیمت بعضی از این کالاها را پایین نگه دارد. به عبارت دیگر دولت با پرداخت قسمتی از بودجه کالاهای ضروری مثل گندم را ارزانتر از قیمت خریداری شده میفروشد، دولت به این وسیله باعث میشود که قیمت مهمترین وسائل معیشت کارگران زیاده نشود و در نتیجه دستمزد کارگران افزایش پیدا نکند. در حقیقت دولت با استفاده از بودجه سبب جلوگیری از افزایش دستمزد کارگران و کاهش سود سرمایه داران میشود و به عبارت دیگر بحرج کارگران و زحمتکشان کاهش سود سرمایه داران میشود. زیرا بودجه چیزی جز حاصل استثمار کارگران و زحمتکشان نیست. یاری - معارف دولتی بطور کلی

نان، مسکن، آزادی

چارحوب نامین کارکردمطلوب سیستم بوده و با شکل مختلف چه از طریق نگاهداری دستگاه های بوروکراتیک و نیروی قهریه، چه از طریق اقدامات ربربناشی که توسط طبقه سرمایه دار مورد بهره برداری قرار میگیرد، چه از طریق بهداشت، بیمه و درمان و آموزش که مخارج تربیت و نگاهداری نیروی کار است و چه کمک به معاش کارگران و غیره به منافع بورژوازی خدمت میکند. البته همانطور که دستمزد به مبارزه کارگران نیز بستگی دارد، ترکیب بودجه دولتها و مصارف آن و اهمیت بخشی از آن که به اقدامات باصلاح اجتماعی و رفاهی میرسد نیز از اوضاع اجتماعی، قدرت مبارزاتی طبقه کارگر نیز تاثیر میپذیرد. اینک به بررسی هزینه های دولستدر لایحه بودجه ۱۳۶۰ میپردازیم:

۱- هزینه های جاری :

اعتبارات جاری در بودجه سال ۶۰ بمبلغ ۲۰۵۲ میلیارد ریال بوده و ۶۵٪ بودجه عمومی کشور را تشکیل میدهد. سهم هزینه های جاری از بودجه عمومی در سال ۶۰ نسبت به سال ۵۹ حدود ۲٪ افزایش نشان میدهد. ولی ما نشان خواهیم داد که عملاً این افزایش بیشتر بوده و بخش مهمی از بودجه عمرانی نیز به مصرف هزینه های جاری خواهد رسید. بخشی از این اعتبارات جاری صرف پرداخت دستمزد و حقوق در بخش دولتی نولید و بازرگانی (که بخش عمده ای از منابع مالی آن از محل هزینه های جاری و عمرانی تامین میگردد) و نیز لوازم و وسائل، سوخت، روشنایی و غیره میگردد. این بخش از هزینه ها در تولید ضروری هستند و برای گردنش (بازرگانی) ضروری بوده و در نتیجه برای تجدید تولید لازم اند و در بخش تولید مادی قرار میگیرند. بخش دیگری از این اعتبارات در امور غیر تولیدی که متوجه نیازهای ضروری اجتماعی و فردی است مثل آموزش و پرورش، بهداشت، بیمه و خدماتی از این قبیل مصرف میشود. حقوق معلمان و پزشکان و کارکنان موسسات ضروری هنری و غیره از این قبیل است. این کارکنان بگری گریچه در تولید مادی شرکت ندارند ولی کار آنان برای برآوردن نیازهای فرهنگی، بهداشتی و... ضروری است. البته این فعالیتها علمی و فرهنگی و غیره در جامعه طبقه تاشی تحت کنترل بوروکراتیک و معنوی طبقات حاکمه بوده و در جهت منافع این طبقات سازمان مییابد. این هزینه ها از محل تولید مادی صورت میگیرد و در صورت رکود تولید مادی افزایش این هزینه ها تنها اثری تورمزا خواهد داشت. بنابراین در شرایط بحران اقتصادی و رکود موجود و عدم گسترش تولید، قدرت خرید این قشر را مثل معلمان و کارکنان زحمتکش و غیره را بطور روزافزونی کاهش داد و حقوق واقعی آنان تنزل یافته و این افراد تحت فشار اقتصادی شدید قرار میگیرند. ولی قسمت اعظم هزینه های جاری دولت

صرف نگاهداری بوروکراسی دولتی و وزارتخانه ها، دستگاه های سرکوب، هزینه های جنگی، تسلیحات و غیره میگذرد.

پس روی هزینه های جاری دولت نمیتوان مانند منتقدان بورژوا - لیبرال بطور یکپارچه اظهار نظر نمود. مقصور و آثانی از بودجه سال ۶۰ که در مطبوعات بورژواشی با زتاب مییابد و بطور کلی وبدون ارزیابی قسمتهای مختلف هزینه های جاری افزایش آن را مورد حمله قرار داده و عامل تورم میشمرد، از خواست بورژوازی در جهت انتقال بار بحران بدوش توده ها، کاهش سطح دستمزد و حقوق و مصرف توده ها و مصارف آموزشی، بهداشتی و فرهنگی و غیره سرچشمه میگردد. اتفاقاً این بورژواها دقیقاً بخشهایی از هزینه های جاری را که صرف دستگاه های سرکوب (ارتش و...) و نیز صرف تسلیحات و هزینه های جنگ ارتجاعی میگردند مورد تاشی قرار داده و تنها را برای حفظ سطح طبقاتی خود و سرکوب توده ها و جنگ ارتجاعی ضروری میدانند.

گفتیم که هزینه های جاری در بودجه عمومی دولت ۲۰۵۲ میلیارد ریال پیش بینی شده است. ۱- از این مبلغ ۲۹۰/۵ میلیارد ریال که پیش از ۱۴ درصد هزینه های جاری و حدود ۹ درصد بودجه کل را تشکیل میدهد، صرف باصلاح اداره عمومی کشور میگردد.

از مبلغ بالا ۱۵۶ میلیارد و هفتصد میلیون ریال یعنی حدود ۵۴ درصد صرف حفظ "نظم" و "امنیت"، مطلوب بورژوازی میگردد. این رقم نسبت به رقم تصویب شده سال قبل ۱۶ میلیارد ریال افزایش نشان میدهد.

۲۲/۰۶ میلیارد ریال نیز صرف دستگاه قضائی، آموزشی و استخدامی فضا نشی و کارآموزان فضا نشی اختصاص یافته که نسبت به سال قبل ۳۰٪ افزایش نشان میدهد.

۲- مبلغ ۳۳۱/۱ میلیارد ریال یعنی پیش از ۱۶ درصد هزینه های جاری و ده درصد بودجه کل نه ارتش اختصاص مییابد ولی مبلغ ۳۳۷ میلیارد ریال دیگر جهت تجهیزات نظامی وزارت دفاع و خرید تسلیحات سپاه پاسداران منظور گشته که از محل صرفه جویی در بودجه عمرانی و جاری اختصاص مییابد لذا سهم ارتش و تسلیحات به حدود ۲۰/۴ درصد بودجه عمومی بالغ میگردد. ۳- گذشته از این بقیه اعتباری که برای مخارج جنگ ارتجاعی اختصاص یافته یعنی ۲۱۵ میلیارد ریال دیگر نیز در رابطه با آموزش و خدمات و ویرانیهای آن مصرف میگردد.

برای تامین مخارج جنگ ارتجاعی ۲۵٪ از اعتبارات عمرانی صرفه جویی میگردد. اگر این مبلغ را نیز به هزینه های جاری افزودیم کنینم رقم بودجه جاری به ۲۲۲۷ میلیارد ریالی یعنی پیش از ۷۰ درصد بودجه کل بالغ خواهد شد و همانطور که ارقام بالا نشان میدهد ۴۴/۶ درصد یعنی نزدیک به نیمی از این مبلغ یا ۳۱/۵ درصد بودجه عمومی صرف حفظ نظم و امنیت داخلی و مخارج ارتش و سپاه، خرید تسلیحات نظامی و

مخارج دیگر جنگ ارتجاعی میگردد. بر اساس ارقام ترتیب عبارت بود از ۱۵۶/۷ میلیارد ریال برای حفظ "نظم و امنیت داخلی" ۳۳۱/۱۴ میلیارد ریال بودجه وزارت دفاع ۳۳۷ میلیارد ریال دیگر جهت خرید سلاح و تجهیزات و وزارت دفاع و سپاه از محل ۵۵۲ میلیارد ریال اعتبار جهت مخارج جنگ ارتجاعی ۲۱۵ میلیارد ریال دیگر که از این اعتبار باقی می ماند.

دیدیم که کل بودجه جاری ۲۰۵۲ میلیارد ریال است که اگر ۲۷۵ میلیارد ریالی که قرار است از بودجه عمرانی صرفه جویی و به مخارج جنگی برسد بدان اضافه شود این رقم به ۲۳۲۷ میلیارد ریال میرسد. حال اگر رقم ۱۱۷۲/۶ میلیارد ریال را که هزینه "اداره عمومی کشور" و ارتش و امور جنگی است از آن کسر کنیم، تنها ۱۱۵۲/۴ میلیارد ریال برای کلیه مخارج جاری، دیگر دولت یعنی آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، معیشت، پرداخت ارجل بودجه جاری به صنایع و شرکتها و وابسته به دولت و دولتی و سایر هزینه های جاری باقی میماند. یعنی تقریباً چیزی معادل مخارج "امنیت داخلی"، ارتش و آموزش و پرورش به تنهایی برای تسان دادن ما هید ارتجاعی و ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی و روحه آن کافی است. این بودجه ای است که برای گسترش سرکوب، تشویق ارتش و ادامه جنگ ارتجاعی طراحی شده است. در شرایط فرفرو فلک توده ها رژیم مردمی حدود بودجه عمومی و بودجه کل را فقط صرف تقویت نهاد های سرکوبگر، ارتش و جنگ ارتجاعی می نماید. این مخارج به افزایش تورم، کاهش واقعی دستمزدها و حقوقها به میزانی بیش از پیش و گسترش فرفرو فلک توده های مردم خواهد انجامید.

اعتبارات عمرانی

سهم اعتبارات عمرانی (سرما په گذاری ثابت) در بودجه دولت در سال جاری ۹۹/۳ ۱۱ میلیارد ریال است که اگر صرفه جویی ۲۵ درصدی بخاطر تاشی مخارج جنگی را از آن کسر کنیم، ۸۳۲ میلیارد ریال باقی خواهد ماند. اعتبار دیگر کل اعتباراتی را که در رژیم برای مورزی - سنانی و تولیدی در زمینه کشاورزی و صنایع و معادن، انرژی (برق، سفته گاز) مخبرات، راه سازی و عمران و غیره پیش بینی شده، بنها ۲۵/۲ درصد بودجه عمومی را تشکیل داده و از هزینه - ای که صرف ارگانهای سرکوب و جنگ میشود ۲۰۸ میلیارد ریال کمتراست. حتی امکسان جذب همین اعتبار نیز وجود نداشته و کمکان چون سال گذشته قسمت زیادی از آن سرگشت تده و با صرف هزینه های جاری و مورحکی خواهد شد. طرح هایی که توسط رژیم در زمینه "مور عمرانی" اجرا میگردد نیز پیش از پیش حرکت رژیم را در جهت بازسازی سرمایه داری و اسیه نشان میدهد و صحت گفتار ما را درباره اسکه این بودجه، چیزی جز بودجه وابستگی نیست. اثبات می نماید ۹۰ درصد اعتبارات عمرانی بقیه در صفحه ۲۲

شکست‌دهنده و سرکوب در زندان عادل آباد را افشاء کنیم!

اخبار رسیده از درون زندان عادل آباد حاکی از اینست که کار زندان به همراهی سپاه پاسداران جهل و سرمایه، رفقای زندانی سیاسی را بجزم سرود خواندن، تحت شکنجه قرار داده و سپس آنها را در بندهای انفرادی حبس کرده‌اند.

گاردیها این مزدوران شهریانی و نوازمانده عوامل ساواک که پس از قیام "اسلام آورده و در خدمت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند، اخیراً فشار و خفقان را در زندان افزایش داده اند و بیگانه‌زندانان سیاسی را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند. رفقای زندانی به عنوان اعتراض در مقابل این سرکوبگرها، با صدای بلند شروع بخواندن سرودهای انقلابی نموده‌اند و گاردیها از آنها در زندان وحشت افتاده اعلام کرده که در صورتیکه زندانیان سیاسی دشت از سرود خواندن بردارند، آنها را از بندهای انفرادی به بند عمومی منتقل خواهد کرد. ولی زهی خیال باطل! زیرا زندانیان سیاسی اعلام کرده‌اند که با توجه به اینکه سرود انقلابی مظهر موجودیت زندانیان سیاسی است، تا زمانیکه زندانیان سیاسی انقلابی وجود دارد، سرود خواندن هم ادامه خواهد داشت. هم‌اکنون ۱۳ نفر از زندانیان سیاسی در بندهای انفرادی حبس می‌باشند و زندانیان سیاسی برای رسیدن به خواسته‌های زیر می‌بارزه‌اند و ادامه می‌دهند: آزادی سرود خواندن، بهبود وضع تغذیه و بهداشت، در اختیار گذاشتن کتاب و روزنامه، افزایش وقت هوا خوری و ملاقات...

به نقل از خبرنامه محلی (۷)
شکایات شیراز با اندکی تلخیص

پیام سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر: به رفقای که مدال افتخار در راه آزادی طبقه کارگر گرفته‌اند!

رفقای کمونیست! رفقای پیکارگر!

جایت کم نظیر اجتماع در روز ۳۱ فروردین تظاهرات اعتراضی و موضعی شمارا با برتسبابت نارنجک با چمهای بخون کشید، سه تن از شما یعنی رفقای ایرج خراسانی، آذر مهرعلیان و مرگان رضوانیان به شهادت رسیدند و شما که تعداد دستان به دهها نفر می‌رسد انواع زخمها و آسیبها را دلورا نه متحمل شدید، آسیبی که آثارش بسزای چهره، چشمان، دینت و پیا وسینه شما باقی است.

رفقا! در مصاف خونین و آشتی ناپذیر بین طبقه کارگر و نظام سرمایه داری، همین توده‌های زحمتکش و امیریا لیس و ارتجاع، بیگانه‌گونیستها و انقلابیون را بکفورت و دشمنان طبقه‌اش آنها از طرف دیگر، بین بیگانه‌های انقلاب و قداره‌بندان خدا انقلاب، و بین پیام‌آوران آگاهی و نور از یکسو و دیوهای جهل و استثمار از سوی دیگر آشتی خیری نیست هر چه هست خیزش است و سرکوب! پیشرفت است و مقاومت! فداکاری است و منته‌گیری و سراجا مبرای دسته اول پیروزی است و برای دسته دوم شکست و نابودی! اینست منطق مبارزه طبقه‌اش و راهی که طی فرنها تکامل تاریخی جوامع انسانی تا کنون پیموده شده و با اجساد درندگان دهقانان، کارگران و کمونیستها و انقلابیون مفروش است راهی که چون رودی سرج در بنسیر

زمان جاری است و ما همان در راست که برچم پرافتخار ما رکیسم لنینیسم بر فرازان در اهتزاز است واقع تا بناک جامعه کمونیستی را در انتهای خط پیروزمندان نشان میدهد.

رفقا! شمار هوان استوار این راهید! رفقا! همه‌مان باید بکوشیم رزم‌آوران سپاهی باشیم که سپاه رفیق لنینیسم، سپاه سردار بزرگ پرولناریا را شکل میدهد و بقول رفیق استالین:

"هیچ افتخاری بالاتر از تعلق به این سپاه نیست."
رفقا! ما در راه ایجاد حزب لنینیستها، حزب کمونیستها، حزب طبقه کارگر گام بر می‌داریم و تا بقول رفیق استالین:

"فرزندان طبقه کارگر، فرزندان نیسازو قبا رزه، فرزندان حرمانهای بی پایان و ممانعی فخرمانا نه - اینها هستند آن کسانی که مقدم بر همه باید اعضای چنین حزبی باشند."

رفقای مجروح و آسیب دیده! ضمن اسرار از شرف و کینه عمیق از جنایتی که ارتجاع در آنروز مرتکب شده و هر روز و هر ساعت در سراسر ایران تا تکال مختلف مرتکب میشود، دست شما را بگرمی می‌فشاریم و در صف متحد طبقه کارگر، زیر پرچم ما رکیسم لنینیسم و در جهت تحقق آرمان کمونیسم به پیش می‌رویم!

کمیته مرکزی سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۲۸ خرداد ۱۳۶۰

وظایف وکلای مبارز و انقلابی در مقابل تخلیه کانون وکلا

"کمیته دفاع از حقوق دمکراتیک توده‌ها" در رابطه با تخلیه کانون وکلا از محل کساج دادگستری اعلامیه‌ای منتشر کرده است که مهمترین اشکالات آنرا در زیر می‌خوانید:
شورای عالی قضائی در تصویب نامه مورخه ۶۰/۲/۲۴، تخلیه کانون وکلا از محل کساج دادگستری را تصویب نموده است... تصمیم به تخلیه کانون از محل فعلی آن که خود می‌تواند قدم عملی در جهت انحلال کامل آن باشد از ناحیه رژیم با اهداف مشخص سیاسی دنبال می‌شود و آن اینکه دست رژیم در تدوین و تصویب بلامتن از یک

سری فواین سفات ارتجاعی از جمله لایحه فزون وسطانی قضا با زیادت...
و در اعلامیه پس از اشاره به اعتراضات وسیع وکلا در مقابل اسن توطئه رژیم و توضیح "ماهیت لیبرالی و محافظه کارانه‌ای" که در عملگر دو موضعگیریهای دوران تصدی هیئت مدیره کانون پیروز داشته و آنها را "در نهایت به بندوبست با شورای عالی قضائی و پذیرش تخلیه "قانونی" کانون وکلا" گشاده است، وظایف وکلای مبارز و انقلابی چنین آورده شده است:
وکلا مبارز و انقلابی که... دفاع از حقوق صنفی را در ارتباط با این شک از حقوق سیاسی ونگاهات و وظایف سیاسی، منحصن خود می‌دانند - باید در برابر این هجوم ارتجاعی

رژیم که هدف واقعی آن منخ کامل حرفه وکالت در این زمان از یکسو و خلق سلاح وکلا از حرفه انتقادات افشاگرانه‌شان... میباشد - قطعاً نه استنادگی نموده و ما شکل و یکپارچگی خود حول خواسته‌های عاجل و منحص از جمله خشتی نمودن توطئه تخلیه کانون وکلا را نشه طرح تصفیه کانون از عناصر ارتجاعی و فرصت طلب و پافشاری بر لزوم انتقادات هشت مذبره... گام عملی در جهت اثبات این امر که هنوز جامعه وکالت زنده و پویا من شکل از عناصر مبارز و انقلابی بعنوان بخشی از دستگاه قضائی حضور داشته و در مقابل اهداف ارتجاعی رژیم با شناخت رسالت مشخص خود پایداری را استوار می‌نماید بردارند.

چگونه یک گزارشگر خوب باشیم؟

در شرایط اعتلائی کنونی، وظایف کمونیست‌ها که همانا افزایش آگاهی توده‌ها و سازماندهی و متشکل نمودن آنهاست، اهمیت و برجستگی بسیار می‌یابد. در شرایطی که پس از فروریختن توه‌بخش‌های عظیمی از توده‌ها نسبت به جناح حزبی رژیم، بعلمت ضعف آلترنا تیسو کمونیستی، لیبرال‌ها توانسته‌اند توه‌ها توده‌های بسیاری را نسبت بخود ادا من زنده‌ودر شرایطی که روزیونیمتهای خاشن با استان - بوسی بورژوازی ذهن توده‌ها را نسبت به کمونیست‌ها و ایدئولوژی طبقه کارگر، مخدوش می‌نمایند، آری در چنین شرایطی است که می‌بایست با گام‌های سریع و بلند در جهت آگاه نمودن هر چه بیشتر توده‌های انقلابی و به خصوص طبقه کارگر و متشکل نمودن آنها، تلاش نماییم. اما آنچه که برای رسیدن به این هدف ضروری است، تبلیغ، ترویج و سازماندهی کارگران پیشرو می‌باشد و نشریه‌ای چون "پیکار" هم‌ه‌قیماً بدین منظور انتشار می‌یابد. ضمن آنکه استفاده‌ها بر بخش‌های توده‌های آگاه را از این نشریه نمیتوان و نباید پندنی نمود.

با توجه به آنکه توده‌های کارگران طبقه کارگران پیشرو هدایت و رهبری میشوند، اهمیت و جایگاه نشریه مرکزی بنحوی رزتری مشخصی میشود. از اینروست که سازمان میبایست انرژی کافی را جهت هر چه برپا رت نمودن این ارگان اختصاص دهد. اما اشتباه است اگر تصور کنیم این انرژی محدود میشود به رفقای نویسنده و منتشر کننده پیکار. در این رابطه رفیق لنینی می‌آموزد که:

"یک ارگان وقتی زنده خواهد بود و قابلیت زندگی کردن را خواهد داشت که برای پیشبرد بی‌روزی تا به تنگای سیاسی که مرتباً به قلم - زند می‌برد ازند، با تعدی پنج هسزار همکار وجود آید که بهیچوجه نویسنده‌ها نیستند بدین ترتیب از آنجا شیکه زنده بودن نشریه در گرو اشکاس واقعی خواستهای طبقه می‌باشد، تحقق این هدف منوط است به چگونگی ارتباط ارگان با توده‌ها. از اینروست که هر رفیق نمیتواند و نباید بعنوان همکار برای نویسندگان نشریه بفعالیتهای پرداخته و از طریق گزارش‌دهی منظم و فعال، ارگان مرکزی سازمان را تشدید نماید. لذا با توجه به ضعف‌هایی که تا کنون در امر گزارش نویسی رفقا از یکسو و نا روشنی سیاست تبلیغی ما در رابطه با چگونگی درج اخبار جنبش توده‌ای از سوی دیگر، وجود داشته‌است، تعیین و تدقیق این سیاست و چگونگی ارسال گزارشات از جانب رفقا، ضرورت می‌یابد.

در رابطه با تعیین سیاست اصولی برای درج اخبار و گزارشات در ارگان مرکزی آنچه را که بدو میبایست در نظر داشت اینست که نشریه تبلیغی -

سیاسی نمیتواند و نباید به اشکاس یا داده اخبار و گزارشات جنبش توده‌ای، به برداشت‌های ما ننهد پیکار میبایست وظیفه سازماندهی مبارزات کارگران و تبلیغ و ترویج حول آنرا از کاتال آموزش و خط‌دهی برای کارگران پیشرو، به پیش برده. در این رابطه است که جنبش اخبار و گزارشات مربوط به جنبش توده‌ای نیز می‌بایست هدفمند، افشاگرانه و آگاهی‌دهنده باشد. بدین صورت که اولاً صحت شعارهای سازمان (نظیر افزایش دستمزد، تشکیل شوراهای واقعی برای کارگران و...) را در عین‌حقیقت جنبش نشان دهد، ثانیاً به افشای ماسک‌های دولتی بورژوازی پرداخته و درستی تحلیل‌های سازمان را منعکس نماید و ثالثاً به انتقال تجربیات مبارزاتی توده‌ها و جمع‌بندی از آنها برای درگیری هر چه بیشتر، بپردازد.

بنابراین محدود کردن نقش اخبار، صرفاً برای درج‌های فرار دادن خوانندگان آن، در جهت پاسخگویی به وظایف تبلیغی - سیاسی ارگان نیست. کاریکه حتی بخش توسط مطبوعات بورژوازی انجام می‌گیرد. از این گذشته بسیاری از مطالب که جنبه محلی و محدود داشته و هیچگونه آموزش عمومی قابل توجهی را منتقل نمیکنند نباید در ارگان سراسری سازمان اشکاس یا بد اینگونه اخبار را میبایست در نشریات و اوراق منطقه‌ای منعکس نمود و البته از مطالب عمومی نباید نتیجه عدم ضرورت ارسال اخبار و گزارشات محلی و جزئی را گرفت، چرا که اخبار و گزارشات ارسال رفقا، در واقع دو استفاده مهم دارند.

آنها علاوه بر امکان درجشان در ارگان مرکزی، با اشکاس عینیت جنبش در تحلیل‌ها و جمع‌بندی‌های سازمان نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند. لذا ارسال کلیه اخبار و گزارشات مربوط به جنبش توده‌ای برای تحریریه پیکار، ضروریست اما آنچه که میبایست در نظر گرفته شود، میسران توجه و کاری است که رفقای گزارشگر میبایست در رابطه با ارسال گزارشات مختلف صرف نمایند.

برای درک بیشتر اهمیت ارسال گزارشات مختلف رفقا، موقعیت جنبش دهقانی و میسران اشکاس آنرا در پیکار، در نظر می‌گیریم، روشن است که صفحه دهقانی نشریه مدت‌هاست که خالی می‌باشد و این به معنای سکون جنبش دهقانی است و نه به معنای عدم وجود رفقای سازمان در ارتباط با این جنبش می‌باشد، بلکه عدم برخورد فعال رفقا در ارسال گزارشات مربوط به این بخش از جنبش توده‌ای نه تنها کارگران پیشرو خواننده پیکار را در جریان مبارزات بخش عظیمی از توده‌های خلق قرار نمیدهد، بلکه در تحلیل و تدوین شعارهای این جنبش نیز اختلال بوجود می‌آورد.

با توجه به مطالب فوق اخباری در ارگان

مرکزی سازمان میتواند اشکاس یا بندکته اولاً در رابطه با سطح جنبش توده‌ای دارای اهمیت باشد، ثانیاً هدف مشخصی را دنبال کرده و نتیجه‌گیری‌های معینی را چه در جهت درس‌گیری از جنبش توده‌ها و چه در جهت اشکاس صحت شعار - های سازمان، دنبال نمایند. از اینها گذشته درج سایر اخبار نه چندان مهم بصورت اخبار کوتاه برای درج‌های فرار دادن خوانندگان، لازم و مفید است.

حال، بعد از روشن شدن سیاست اصولی در رابطه با درج گزارشات رفقا در پیکار، لازمست که به خصوصیات اصلی یک گزارش خوب بپردازیم گزارشاتی که میبایست در خدمت سیاست مذکور بوده و توسط هزاران رفیق گزارشگر جهت تشدید نشریه ارسال گردند:

خصوصیات یک گزارش خوب

۱- قبل از هر چیز یک گزارش خوب میبایست کامل باشد یعنی تمامی اطلاعات مربوط به واقعه گزارش شده (از قبیل محل، تاریخ، تعداد کسانیکه در مبارزه شرکت داشته‌اند، برخورد نیروهای مختلف نسبت به واقعه مزبور و...) با دقت و حوصله ذکر گردند، تا دیدکاملی را به خوانندگان گزارش جهت استفاده از آن برای درج در ارگان انتقال دهد. با رها دیده شده است که نقش گزارشات، علیرغم اهمیت مضمونشان موجب عدم اشکاس آن گردیده‌است. در ضمن رفقا میبایست حتی امکان تحلیل خود را جمع‌شان را از واقع گزارش شده بطور جداگانه ضمیمه گزارش نمایند تا مورد استفاده قرار گیرد.

۲- اخبار و گزارشات ارسال میبایست سریع و بموقع ارسال گردند تا بتوان از آنها در جهت "مجموعه‌ای" جمع‌شان استفاده نمود. باید توجه داشت که اگر چه ارگان مرکزی یک نشریه خبری صرف نیست ولی افشای گزارشات مبارزاتی توده‌ای و تحلیل‌هایش راجع به مسائل روز، احتیاج به درج‌های آخرین وقایع قرار گرفتن هیئت تحریریه دارد. بخصوص که جو متلاطم جامعه انقلابی ما در هر روز و هر ساعتش آبستن جلوه‌های گوناگون مبارزه طبقه‌ای است و اساساً میسران زنده بودن ارگان با زنده و ملموس بودن مطالب مندرج در آن، رابطه مستقیم دارد.

۳- آنچه که وظیفه اصلی گزارش‌دهنده میشود، اشکاس واقعی وقایع است و آنکه اتفاقی افتاده‌اند، می‌باشد. با توجه به آنکه تبلیغات کمونیست‌ها برپا به واقعات عینی استوار است، لذا هرگونه اشکاس عبور واقعی جریات مختلف اجتماعیه نه تنها موجب بی‌اعتبار شدن کمونیست‌ها در میان توده‌ها میگردد، بلکه در کسب ذهنی را به خوانندگان نشریه القا میکند که در صورت تکرار مداوم این روند، به جدائی از توده‌ها منجر خواهد شد.

غلودر حقایق و تغییرات واقعیات شرطی

بقیه در صفحه ۲۶

برای سران جمهوری اسلامی رژیم عراق ازکی "کافر" شده است؟!

دعوت آیت الله خمینی به اسلام، دعوت به زیر پرچم حزب جمهوری اسلامی است!

آیت الله خمینی در سخنرانی اخیرش خطاب به لیبرالها میگوید:

"آقا شما دست بردارید از این سنگ - اندازه ای جلوی چرخ اسلام، دست بردارید از این تضعیف مجلس و تضعیف روحا نیست و تضعیف ملت و..."
و در جای دیگر به روشنی از قوه قضائیه، شورای نگهبان و دولت رجایی دفاع کرده و رقبای حکومتی اش را به سرفروزی و ردن در مقابل این ارگانها دعوت میکند (اطلاعات ۲۶ خرداد ۶۵) بر کسی پوشیده نیست که ارگانهای نامبرده تحت سیاست و سلطه حزب جمهوری اسلامی قرار دارند. موقعیکه آقای خمینی لیبرالهای خاشن را که بخاطر از دست دادن مواضع قدرت در مقابل حزب جمهوری اسلامی قرار گرفته اند و مخالفانهای فدا نقلایی خودشان را با رقبایشان که از یک موضع طبقاتی مشترک صورت میگیرند در زیر پرچم فریبکارانه "آزادی" پنهان کرده اند، مورد ملامت قرار میدهد و آنها را به "سلام میخواند" بطور آشکار و بارز از آنان میخواهد که در زیر پرچم حزب جمهوری اسلامی قرار بگیرند و دم نزنند. کارگران و زحمتکشان ایران!

امروز، بسا روشن تر از پیش آیت الله خمینی بدفاع از سیاستهای حزب جمهوری اسلامی برخاسته و هر مخالفی با بهشتی ها، اردبیلی ها، مهدوی کنی ها، رجایی ها و... بطور خلاصه هر اعتراضی علیه حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی را مخالفت با اسلام قلمداد میکند. خمینی و سردمداران حزب جمهوری اسلامی با سوء استفاده از اعتقادات مذهبی توده ها، با دعوت آنها به اسلام، آنها را به نوکری حزب جمهوری اسلامی دعوت مینمایند و هر مخالفی را بشدیدترین صورتی مورد سرکوب و فدا انقلابی قرار میدهند. زحمتکشان ایران!

مدافعین راستین انقلاب و آزادی کمونیستها هستند. آنها علیه غم سرکوبها شکنجه ها، ترورها و اعدامها از مومکراسی انقلابی کارگساران و دهقانان دفاع کرده و پرده از چهره فریبکارانه لیبرالها که نقاب دروغین "آزادیخواهی" بر صورت خود زده اند بر میدارند. آنها برای آگای توده های زحمتکش، برای کسب قدرت توسط زحمتکشان و به رهبری طبقه کارگر مبارزه میکنند. آنها با وحشیگریها و سرکوب آزادیهای دموکراتیک بوسیله حزب جمهوری اسلامی قاطعانه مبارزه کرده و در راه انقلاب و سوسیالیسم که تحقق آزادی و استقلال و نیز بنا بودی استعمار را نوید میدهند جانفشانی میکنند.

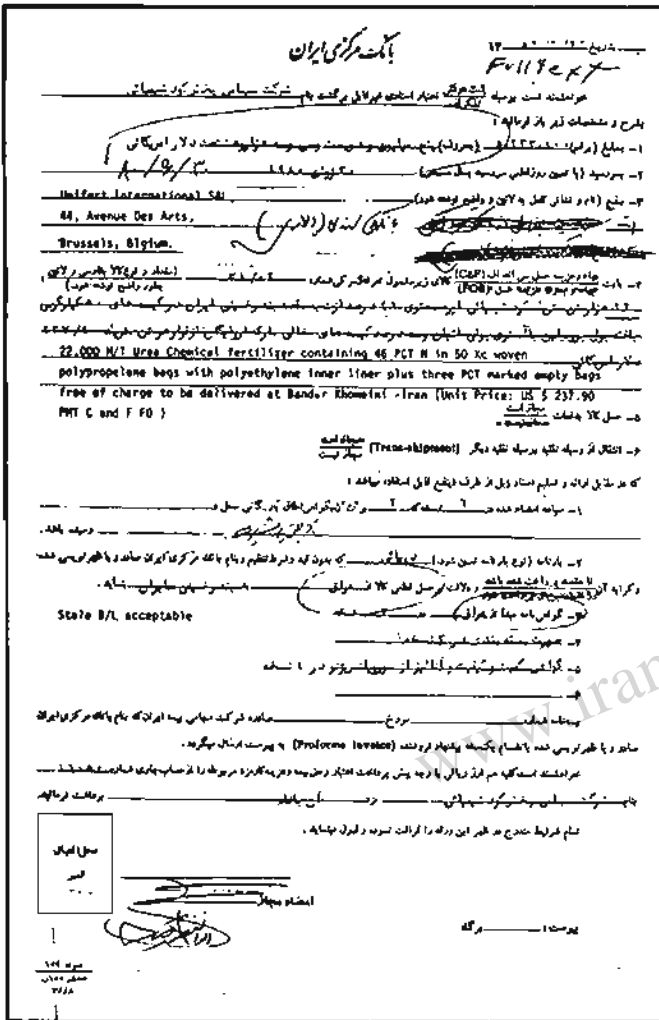
با قدمهای استوار در راه انقلاب سرخ
به پیش!

برای زحمتکشان و توده های آگای ایران پوشیده نیست که دور رژیم جمهوری اسلامی و بیعت عراق سراپا یک کره با سند، این دور رژیم ضد خلقی هر قدمی که بر میدارند در جهت منافع بورژوازی دو کشور و امپریالیسم جهانی است و کلیه عملکردها و سیاستهایشان از جمله جنگ ارتجاعی کنونی که بر علیه خلقهای دو کشور به راه انداخته اند، بطور آشفتنی - نا پذیر و در تضاد با منافع زحمتکشان ایران و عراق قرار دارند.

پس از آغا زنگی که با بندو رژیم ارتجاعی برآه انداخته اند، رژیم جمهوری اسلامی و بینه ویژه جناح مرتجع "حزب" برای کسب "پشتیبانی" توده ها و آسان کردن استفاده از زحمتکشان بعنوان گوشت دم توب سرما به داران کوشید تا با استفاده از اعتقادات مذهبی توده ها و جلوه دادن جنگ سرما به داران ایران و عراق بحثا به جنگ "اسلام و کفر" توده ها را فداای منافع آزمندان طبقاتی خود نمایند.

اما برای توده های انقلابی و آگاه مبین ما روشن است که ما هیت فدمردمی رژیم صدام حسین در اثر جنگ تخمیری نکرده و این رژیم از آغا زدن قسم خورده زحمتکشان و خلقهای عراق بوده و میباشد. و با طرما هیت این رژیم و منافع طبقه سرما به داران دو کشور، دور رژیم قبیل از جنگ دارای روابط سیاسی و اقتصادی بودند که البته روابط سیاسی علیه رخم قطع شدن مانع از ادامه کار رفتارخانه های دو کشور نشده است و هم اکنون سفارت عراق با برافراشتن پرچم عراق در تهران مشغول کار است و این غم بود افشاگر تمامه دوهواری است که سردمداران جمهوری اسلامی در مورد دفاع از اسلام در مقابل کفر (کفاری!) که هنوز در کشور "اسلام" سفارت دارند، و آنهم کشور "اسلامی" در حال جنگ با آن کفر (!!) برآه انداخته اند.

سندزیر نشان دهنده ارتباط اقتصادی دو رژیم در سال گذشته و فقط دوماه قبل از شروع



جنگ است. بطریق این سند در تاریخ ۹ تیر ۵۹ (۳۰ ژوئن ۸۰) جمهوری اسلامی سفارش خرید کود شیمیائی بمیزان ۵/۲۳۳/۸۰۰ دلار (بیش از ۴۰ میلیون تومان با ارز دولتی) از دولت عراق نموده است.

آری! دور رژیم سرما به داری وابسته ایران و عراق بخشی از اردوگاه فدا انقلاب جهانی میباشد و بنا بر منافع طبقاتی سردمداران دو رژیم "جنگ" و "صلح" شان با اقتضای شرایط و در خدمت تثبیت دور رژیم و حفظ منافع مرتجعین حاکم بر دو کشور میباشد.

رژیم جمهوری اسلامی که برای کثرتن توده های متوهم به کشتارگان و توجیه جنگ ارتجاعی که خود را بنا بر آن میباشد و جنگ سرما به داران دو کشور را در زیر پرچم جنگ مذهبی بین "کفار بیعتی" و "اسلام" جمهوری اسلامی قلمداد می نماید اما آنجا که ادامه بقیه در صفحه ۱۶

دفاع از نفتگران قهرمان جنگزده بیا خیزیم!

اخیرا از جانب شورای کارکنان جنگزده صنعت نفت آبادان - خونین شهراطلاعه ای خطاب به کارگران و زحمتکشان منتشر شده است. در قسمت‌های این اعلامیه آمده است:

"... در تاریخ ۶/۲/۶۰ هنگامیکه مجمع عمومی کارکنان دریا شگاه شماره ۱ صنعت نفت در حیا بان خاکشناسی جهت رسیدگی به خواسته های جنگزدگان صنعت نفت و آزادی نمایندگان و کارکنان زندانی برگزار شد، با حمایت کامل سپاه پاسداران، عده ای حزب اللهی (با دخالت مستقیم عراقی که از طرف سادات کفیل وزارت نفت و پرویز شهریاری که به ریاست سادات کارکنان جنگزده در شهرا منصوب شده) با شاکه راهبرده محاصره در آورده و سپس به مجمع عمومی حمله ور شده و کارکنان را با چاقو - پنجه بکس - زنجیر و موکت بمرور ضرب و شتم قرار دادند و پس از آن ۷ نفر از کارکنان را دستگیر و با خود به زندان بردند. کارگرانی را زندانی نمودند که در اعصاب با شکوه سال ۵۷ نفتی قاطع و تعیین کننده ای در سرنگونی رژیم مغزور پهلوی بعیده داشتند. در بین دستگیرشدگان کسانی وجود دارند که در جنگ کنونی ایران و عراق زخمی شده بودند و مدت کمی بود که سلامت خود را باز یافته بودند اما حتی اوپاشان حزب اللهی رژیم به این افراد نیز رحم نکردند و آنان را با لگد و مشت زده و سپس دستگیر کردند و حتی کارکنان ستاد جنگزده از جمله رئیس امور اداری را مصوب ساختند...."

- ۱- ما کارکنان جنگزده صنعت نفت آبادان - خونین شهر مستقر در شهرا، سرکوب و اعدام کارکنان را به دلیل محکوم کرده و خواهان برآورده شدن موری خواسته های ذیل میباشیم:
- ۱- ما خواهان آزادی فوری و بدون فیدو شرط کلیه نمایندگان و کارکنان جنگزده زندانی صنعت نفت می باشیم.
- ۲- ما خواهان تحقق خواسته های ۹ ماده ای خود که قبلا اعلام کرده ایم میباشیم.
- ۳- ما خواهان مکان مشخصی جهت تشکیل مجمع عمومی در رابطه با خواسته های بحق کارکنان جنگزده میباشیم.
- ۴- ما خواهان امنیت حانی کلیه کارکنان صنعت نفت بوده و هرگونه تعرض و سرکوب را قتل و رسوا خواهیم نمود.
- ۵- ما خواهان برسمیت شناختن شورا های کارکنان جنگزده که اردل نموده های زحمتکش سربون آمده اند، هستیم و هرگونه تشکلات فرمایشی را مردود اعلام می کنیم.

جنگ و آوارگان

کارگران و زحمتکشان مبارز!

منحدها و مصمم در مقابل توطئه های ضد - مردمی که بر علیه جنگزدگان و نفتگران انقلابی صورت میگیرد با بیستیم و زکما شبکه قاطعانه از منافع ما دفاع میکنند حمایت و پشتیبانی بی دریغ نبوده، صفوف خود را از فریب طلبان و خیانتکاران جدا سازیم.

هرگونه تفرقه در بین ما منفع سرمایه داران و ایادی اوپاشان و اتحاد و همبستگی آگاهانه ما ضامن پیروزی است.

ما بسوی کلیه کارگران و زحمتکشان و شوراهای انقلابی در این شرایط دست یاری و کمک دراز نموده و خواهان حمایت و پشتیبانی هستیم...

۶ میلیارد تومان برای ۱۸۰۰۰۰ آواره!

بسوی استخوانی دولت با صلاح حامی مستضعفین اخیرا سرس جنگزدگان مس گذاشته و گفته است: "تقدیر دولت به جنگزدگان اهمیت داده است که چیزی بنام بنیاد آوارگان در این ایحاد کرده... و ۶ میلیارد تومان بودجه جنگزدگان است!"

آری ۶ میلیارد تومان برای اسوهی از آوارگانی که رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی جهت تحقق منافع خود، همه هسی آنها را بر باد داده است و این در شرایطی است که رژیم با فراهم کردن شرایط به جهت استثمار کارگران و زحمتکشان، ۱۲۰ میلیارد تومان به جیب سرمایه داران سوار بر کرده و با قراردادهای اسارت با امپریالیستها، میلیاردها تومان از عرق جبین کارگران و زحمتکشان را به امپریالیستها نموده است که قرارداد ۱۷ میلیارد تومانی تالسوت انگلستان نمونه آن است و با زهم این بودجه دولت در حالی اعلام نموده که بودجه نظامی رژیم در سال جاری ۱۵۵۰ میلیارد ریال، یعنی ۲۲٪ کل بودجه، پیش بینی شده است.

بدین ترتیب میبینیم که رژیم برای تامین منافع خود مجبور به کاهش بودجه برای تامین رفاه زحمتکشان و از جمله آوارگان زحمتکش است اما میبینیم و افعارا ۶ میلیارد تومان به هر

آواره جنگزده ای تقدیر میرسد، اگر فرصت کنیم که از این مبلغ، بولی صرف هزینه امور اداری و خرج کارمندان نشود (که البته این فرض غیر ممکن است)، بایک حساب سرانگشتی میتوان فهمید که با در نظر گرفتن جمعیت تقریبی آوارگان (۱/۸۰۰/۰۰۰ نفر)، به هر نفر ۲۷۷ تومان در ماه میرسد و این، همه "بذل و بخشش" رژیم جمهوری اسلامی است که از "بزرگت جنگ ارتجاعی کنونی نصیب بخشی از زحمتکشان آواره میهنمان شده است!

با استفاده از خبر فدا آوارگان (۱۷)
تشکلات خوزستان

جنگزدگان فریاد می کشیدند: مرگ بر پاسدار، حامی سرمایه دار

روز سه شنبه ۶۰/۲/۱۹ در پی درگیری لفظی که بین یکی از سربازان اردوگاه دانشگاه صنعتی و "ایروانی" یکی از مسئولین جدید هواگاه شماره ۴ روی میدهد، پاسداران مسلح بسینه بلوکها حمله کرده و با ایجاد جرح و جراحت، سه سرکوبی جنگزدگان بر داخته و با ضرب و شتم، ۴ تن را دستگیر و روانه زندان میسازند. این امر مورد اعتراض عده ای آوارگان زحمتکش قرار نگیرد. مردوران رژیم برای مغایله با این مقاومت، نصف طبعه دوم را با تیرا ساری هوایی خود سوراخ سوراخ کردند. آوارگان همسینه براسمه اراک آنها بیرون راندند و یکمدا فریاد می کردند: "مرگ بر پاسدار"، مادری فریاد میزد: "بیا شدنا سیمان از روی من رد شود من را بکشند، اما منی گذارم چه هام را بکشند".

پاسداران بسنر ما سرن را که روی زمین خاکی افشاده بود، با لگد سرت کرده و پسرش را با خود بردند. آوارگان نکیار چه شعار میدادند: "آواره زندانی آزاد با بکشند" و "پاسدار ارتجاع جنگ به تیرک شو"...

بعد از این جریان، پاسداران متحصب ۷ خانواده را به جنگ زدگان داده و آهسته آهسته میخواستند که با بیرون کردن آنها مواضعت کنند، ولی آوارگان مفاوم و مسجد خود طوماری نهاده کرده و در آن اسن حمله ضد خلقی رژیم بس آوارگان را محکوم ما حمند.

در واقع، سیاست سرکوب آوارگان یکی از حلقه های رنج سرکوب سراسری بوده هاست، حتی شدن سیاستهای سرکوب سراسر رژیم جمهوری اسلامی، مقاومت و کمینش مبارز را برور از عزون ما را می طلبد که هم دوس ما مسبارزات کارگران، زحمتکشان و خلفهای میهنمان بر عسدر رژیم جمهوری اسلامی متحد بسا حاسه و بسا

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

گسیل جنگزدگان به جبهه توطئه دیگری علیه آوارگان

رژیم مصلحتی جمهوری اسلامی کدو برای تا میں منافع آرسانه خود در حکم ارتجاعی کنونی، فرزندان زحمتکش را به کوشش دم توپ خود تبدیل ساخته، فقر و فلاکت، بیکاری و بی‌خانمانی توده‌های زحمتکش را افزایش داده و آوارگی را برای آنها به ارمان آورده است. اینک در صدد است آوارگان زحمتکش را نیز به جبهه‌های جنگ ارتجاعی گسیل دارد.

اخیراً بلندگوی شهرک علم‌الهدی شونتری به صدا درآمده و اعلام کرده که "هرکسی که سنتی از ۱۷ سال به بالا باشد می‌تواند برای رفتن به جبهه ثبت نام کند! تا بعد از زدن یک دوره چند روزه به جبهه برود".

آری، رژیم جمهوری اسلامی از سوئی ناتوان ارجل معطلات بیکاری، بی‌مسکنی، بی‌بهداشتی و... آوارگان زحمتکش بوده و تا حد مبارزات او حکم برنده آوارگان جهت تحقق خواسته‌های فوق می‌باشد. و از سوی دیگر برای ادامه جنگ ارتجاعی خود به قربانیان بیشتری احتیاج دارد. از این جهت فمیدار دریا گسیل عده‌ای از آوارگان زحمتکش به جبهه‌های جنگ، هم‌گرمسان خود را در با سخگوشی به معطلات آوارگان حلاص سازد و با برانگیدن آنها، مبارزات آوارگان را سرکوت نماید و هم‌گوشی دم توپ منافع خود را بیشتر می‌نماید. اما آوارگان آگاه که به مبدانند عامل اصلی همه مشکلاتان حسن رژیم جمهوری اسلامی است، هرگز شهادتین حواس ارتجاعی رژیم نداده و با خودداری از رفتن به جبهه، مقاومت و مبارزه خود را ادامه داده و اگر چنانچه مجبور به رفتن شدند سربسکرها، جبهه را دستگرفته‌ای رژیم و مبارزه علیه آن تبدیل خواهند کرد.

با استفاده از فرساده آوارگان (۱۷)
تنگنات حورستان
سارمان سکا در آزادی طبقه کارگر

معلمین جنگ زده!

برای یک مبارزه قاطع و بی‌رحم نخست باید مغفوف خود را از جاسوسان و خائنین پاک کنیم و سپس متحدانه و مصمم برای خواسته‌های خود مبارزه را به پیش ببریم. پس اخراج اکثریتی ها از جمع معلمان بایستی بمنوان یک مسئله اساسی مورد پیگیری همه معلمین مبارز قرار گیرد. چرا که حضور این خائنین بمناب مستون پنجم سرما به دوران می‌تواند در ادامه مبارزه ما وقفه حاصل نماید.

تجمع معلمین را در کانونی افشاگرانه سر علیه رژیم و نوکران آن، اعلام انجمن معلمان اسلامی و "اکثریتی" و "توده‌ای" و... تبدیل کنیم.

نه‌تنها از خبرنامه مصلی شیراز (۷)
با اندکی تلخیص و تغییر

وضعیت آوارگان مستقر در اردوگاه "بهرام" زاغه

اردوگاه "بهرام" زاغه در ۴۵ کیلومتری پروجر واقع است. ظرفیت این اردوگاه ۵ هزار نفر اعلام کرده بودند، ولی در آن کشتی آوارگان حدود ۸ هزار تن در آن جای داده شده‌اند. برای این جمعیت کثیر فقط یک پیرنگ وجود دارد و آن هم بعضی اوقات آب آتامیدنی این اردوگاه‌های کج است و برای آوارگان زحمتکش خطرات بسیاری در بردارد. عمل رژیم برای جلوگیری از اغراض آوارگان مکتوب نگذردن آب است. رژیم مصلحتی جمهوری اسلامی اربیکا رسوئی آوارگان استفاده کرده و در ازای روزی ۶۰ تومان، آنها را در جاده سازی اطراف و دیگر کارها، نگارگر کنند و اربسروی کار آنها سوده‌های بسیاری به جهت مرشد به آوارگان زحمتکش این اردوگاه مواد غذایی فاسد تحویل می‌دهند. بطوریکه نگارگر آوارگان نا همدگوشی گرم دار می‌شوند و هنگامیکه بیدار می‌شوند، می‌کنند شهردار می‌گوید "بها همدان شایسته‌اند". انقلاب است. ما این گوشه را از خرم آباد آورده و فقط در طول مسیر در هوای آزاد قرار گرفته، تا زده‌کالی ندارد، اگر چیزی باشد از هوا به گوشه‌ها رسد! آوارگان گوشه‌ها را دور انداخته و تا کون هم‌بند آنها گوشه‌ها نداده‌اند. زحمتکشان آواره در مصقه مواد غذایی بوده و گاه برای تهیه آن تا هذوقای دردناکی می‌باشند. از جمله روزی ۴۰۰۰ خرداد پسر خدای کند ده اطراف برای خرید مواد غذایی رسیده بود. به زهر جرح‌های شریک رفتند و دردم‌جان می‌سازد. چادرها فاقد بیری می‌باشند، در حالیکه فقط مسجد دارای بوی است و در واقع مسجد اردوگاه مجهزترین مسجد آن است.

این تنها گوشه‌ای از برقراری "عدالت اسلامی" در رژیم جمهوری اسلامی است!



گسترش تظاهرات و اعتراضات خود، خواسته‌ها و شعارهای واقعی خود را یکمدا هم‌بند کرده و خواستار آزادی فرزندان انقلابی دربندمان شویم.

نقل خلاصه از: اعلامیه آوارگان هوادار
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه
کارگر - امفهان - ۶۰/۳/۲۴

طومار "اکثریتی" ها، سند خیانتی دیگر!

... "اکثریتی" های "خائنین مدت‌هاست که به سر علیه" کمیته‌ها هنگی معلمان جنگ‌زده "که منتخب معلمین مبارز است، توطئه می‌کنند. آنها در مدتی به هر طریق ممکن این کمیته‌ها را منحل ساخته و بجای آن یک "کمیته" ناشرکت اعضای انجمن اسلامی، توده‌ها و خودشان تشکیل دهند تا بتوانند مبارزات بی‌رحم معلمان جنگ‌زده را منحرف کرده و بر علیه نیروهای کمونیست و انقلابی توطئه نمایند.

روز چهارشنبه ۲۰ خرداد معلمین جنگ‌زده جهت ادامه مبارزه خود برای کسب حواسهای برحقان و دریافت حقوق عقب افتاده شان (سه ماه است که حقوق بایده و گرفته معلمین جنگ‌زده شرايط معطل شده است) در اردوگاه آموزش و پرورش جمع گردیدند. "اکثریتی" های خائنین در این جمع تمام توان خود را برای خوش خدمتی به رژیم جمهوری اسلامی بکار گرفته بودند و می‌گفتند چون "کمیته‌ها هنگی مصلحتی" سواستدگاری برای ما انجام دهد، باید منحل شود و همجنس اعلام کرده که "کمیته‌ها هنگی" را بطرفا سروع بردار!

اکثریتی های خائنین برای به کسب کسان مبارزات معلمان و "کمیته‌ها هنگی" می‌در علم کردن طوماری داشتند که در آن حواس را بحلال گشته‌اند و بدو و اربملان سجاوستند که طومار را امضا کنند. اما معلمین که خود "کمیته‌ها هنگی" را انتخاب کرده بودند و طی مبارزات چند ماهه اخیر خود را با رها حیا و جاوسی "اکثریتی" ها را مانده و لیس کرده بودند، تودهنی محکمی به آنها زده. معلمین مبارز معنی افسای اس نوکران سرمایه‌داری گفتند "شما در مجمع روز سه ۶۰/۳/۲۴ که همگی معلمین جمع هستید، طومار ضد انقلابی تان را بیاورید و فرانت کنید تا همه معلمان با شما مناسب به سند خیانتان بدهند. اما اکثریتی" ها که مبدانستند حضور در مجمع روز سه برابان جز سواشی و شنگ حرد دیگری در سرنخواهد داشتند، سعی داشتند که در همان روز به هر طریق ممکن طومار را با مضای معلمین برسانند. لیکن در آخر جمع‌دای انگشت شمار "اکثریتی" کسی طومار را امضا نکرد.

بعبارت صافه ۱۵
حکومت مصلحتی اس اصحاب نماید. قرارداد های چنددهه مسلطون بومانی بار رژیم مریخ عراق میبندد. بد "حک" پس اس دور رژیم ارتجاعی و به "طلح" آنها شحکدام در خدمت ماضع زحمتکشان و توده‌های انقلابی ایران و عراق قرار ندارند و در سبب بای زحمتکشان دو کشور تنها سکاره وجود دارد که آنها را در انقلاب اس کده سببها تا کسک مبارزاتی اس در سرنط "حک" و "طلح" سین دور رژیم تفاق و مکتودالا در اس کده ادا مدمار در انقلابی علیه اس دور رژیم تا تمام امکاناب و توانا آنها مسا به هیچ سببیری ندارد.

یکسال از شهادت کمونیست قهرمان، رفیق مهدی علوی شوشتری می گذرد!



سال گذشته، روز ششم ترم ماه، رهرود صدق و وفا دارا، رهائی زحمتکشان، کمونیست دلاور، رفیق پیکارگر مهدی علوی شوشتری "جرم" عشق و اعتقاد به آرمان سرخ طبقه کارگر بدست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی همراه با پزشک انقلابی دکتر تریبیسادار هواز تیرباران شد.

مهدی از مسئولین سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در راهوار بود کسبه اول اردیبهشت ۵۹ - روز جمعه خونین مقاومت دانشجویان انقلابی - در جریان بورش ارتجاع به دانشگاه دستگیرند و پس از دو ماه مقاومت و پایداری کمونیستی در زندان جمهوری اسلامی در حالیکه زندگی را دوست داشت تا "برای نفع مردم مشترک" زیبا شیهای آن میان زحمتکشان مسارره کنند و "بحا طرز زندگی دیگران بمسرد" سرفرازانها از اعتقادات کمونیستی اش، از سازمان کمونیستی اش و از انقلاب و سوسیالیسم دفاع کرد و با مرگی سرخ به زندگی جاوید پیوست. زندگی کوتاه رفیق مهدی سرشار از عشق و حماسه و مبارزه بود. او در سال ۱۳۳۳ در راهوار بدنیا آمد و از طریق آنا رصمدبهرنگی (نوسنده کمونیست شهید) بحرهای بک زندگی آگاهانه و مبارزه حویا به بیروی او گشوده میشوند. در ۱۵ سالگی در جریان تظاهرات و اعتصاب شرکت و احداث سوسیالیستی بحا طرزگرای بلبلط در اسفند ۴۸ فعالیت شرکت کرد. بحا طرمبارزانتش علیه رژیم وابسته شاه و مضعه جشنهای منحوس ۲۵۰۰ ساله، در سال ۵۰ همراه عدهای دیگر دستگیر و ۸ ماه در زندان بمرمی برد. در سال ۵۲ بحا طر بخش اعلامیه بمناسبت اعدام زفقای شهید کلسرخ و دانشیان دستگیر شد اما در انتهای تیر ماه اسنواست دشمن را بفریب و در نتیجه اسن اردو ماه در زندان نبود. در فروردین ۵۳ با

چهارمین سالگرد شهادت کمونیست قهرمان، رفیق غلامحسین صاحب اختیاری



لئوفیس یک محفل دانشجویی که رفیق مهدی با آن در ارتباط بود دستگیر شده و سه سال زندان محکوم میشود که دو سال اول را در راهوار سال سوم زندانش را در تهران بگذراند. یکسال پس از آزادی از زندان برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و توانست در رشته ریاضی پیروزی درخشانی بدست آورد. اما عشق به توده های زحمتکش و شرکت فعال در مبارزه طبقاتی جاری در حاشیه او و راهسوی مبهن و نه آغوش زحمتکشان کشاند و مهدی پس از قیام بیرنگه بهمن به ایران بازگشت و در دانشگاه صدی شاپورا هواریه ادامه تحصیل پرداخت و در همان زمان بطور حستکی تا پذیرد در مبارزات دانشجویان کمونیست شرکت نمود. حلقب، پشتکار انقلابی، اخلاق کمونیستی و وفاداری سی استهای مهدی نسبت به آرمان والای طبقه کارگر رفیق را در جرگه مسئولین تشکیلات دانشجویان هوارادار سازمان قرار داد. او در تمام فعالیت های دانشجویان کمونیست حاضر بود. مهدی در محله زمین کارگری، دهکده داشت که شربت آن سازمان و کنت کمونیستی و انقلابی را در اختیار زحمتکشان و فرزندان کارگران قرار میداد. او در کنار دیگر همزمانش در جریان سیل خورمان با شما میتوان بسیاری آسب دیدگان شناخت و در جریان همین کمک رسانی فائق او و با رانش در کارون و زکون شد و شاکر کردن، توانایی خود را از مرگ حتمی نجات میدهند.

- * تولد در سال ۱۳۳۱ در آباده
- * دانشجوی دانشگاه صنعتی از سال ۴۹ و شرکت در مبارزات انقلابی دانشجویان
- * اعتقاد به ماکسیسم لنینیسم منشا به تنها علم رهائی بخش طبقه کارگر
- * پیوستن به بخش منضم از سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۵۲
- * از فعالان شاخه مشهد سازمان
- * دستگیری در ۱۸ فروردین ۵۶ در قلعه جرم مشهد.
- * ۷۲ روز مقاومت دلیرانه در زیر شکنجه های وحشیانه حلالان رژیم شاه
- * شهادت در ۳۱ مرداد ۵۶ در زیر شکنجه دژ خیمن در زندان اوین
- * یادش را گرامی میداریم و مبارزاتش را روح مینهیم!

اولین سالگرد شهادت کمونیست پیکارگر، رفیق محمود مسعودی گرامی باد!

رفیق محمود مسعودی، مهندس مجتهد صاحب فولاد هوارو هوارادار سازمان ما، در اول تیر ماه سال ۵۹ همراه با سه کارگر زحمتکش دانش نماذف را سدی در جاده مبارزه شهادت رسید. رفیق محمود کمونیست مبارزی بود که از محبت زیاد در میان کارگران مجتهد فولاد هوارو برخوردار بود. علاقه کارگران سیه رفیق از عشق سرشار رفیق به آرمان والای طبقه کارگر و دفاع از مافع زحمتکشان سرچشمه مگرقت. در اولین سالگرد شهادت رفیق محمود، خاطر آن کمونیست قهرمان را گرامی میداریم!

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

بقیه از صفحه ۱

منشاء مذهبی لایحه قصاص و برخورد مجاهدین با آن (۱)

اقتصادی درجا معاست، گفته نظری
بورژوازی خواهد بود، هیچ تعداد جزوات و
هیچ مقدار موعظه، بیولتا ربا را روشن
نخواهد کرد. اگر وی از طریق منارزه خود
علیه نیروهای سبیه سرما به داری روشن
نشود، "رساله" سوسا لیسیم و مذهب
- تا کیدا زماست)
بر همین اساس که کمونیستها: "مذهب را در
ارتباط با دولت، معنا به یک امر خصوصی
می نگردند، لیکن ت...

مذهب در این رابطه، وجود نداشت و مساله بطور
کامل به روال تاریخی اش واگذار میشد و لسی
- همانطور که گفتیم - لاینفک بودن این قانون
و منشاء مذهبی آن برخوردی ویژه و ظریف فرا
الزما میسر آید. اما چرا ویژه و ظریف؟
منظور ما از برخورد "ویژه و ظریف" دقیقاً یک
برخورد مارکسیستی است: از یکسو کمونیستها خود
به مذهب اعتقاد ندارند و تحلیل شان بر اساس
فلسفه علمی و ماتریالیسم دیاکتیک و تاریخی،
این است که با رشد مناسبات تولیدی و شناخت

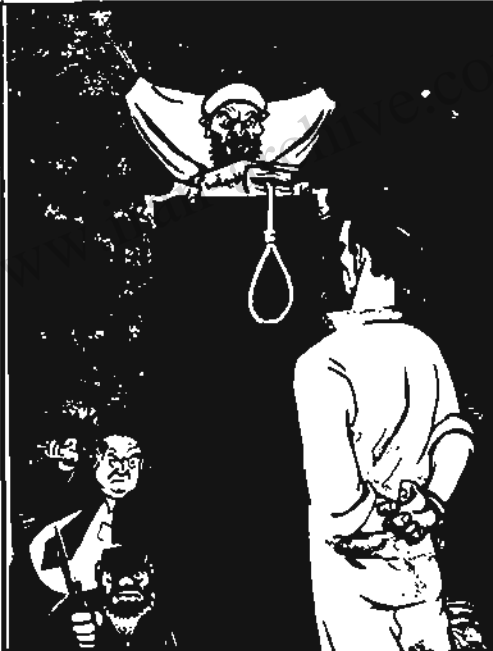
بسیج حاکمیت ارتجاع باشد "حلال" می شمارد و
هر اقدامی که برخلاف مصالح و منافع سرمایه -
داران باشد آنرا "حرام" می داند. "چماق
تکفیر"، یکی از حربه های مهمی است که رژیم
کثونی آنرا بر سر نهروی انقلابی و کمونیستی،
بر سر هر خلق یا فرد میاری که برخلاف منافع
رژیم جمهوری اسلامی حرکت کند فرود می آورد و
به همین ترتیب است که کمونیستها و مجاهدین
"خونشان حلال" شمرده میشود و علیه خلق قهرمان
کرد "حکم جهاد" داده میشود و احساسات مذهبی
توده های نا آگاه و مورد آماج میزترین سو -
استفاده های ارتجاعی قرار میگیرد و رژیم
خیل جوانان زحمتکش و نا آگاه را از طریق
ارگانهای سرکوب خویش، به قربانگاه و نوشیدن
"شریبت شهادت" می کشاند، تا بدین وسیله درخت
کهن و فرسوده ارتجاع از خون زحمتکشان
"دا و طلب شهادت" سیراب گردد!

یکی از بارزترین موارد استفاده رژیم از مذهب
مذهب و اعتقادات توده ها، لایحه قصاص است.
ادامه حاکمیت این رژیم بنحو تفکیک ناپذیری با
"چماق تکفیر و تحمیق" پیوند خورد و است که تجسم
با "ولایت فقیه" و استفاده از مذهب بعنوان
"جماق تکفیر و تحمیق" پیوند خورد و است که تجسم
آنرا در لایحه قصاص می توان مشاهده کرد.

رژیم، هر چه نوا سناست ارگانهای سرکوب
و پاپه های حاکمیت طبقاتی خود را بیشتر
تشبیه کند گام های بیشتری در سلب دستاورد -
های قیام مسلحانه سوده ای بهمن ماه، در محدود
کردن ونفی آزادیهای دمکراتیک، در سرکوب
کارگران و زحمتکشان برداشته و با قانون اساسی
و ممویات و لواحق قانونی نظیر لایحه قصاص،
زنجیرهای ناز آبی بردست و پایی توده ها بافته
است. رژیم در ساری سرمایه داری وابسته
به امپریالیسم، در اعتقاد قرار داده های
امپریالیستی و سازش با جها نخواران بین -
المللی، در سازگاردن دست زبیب داران و
سرمایه داران داخلی برای بهره کشی بیشتر و
در راه انداختن وادامه جنگ ارتجاعی، و غیره،
در همه این موارد و نظیر آن ارعامل مذهب و
احساسات مذهبی توده های نا آگاه و بیشتر بی

سو استفاده را نموده است. وجود این عامل، سه
مبارزه کمونیستها و نیروهای انقلابی دمکرات
و بزرگی خاصی میبخشد و طرف خاصی را نمی طلبد.
برای مثال در افنای لایحه ارتجاعی قصاص و
کوشش رژیم برای پیاده کردن یک سلسله قوانین
قرون وسطائی، آیا می توان به قوانین مذهبی
که منشاء عرفی آنرا لایحه قصاص است برخورد
سکرد؟ آیا کافی است که تک تک مواد این لایحه
را صرفاً از جنبه طبیعی (منظور ربرینائی است)
مورد سبب فرار دوسماد آنرا با رشد و تکامل
تاریخ بشری و منافع کارگران و زحمتکشان
بررسی کرد و اعلاما کاری به منشاء تاریخی و
مذهبی آن نداشت؟ شاید اگر رژیم بنچسب
صریح و سرسختانه از پیوند این قانون با مذهب
استفاده نمی کرد و روشی فوری به برخورد با

● یکی از بارزترین موارد استفاده رژیم از مذهب و اعتقادات توده ها، لایحه قصاص است.
ادامه حاکمیت این رژیم بنحو تفکیک ناپذیری با "ولایت فقیه" و استفاده از مذهب بعنوان
"چماق تکفیر و تحمیق" پیوند خورد و است که تجسم آنرا در لایحه قصاص می توان مشاهده کرد.



بهمیچو در ارتباط با خود، یعنی
مارکسیسم یا حزب کارگران
(رساله لنین در باره "روش حزب کارگران
نسبت به مذهب" تا کیدا زماست)
برخورد ویژه و ظریف اینجاست که از یکطرف
سبا بدیه مذهب توده ها اعلان جنگ داد و آنرا
اساساً با بدیه پرورانه تاریخی اش واگذار کرد و
هرگز نباید با برخوردی روشنفکرانه و بورژوازی
در باب اصلاح مبارزه با ایده آلیسم مذهبی بی
توده های کارگران تفرقه انداخت، زیرا ایس
همان است که سرما به داران میخواهند. در همین
رابطه لنین می آموزد:

"(انگلس) بلانکیستها را سخا طرف نمهندن اس
مطلب محکوم کرد که فقط مبارزه نموده ای
طبقه کارگر، درگیر کردن و سیمترین افکار
بیولتا ربا در تمام اشکال آگاهانه و انقلابی
عمل اجتماعی، خواهد توانست توده های
تحت ستم را از زیر یوغ مذهب و افکارها
بازد، حال آنکه اعلان جنگ علیه مذهب
به مثابه یک هدف سیاسی حزب کارگران
صرفاً یک زست آنارشیستی است" (لنین -
همانجا، تا کیدا زماست) و به عبارت دیگر رار
بقول لنین:

"اتحاد در مبارزه انقلابی طبقه ستم،
برای ایجاد بهشت بر روی زمین، برای ما
مهمتر از اتحاد عقیده بیولتا ربا در مورد بهشت
برین در آسمانهاست." (مذهب و سوسا لیسیم)
اما از طرف دیگر، ما در ضمن حال که وظیفه
ترویجی خود را در میان نقطه نظرات مارکسیستی
پیرامون مذهب فراموش نکرده ایم، ارتباط
تبلیغی با این مساله موا جهیم که در شرایط
کثونی جامعه ما، بورژوازی حاکم با ویژگی
مذهبی خود در قالب ولایت فقیه، تمام اقدامات

هر چه بیشتر جهان و پیشرفت علم و سراجا مالفا
جامعه طبقاتی، عقاید مذهبی که خود مولسود
مناسبات تاریخی کهن است بند ریج از بین
خواهد رفت. مارکسیستها این عقیده خود را
پنهان نمی کنند و ریشه های تاریخی و اقتضای
پیدایش و دوام مذهب در حوامع بشری را در
تشریبات ترویجی خود، برای کارگران و زحمتکشان
توضیح میدهند و از سوی دیگر، بقول رفیق لنین:
"این احفان خواهد بود که فکر کنیم که در
جامعه ای که برپا به ستم و خرفت نمودن بی
پایان توده های کارگرینا شده است
تعمیبات مذهبی را میتوان با شیوه های
ترویجی عالی از میان برداشت. فراموش
کردن اینکه یوغ مذهب که بر بشریت
سنگینی میکند، صرفاً نتیجه و انعکاس یوغ

ارتجاعی خود را از کمال اعتقادات مذهبی بر سوده‌ها تحمیل میکنند و به فرامین و احکام ضد انقلابی خود لباس "پندس" می پوشانند و مبارزه کارگران و زحمتکشان و نیروهای کمونیستی و

و "تهدیده‌ها بودی" فرار داد، و برای لسوت کردن ما هیت انقلابی جنبش توده‌ها و بسیج طرفداران خود علیه اس جنبش (ضمن انتساب کل اس حرکت به جبهه ملی) با این حربه متوسل شد که "به اسلام سب و توهین شده است".

● آیا وقتی حیات یک رژیم تالین اندازه با توهمات مذهبی توده‌ها گره خورد، است و آیا زمانیکه لایحه‌ای مانند قصابی - که ما جنبه‌هایی از ماهیت ارتجاعی آنرا در شماره‌های گذشته پیکار افشا کرده‌ایم - بوسیله دگنگ مذهب توده‌ها حقه‌ها میشود، میتوان طوری برخورد کرد که جایی هم برای برداشت مترقیانه و البته التقاطی از منشا غیر قابل انکار همین قوانین یعنی قوانین شرعی باقی بماند؟ آیا عدم ذکر "شجره نامه" این لایحه، خود نوعی آپورتونیزم نیست؟

انقلابی را با چماق تکفیر و در پیروشی صلیبی وار می خواهد سرکوب کند. اینجا است که عامل مذهب، در شرایط مشخص جامعه و در پیوندی که با طبقه حاکم بعنوان "حکومتی الهی" دارد خود به مثابه نیروی مادی در جهت جلوگیری از پیشرفت انقلاب خود نمایی میکند. آیا مثلا در رابطه با تصویب و اجرای لایحه قصابی میتوان این عامل را نادیده گرفت؟ در هفته گذشته، آیت الله خمینی برای مقابله با تزلزل که ارتگان رژیم را فرا گرفته و برای مقابله با تظاهراتی که بوسیله لیبرالها اعلام شده بود (دو شنبه ۲۵ خرداد) با توسل به حربه تکفیر و ارتداد، توده‌های ناساگرا را به دفاع از رژیم واداشت و در حالیکه راه بازگشت و "توبه" را برای لیبرالها بازمی - گذاشت، کمونیستها و مباحثین را آماج حملات

آیا وقتی حیات یک رژیم تا این اندازه با توهمات مذهبی توده‌ها گره خورده است و آیا زمانیکه لایحه‌ای مانند قصابی - که ما جنبه‌هایی از ماهیت ارتجاعی آنرا در شماره‌های گذشته پیکار افشا کرده‌ایم - بوسیله دگنگ مذهب توده‌ها حقه‌ها میشود، میتوان طوری برخورد کرد که جایی هم برای برداشت مترقیانه و البته التقاطی از منشا غیر قابل انکار همین قوانین یعنی قوانین شرعی باقی بماند؟ آیا عدم ذکر "شجره نامه" این لایحه، خود نوعی آپورتونیزم نیست؟ آیا میتوان به بهانه نرمیدن برخی نیروهای انقلابی و کارگرانی که هنوز برخی عفا ید مذهبی را با خود حمل میکنند، از افشای گوشه‌هایی از حقیقت خودداری کرد؟ یک مارکسیست، البته ماتریالیست است لیکن، بقول لنین

"وی باید یک ما سربا لست دیا لکبیس... با شد... یک مارکسیست باید بتواند اوضاع مشخص را بطور کلی مورد بحث قرار دهد. وی با پد هفتاد و نه دره شخص مریس آرتسیم و آپورتونیزم بوده (این مرز، سیاسی، متحرک و داینامیک تغییر مییابد، لیکن وجود دارد) در انقلابیگری تجربی، قافیه - با قاصد در واقع سی نتیجه آمار نیست و با در حامت و فرصت طلبی خرده بورژوازی و یارونفکر لیبرالی که از مبارزه علیه مذهب طفره رفته، وظایف خود را فراموش نموده، خود را با اعتقاد به خدایه سازش رسانده و جهتگیری خود را به بر مبنای مبارزه طبقاتی بلکه سربا به حاکم بکری های خرد و پست فطرتا نه ما تند: نرجا ندن، نرمان ندن و نتر میان ندن پایه گذاری نموده... در نلفظت (لنین: روش حزب کارگران نسبت به مذهب). این است موضعی مارکسیستی لنینیستی که را هنمای ما در برخورد به مساله مذهب است. مساله‌ای که در شرایط خاص کنونی جامعه ما برخوردی شایسته را می طلبد یعنی که نه به آمارشیم در غلط و عملا سیاست بورژوازی را در اجرا دست فرگد بین کارگران و صف نیروهای انقلابی پیدا کند و نه به آپورتونیزم و حساب - گریهای کار سیکارانه فرو افتد.

ادامه بحث را در شماره آینده دنبال خواهیم کرد و به برخورد مباحثین به لایحه قصابی خواهیم پرداخت.

چرا ارتشیان نباید در سیاست دخالت کنند؟! آیت الله خمینی در سخنرانی روز ۲۴ خرداد، به فرماندهان ارتش دستور داد که:

اطلاعات ۲۵ خرداد	نفسران ارتش اهر منکم	وظیفه هر نظامی و پادگان این است که امور سیاسی بر او حکومت نکند
	به اینکه باید در ارتش مسائل سیاسی طرح نشود	

چرا از سوی آیت الله خمینی چنین دستوری صادر میشود؟ میدانیم که ارتش مهمترین ابزار سرکوب در دست هژدولت طبقاتی است. دولت خود نماییه طبقه حاکم است و رژیم جمهوری اسلامی سما بنده طبقه سرما بیده دار میباشد. بنا بر این ارتش وسیله‌ای است در دست دولت سرما به داران ناسیاستهای این طبقه حاکم را به پیش ببرد. اینکه میگویند ارتش تنها بیدر سیاست دخالت کند فریبی بیش نیست. ارتش بخواهد یا نخواهد، برفع سیاست یک طبقه که همان طبقه مسلط است عمل میکند. آیت الله خمینی در واقع ارادشندان میخواهد فقط سطح طبقه حاکم، یعنی حزب جمهوری اسلامی که در رأس رژیم قرار دارد و همان حزب آیت الله - خمینی است وارد شوند.

اکثریت بر سنل ارتش سربازان، درجه داران، با وجود آنکه در یک سیستم مداخله فعالیت میکنند و ولی خود از بین زحمتکشان برخاسته اند، همیشه هستند که نا دخالت خود در سیاست و حمایت از انقلاب توده‌ها ستون فقرات قدرت رژیم تا در در هم نکتند و بویژه هم فرمان قهرمان طلیمه میام شکو همندهمین را فراهم آورند. آیت الله خمینی که خود در هنگام اوج مبارزات توده‌ها علیه رژیم تا، ارتشیان را به فرار از سربازخانه‌ها و در واقع دخالت در سیاست فرامی خواند امروز از آنها میخواهد که چشم و گوش بسته، اطاعت کورکورانه از ما فوق رانند - العین خود قرار دهند و بصورت یک ابزار سرکوب در دست رژیم بویژه جرب در آیند. آیت الله خمینی از سربازان و درجه داران انقلابی و زحمتکش میخواهد که از آگاهی سیاسی

بیرهنزند و سیاست را مانند "مواد مخدر" تحریم کنند تا بتوانند چماق خوبی برای سرکوب کمونیستها و انقلابیون باشند. آقای خمینی در موضعگیری اخیر خود از تحریک ارتشیان برفع فدا انقلابیون سلطنت - طلب و لیبرالها بویژه بی صدور دستور دولتی هیچ شکی نمیتوان داشته که آیت الله از آگاهی سیاسی بر سنل انقلابی ارتش و حرکت آنان بسوی نیروهای کمونیستی و انقلابی به مراتب بیش از نفوذ سلطنت طلبان خائن و لیبرالها سراسر دارد. زیرا تا امروز بسیاری از سران خائن ارتش وابسته به رژیم گذشته و لیبرالها در قدرت سهم بوده و هستند ولی چنانکه از آنها افشا کرده ایم از کوچکترین شریه انقلابی درون ارتش مثل جن از بیم الله ترسیده اند.

سربازان و درجه داران انقلابی ارتش با پیدا آگاهی سیاسی هر چه بیشتری پیدا کنند، آنها باید بیدفع کارگران و زحمتکشان وارد عمل شده، با ایجاد شوراهای انقلابی سربازان، اطاعت کورکورانه از خدای انقلاب حاکم را که یک اندیشه طبقاتی و ارتجاعی است بدور بیا نندازند و آماده باشند همان نقش شرافتمندانه‌ای را ایفا کنند که در قیام پرشکوه بهمن در کنار زحمتکشیای قهرمان ایران انجام دادند. سازمان پیکار در آزادی طبقه کارگر ۶۰/۳/۲۶

بقیه در صفحه ۱۲ بودجه...

صرف طرح هائی میگردند که از رژیم مزدور شاه بجا مانده است. رژیم جمهوری اسلامی تاکنون هیچ قدمی در راه قطع وابستگی به امپریالیسم برنداشته است و نمی تواند بر دادر بودجه فعلی نیز تائید کننده این مطلب است. این مسئله، یک بار دیگر درستی پیش بینی کمونیست ها را در این باره ثابت میکند، زیرا با توجه به ماهیت رژیم جمهوری اسلامی انتظار دیگر هم نمی شد داشت. بسیاری از پروژه های رژیم گذشته نیز بنا تمام و متوقف مانده و رژیم قاندر به تمام و بهره برداری از آنها نگردیده است. حجم کم اعتبارات عمرانی و سرمایه گذاریهای دولت در امور زیربنائی و معنای نسبت به هزینه های جاری، عدم تغییر کیفی در سیاست های اقتصادی و تنوع مصرف این اعتبارات، تکلیف میان نیازهای تولید و تقاضای کالاهای دربار را که با تریب سی حساب پول به اقتصاد توسط دولت افزایش می یابد و قدرت تولیدی را افزایش نداده و تورم را که در سال گذشته حدود ۳۰ درصد بوده است بالا خواهد برد. سیاست نفعت فروشی و واردات وسیع کالا و تشدید وابستگی اقتصادی کشور به امپریالیسم تنها راهی است که دولت در مقابل خود قرار داده و در بودجه خود نیز منعکس کرده است ولی ظرفیت واردات نیز محدود بوده و محدودیت امکانات بندری، تخلیه و انبار سازی، توسعه پیش از حد آن را غیر ممکن میسازد. اتلاف کالاهای نیز قیمت آنها را گرانتر میکند، از سوی دیگر تولید و مدور رفت با در نظر گرفتن شرایط موجود با زار رفت و نیز امکانات رژیم از لحاظ فنی و غیره به میزان پیش بینی شده نرسیده و درآمدهای ارزی کافی نیز برای انجام واردات به میزانی که برای مقابله با کمبودها و قحطی کالاهای کافی باشد حتی اگر رژیم این سیاست را تصب العین خود قرار داده باشد، بدست نخواهد آمد. این امر در شرایط نفعان تولید داخل، توقف فعالیت نازل منابع و بحران منابع و وابسته گه به واردات مواد خام و قطعات و لوازم متکی هستند به کمبود، گرانی و قحطی کالاهای ابعاد جدیدی خواهد بخشید و قنار برتر بوده های مردم افزایش خواهد یافت.

دولت از یکسو برای حفظ اعتبار سیستم بانکی و نجات آن از ورشکستگی و تامین منابع ارزی برای پشتوانه اسکناس های منتشره و همچنین واردات کالا و خریدهای کلان اسلحه برای ادامه جنگ ارتجاعی، در مدقت به میزان بسیار بقیه ۲۴۱۱/۶ میلیارد ریال را در بودجه خود گنجانیده و از سوی دیگر اعلام نموده است که به علت فروش نرغتن این مقدار نفعت "اگر منابع نامیین اعتبارات طبق پیش بینی نبود برای تامین کسری احتمالی بودجه از طریق استقرار این سیستم بانکی و از طریق مکانیسم صرفه جویی اقدام خواهد نمود. مثلاً در سال زمان برنا سه و بودجه تکمیلان ۱۳۶۰/۲/۱۶

بمبارت دیگر در صورت عدم توفیق رژیم به

مدور نفعت به میزان پیش بینی شده، دولت برای تامین مخارج خود هر چه بیشتر به ابعاد پول و تریب آن در اقتصا دبحران زده کشور اقدام می نماید. این امر دستمزدهای واقعی کارگران و قدرت خرید توده ها را بیشتر کاهش داده و فقر و فلاکت توده ها را افزایش بیشتری خواهد داد. در صورت عدم تامین ارز کافی دولت بسیاری از مخارج خود را از طریق ابعاد پول عملاً بندوش توده ها منتقل کرده و از خود در صرف هزینه های که برای اوجیاتی است یعنی خریدهای کلان اسلحه و تجهیزات و وسایل "ضروری" خواهد نمود. مناقشه جناحهای بورژوازی بر سر لایحه بودجه: جناح بنی مدربا فافه اپوزیسیون ارتجاعی بورژوازی بیرون مجلس لایحه بودجه را که توسط جناح مسلط حزبی و کابینه رجائی تنظیم و به مجلس آورده شده است زیر انتقادات و حملات شدید قرار دادند. تمام میان این نیروها بر سر سیاست های اقتصادی - اجتماعی و نیز وحدت آنان در مقابل کارگران و توده های خلق از خلال این مشاجرات نیز خود را نشان میدهد.

بنی مدرد در خلال انتقادات خود با ردیگر بنارفا بنی خود را از پیش روی جناح رقیب در جهت تحکیم مواضع و اعمال سلطه خود که بودجه دولت نیز به وسیله ای برای این منظور تبدیل شده اظهار تمسود در واقع جناح مسلط دولت سعی نموده است با کنج بنیدن تبصره های متعدد در لایحه بودجه که اختیارات وسیعی برای هیئت وزیران و مقامات محلی در مصرف بودجه منظور می نماید خصوصیت برنا مه ای بودجه را نفی کرده و آن را به آلت پیشبرد منافع و تحکیم مواضع خود بدل نماید. این تبصره ها به وی امکان میدهد بطور خود سرانه بدون لزوم ادای توضیحات به مجلس و نیروهای رقیب جا بنی های کلان در ارقام و اعتبارات مختلف بودجه بعمل آورده و گذشته از آن مبالغ کلانی را نیز تحت عنوان عملیات اخطاری بدون اینکه شامل کنترل قانون محاسبات عمومی گردد و او را که سند در الزامی نماید، در جهت منافع ویژه خود مصرف نماید.

در این لایحه حتی بسیاری از اختیارات مجلس در زمینه نظارت بر عملکرد بودجه و ضوابط خرج آن بطوریکه به دولت تفویض شده است. نحوه و ضوابط مخارج بسیاری از آنها در زمانهای وابسته به جناح مسلط تابع نظر مجلس و تحت کنترل قانون محاسبات عمومی نبوده و تابع تصویب نامه های هیئت وزیران است. اعتبار زیاد بی بصورت معاف از نظارت قانون محاسبات عمومی به نخست وزیر داده شده و نیز وزیران و مقامات محلی میتواند در درم زبانی از اعتبارات جاری و عمرانی را بدون کنترل قانون محاسبات عمومی و تحت عنوان "عملیات اضطراری" مصرف نمایند. اینها در واقع اعتبارات سری هستند. ولی دولت در بودجه اعتبارات سری بطور رسمی منظور نگردیده و به فریبکاری توسط چته است. این اعتبارات را میتوان به سه

مقصودی به مصرف رساند. طبق تبصره ۹، بهیست درصد از اعتبارات عمرانی دستگا ههای اجرایی به تصویب وزیر مربوطه، میتواند به اجرای عملیات اضطراری اختصاص یابد. این مبلغ به ۲۲۱/۸ میلیارد ریال میرسد. طبق تبصره ۱۸ استانداران معادل ۲۵ درصد اعتبارات عمرانی استان را می توانند به عملیات اضطراری اختصاص دهند. در تبصره ۴۱ نیز ۵۰۰ میلیون ریال بودجه سری برای نخست وزیر تعیین شده. تصب بردادن برنا مه ها و تفصیلا اعتبارات طرح های مختلف توسط وزراء و مقامات محلی با دامنه وسیعی مجاز دانسته شده و عملاً مصرف بودجه متغیوت از برنا مه ای خواهد بود که پیش بینی شده است. این تبصره ها دست جناح مسلط را در مصرف خود سرانه بخش مهمی از اعتبارات بازمیگذارد و از سوی دیگر به امکان میدهد قسمت مهمی از اعتبارات را تحت عنوان عملیات اضطراری و بدون کنترل قانون محاسبات عمومی به عیب خود سران بر کرده و در جهت تامین مالی و تجهیز خود مصرف نماید.

اختلاف منافع و تفاوت در سیاست های دو جناح در مقابله با بحران اقتصادی - اجتماعی موجود نیز در مناقشات حول بودجه متمرکز گشت. جناح مسلط حا کمیت که در مقابله با بحران اقتصادی - اجتماعی موجود توان و در مانده گشته است (مثل تمام جناحهای بورژوازی دیگر) در تدام جنگ ارتجاعی برای جلوگیری از فروپیزی بیشتر تروهم توده ها، فریب آنها و مواجهه جلوه دادن فقر و فلاکت و استفاده از شرایط جنگی در زمینه تشدید اختناق و سرکوب امید بیشتری بسته و برای تامین منابع مالی برای خریدهای کلان اسلحه و نیز نجات موقتی از ورشکستگی و تنسیت و حفظ موجودیت و تسلط خود به نفعت فروشی بی حساب روی آورده است. این جناح برای حفظ تسلط خود ویژه در شرایط جنگی و تشدید تفاهای طبقاتی مجبور به افزایش دخالتهای خود در تولید و توزیع و اعمال نوعی کنترل ارتجاعی و بوروکراتیک در جهت حفظ سیستمی باشد. جناح بنی مدرد در مقابله با حریف در جهت تضعیف و تحکیم موقعیت خویش، تکیه اصلی را بر اقصا نا توانی وی در مقابله با بحران اقتصادی موجود و کاهش مداوم تولید و روی آوردن بیشتر به سیاست نفعت فروشی گذاشته

بود. این جناح دخالتهای بوروکراتیک در اقتصاد و نیز اعمال پاره ای ممانده ها از سرمایه داران در جهت منافع خود توسط جناح رقیب را محکوم کرده، برای بازسازی سرمایه داری وابسته و مقابله با بحران خواهان طلب اعتماد بیشتر سرمایه داران، به مقابله با کارگران و جلوگیری از افزایش دستمزدها و حقوق ها و کاهش از هزینه های جاری دولت و انداختن بیشتر بار بحران بردوش کارگران و زحمتکشان میباشد. او بحران موجود را زیر گانه فقط بیای حریف

بقیه در صفحه ۲۹

معرفی کتاب

(ب) - نشریات تبلیغی

لنین در این مقالات اشاره میکند که سه عالیترین شکل نشریات تبلیغی یک روزنامه سراسری است. روزنامه‌ای که در عین دامن زدن به تبلیغات واحد مستمر، سازماندهی جنبش طبقه و توده‌های زحمتکش نیز می باشد. این روزنامه از طریق فرموله کردن مسائل اساسی جامعه و مشخص کردن خطوط کار برین تمام فعالین مناطق و نواحی دور افتاده با مرکز ارتباط برقرار کرده و رهبری کل جنبش را زیر پوشش خود می گیرد. لنین ضمن بازنگارسی ضرورت ایجاد یک نشریه مرکزی و سراسری همه جمع آوری کمک مالی از خود کارگران جهت توده‌ای شدن و استمرار و نشاط نشریه، اشاره میکند. او در ارتباط با کمک مالی کارگران مینویسد:

"نشریاتی که برپا به مکه‌های پنج کویکی که از محافل کارگری کوچک کارخانه جمع شده اند، ایجاد شده با جدی‌ترین رقابت عملی و محکم و جدیدتری است (هم از نظر مالی و مهمتر از همه از نقطه نظر بیشتر جنبش دموکراتیک کارگران) تا نشریه‌ای که با دهها و صدها روبل اهداشی روشنفکران هوادار ایجاد شده باشد."

لنین میزان کمک مالی کارگران به نشریه را یکی از ملاکهای درجه و عمق نفوذ و توده‌ای شدن یک نشریه میدانند. او مطرح میکنند که:

"اهمیت چنین کمکهای بیش از همه بر اساس منظم بودن آنها در هر روز پرداخته بدون وقفه بودن و تعداد درجه بیشتر کارگران تیکه در این کمکهای منظم شرکت میکنند، می باشد."

بر اساس چنین دیدگاهی بود که لنین مطرح ساخت، می بایست شعار "هر کارگر روزی

احراز کتاب "نشریات و تشکیلات کارگری" منتشر شده است. این کتاب حاوی مقالات ارزنده‌ای از لنین در ارتباط با سازماندهی حزبی است. لنین در این مقالات بنحوی درخشانی نشان میدهد که چگونه با تشکیلات محفلی و مطبوعات محلی نمیتوان به پیشواز جنبش خروشنده پرولتا ریا رفت. او بنحوی بر حسیته‌ای تفاوت میان کار محفلی و کسار حزبی را بر شمرده و نشان میدهد که چگونه اشکال عقب مانده سازماندهی یا سخوی جنبش اعتلاشی طبقه کارگر نبوده و ابزارهای لازم را برای هدایت و رهبری پرولتاری میهنانند. لنین در این مقالات به دو امر اساسی هدایت و رهبری پرولتاری اشاره کرده و در ارتباط با ما با دیت بخشیدن آنها در شرایط روسیه رهنمودهای ارائه میدهد. این امرها عبارتند از:

(الف) - تشکیلات

در این مقالات بحث بر سر اهمیت تشکیلات برای پرولتا ریا نیست بلکه بحث بر سر بهبود سازماندهی و یکارگیری اشکال جدید است. در اولین مقاله این کتاب لنین مختصات جنبش کارگری روسیه را در سال ۱۸۹۹، چنین ترسیم میکند:

"بدون بهبود در تشکیلات هرگونه پیشرفت جنبش کارگری ما، بطور عام و ایجاد حزبی فعال با ارگانی با عملکردهای صحیح بطور خاص غیر ممکن است"

این گفته لنین هیچوجه بمعنای برتر دانستن تشکیلات نسبت به ایدئولوژی نیست. چرا که لنین در این کتاب در واقع رهنمودهای در ارتباط با رشد کیفی و بهبود تشکیلات ارائه داده است. او مکرراً مطرح می سازد که بسرای رهبری یک مبارزه منظم بر علیه حکومت، یک سازمان انقلابی می بایست انضباط و فنون کار را به بالاترین درجه تکامل برساند. بسا عزیمت از دیدگاه فوق لنین مطرح می سازد که تنها با سازماندهی حزبی میتوان احزای منظم "اصول تقسیم کار" و "اصل صرفه جوشی بیروها" را ممکن ساخت. لذا جهت تحقق پذیری اصل تقسیم کار حزبی مطرح میسازد:

"ضروری است که یک تک اعضای حزب و سایر گروههای عضو در باره امور مختلف حزب تصمیم یابند. عده‌ای در امر چاپ نشریات، عده دیگر در امر گرد کردن آنها از مرز، گروه سوم برای توزیع آنها در داخل روسیه و..."

سین در مقایسه با کار محفلی مینویسد:

"ما می داسم که چنین تخصصی نیاز به خودداری به مرانست نشتر، مبارزه فاسلسهای به مراتب بیشتر برای تمرکز در کارهای روزمره کوچک و کم اهمیت که به چشم نمی آیند و نسبتاً زیه مرانست بیشتر به مهرمائی واعی تا کار محفلی دارد."

یک کویک به نشریه کارگران کمک کند تا تبلیغ کرد. لنین مرانست مطرح میکند:

"با یاد این را بسمورت سنت در آورده که هر کارگری در هر روز پرداخت حقوق، یک کویک به نشریه کارگران کمک کند. بگذارید اشتراک نشریه رواج یابد و بگذارید آنها که میتوانند بیشتر امانه بدهند اینکار را بکنند همچنان که در لنین سپس به مسئله ارتباط یک نشریه مرکزی و نشریات محلی و نحوه همکاری ریهای آنها در زمینه تبلیغات میپردازد و بوسیله اشخاص به سه نکته در این رابطه اشاره میکند:

(۱) - نشریات محلی حزب می بایست بر غنی مقالات و مطالب نشریه مرکزی را دوباره چاپ کنند.

(۲) - بیشتر شعارها و مقالات ارگان (نشریه) مرکزی را بزبان قابل فهم برای عامه در بولتن های محلی تفسیر و تفسیر کنند و بوسیله اشخاص با شرایط محلی و اوضاع توده‌های آن منطقه، تطبیق دهند.

(۳) - نشریات محلی در شنا سازی ارگان (نشریه) مرکزی به توده ها بکوشند.

بلاشک مطالعه این کتاب در ارتقاء درک و آشنائی با رهبری پرولتاری موثر خواهد افتاد. و ما مطالعه آنرا به کلیه رفقا بویسزه رفقای تشکیلاتی و هوادار توصیه میکنیم.



رسمه سرسبز در سادگی

کتابهای جدید

دو اثر از لنین را که اخیراً به چاپ رسیده است، برای مطالعه رفقا و توده‌های انقلابی معرفی می نمائیم. ما خواهیم کوشید معرفی کتابهای جدید را همچنان ادامه دهیم.



رسمه سرسبز



رسمه سرسبز



امپریالیسم آمریکا نوکران خود را مسلح می کند!



امپریالیسم جنایتکار آمریکا یک لحظه از مسلح کردن رژیمهای مزدور و ارتجاعی غافل نمیشود. امپریالیستهای آمریکایی با فروش اسلحه نه تنها منابع هنگفتی از ثروت خلقها را به بیغما می برند، بلکه علاوه بر رژیمهای ارتجاعی را مسلح میکنند تا انقلاب را وحشیانه سرکوب کنند. رژیم پاکستان که رژیم همپواری اسلامی آنرا بمثابه یک "رژیم اسلامی و مترقی" جا میبرند در واقع یکی از حکومتهای مرتجعیمی است که مورد حمایت نظامی گسترده ایانگی هاست. چندی پیش امپریالیسم آمریکا مبلغ ۴۰۰ میلیون دلار کمک نظامی - اقتصادی به رژیم پاکستان داد. اما علاوه بر این وام، قرار است ظرف پنج سال آینده، آمریکا دو میلیارد دلار به پاکستان بدهد. این اقدام را با تعدد میلیون دلار کمک نظامی و اقتصادی در اختیار رژیم مزدور پاکستان قرار دهد. بر اساس همین قرارداد، ده میلیارد دلار به پاکستان در اختیار داده خواهد شد. این توافق نموده ۱۵ هواپیمای بمب افکن "اف-۱۶" به پاکستان تحویل دهد. این هواپیمایها که توسط کمپانی "جنرال دایناسیک کورپوریشن" ساخته میشوند هر کدام ۱۴/۵ میلیون دلار قیمت دارد. در واقع پس از سقوط رژیم شاه خائن آمریکا بیش از پیش به تسلیم رژیمهای وابسته بخود بخصوص عربستان سعودی و پاکستان پرداخته تا بدین ترتیب بتواند خلا ناشی از حضور رژیم شاه را پر کند و پرواضح است که این کمپانیها تنها خداوند انقلاب را در برابر کارگران و زحمتکشان مسلح میکند، بلکه علاوه بر این امکان را بوجود می آورد تا آمریکا از طریق رژیمهای دست نشانده خود در منطقه کمربند حفاظی در مقابل سوسیال امپریالیسم شوروی را مستحکم سازد.

علاوه بر اینها بطوریکه میدانیم پس از کودتای امپریالیستی شوروی در افغانستان، امپریالیستهای غربی و بخصوص آمریکا به تسلیم سازمانهای فئودالیستی اسلامی در اس کشورهای پرداخته تا بدین ترتیب بتوانند به مقابله با روسها بپردازند. فعالیت این سازمانها که ما هیتا متما دنیا مبارزات بوده های زحمتکش افغان علیه رژیم وابسته "سرک کارمل" می باشد در جهت منافع امپریالیستها قرار دارد و به همین خاطر کشورهای سرمایه داری غرب از طریق رژیم وابسته پاکستان مزدوران افغانی را مسلح میسازند. در سال ۱۹۸۱ این کشورها مبلغ ۱۱۰ میلیون دلار در اختیار پاکستان قرار دادند تا سازمانهای اسلامی فئودالی افغانستان به فعالیت خود ادامه دهند. علاوه بر این سازمانهای المللی امپریالیستی غرب قول داده اند تا برای سال مالی آینده مبلغ یک میلیارد و یکصد و هفتاد میلیون دلار به پاکستان بدهند.

این مبلغ که نهمصد میلیون دلار بیش از کمک سال جاری است، برای حمایت از مزدوران افغانی میباشد. بدین ترتیب درمی یابیم که چگونه امپریالیسم آمریکا و نیز سازمانهای امپریالیستی غربی رژیم سرسپرده فئودالیستی را مسلح میکنند تا با تمام قدرت به ارتجاعیان جهانی خود خدمت میکنند. این واقعیت یکبار دیگر نشان میدهد که زنجیر حجاب اسلامی، رژیمهای ارتجاعی بزرگترین خدمتها را به امپریالیستها میکنند. خدمتها که جز خیانت همه جانبه نسبت به منافع خلق معنای دیگری ندارد.

بحران اقتصادی در شوروی سوسیال امپریالیستی!

سخنرانی سرژف مرتد در کنگره ۲۶ حزب رولزیونیست شوروی علیرغم تمام عوام فریبیها، یکبار دیگر نشان داد که جامعه سرمایه داری شوروی دچار بحران اقتصادی می باشد. یک اقتصاد سوسیالیستی هرگز مواجه با بحران نمیشود. زمانی که بر اقتصاد سوسیالیست کم است، زمانی که سراسر اقتصاد دنیا نون هرج و مرج و تاریخی غلبه دارد، زمانی که هدف اقتصاد دهنه تا مین منافع کارگران و سایر زحمتکشان، بلکه تأمین سود هر چه بیشتر بیرونی می باشد، آری در چنین هنگامی اقتصاد نمیتواند بدون بحران باشد. اقتصاد شوروی از آنجا که یک اقتصاد سرمایه داری امپریالیستی میباشد دستخوش بحران شده و ما میتوانیم آنجا که سات این بحران را در تشدید استعمار طبقه کارگر، در رشد یکپارگی، در بحران کشاورزی و در کاهش آهنگ تولید در این کشور مشاهده نمائیم. نمونه زیر یکی از دهها مواردی است که سرنوشت واقعیت بحران در شوروی سوسیال امپریالیستی را نشان میدهد.

سرژف خیانتکار در منطق خود بر ما مسئله اقتصادی پیش بینی شده را به این ترتیب

اعلام نمود:

بیش بیهوشیهای اقتصادی

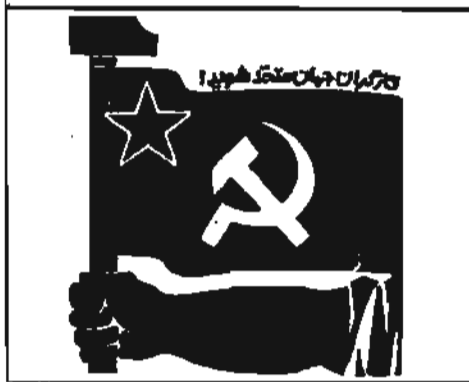
الف - سهم برداشت شد از درآمد ملی برای مصرف و انباشت	۹۰ - ۱۹۸۰	۴۰ درصد
ب - سرمایه گذاری	۹۰ - ۱۹۸۰	۴۰ درصد
ج - محصول ناخالص اجتماعی (درآمد ملی)	۸۵ - ۱۹۸۰	۲۰ - ۱۸ درصد
د - تولید صنعتی	۸۵ - ۱۹۸۰	۲۸ - ۲۶ درصد

روزیونیستهای شوروی در سالان هر برنامه اقتصادی، برنامه تجدیدی ارائه میکنند اما هرگز برنامه ها نمیتوانند هدف پیش بینی شده خود دست سازند. گذشته از این امر، اگر ما مقایسه ای میان ارقام فوق و ارقام سالهای گذشته بکنیم موضوع مشخص میشود که اقتصاد شوروی دستخوش بحران است.

اگرنگاهی به کتب حاوی سخنرانی سرژف بر ما یاد ازیم متوجه می شویم که:

- پندالف در دهه ۸۰ - ۷۰ از رشد ۵۵ درصدی برخوردار بوده، در حالی که برای دوره ۹۰ - ۸۰ بعمران ۴۰ درصد افزایش پیش بینی شده است.
- پندب در دهه ۸۰ - ۷۰ از رشد ۶۶ درصدی برخوردار بوده، حال آنکه برای دوره ۹۰ - ۸۰ بعمران ۴۰ درصد افزایش پیش بینی شده است.
- پندج در برنا به پندالف نسبت به برنا به نیم از رشد ۲۹ درصدی برخوردار بوده، در حالی که برای برنا به پندب (۸۵ - ۸۰) برابر ۲۰ - ۱۸ درصد پیش بینی شده است.
- پندد در برنا به پندج نسبت به برنا به نیم از رشد ۳۳ درصدی برخوردار بوده، حال آنکه برای برنا به پندب (۸۵ - ۸۰) برابر ۲۸ - ۲۶ درصد پیش بینی شده است.

این واقعیتها نشان میدهد که چگونه اقتصاد بحران زده شوروی در وضعیت رکود به سر برده و قادر نیست آهنگ رشد سالهای قبل خود را احیاء نماید. این واقعیتها یکبار دیگر مشت محکمی بر سر دهان رولزیونیستهای خائنین توده ای و اکثریتی کوسیده و تبلیغات عوام فرسا به آنها را رسوا می سازد. این واقعیتها یکبار دیگر نشان میدهد که در شوروی سوسیالیسم بلکه سرمایه داری امپریالیستی حاکم است.



تظاهرات عظیم ۱۰۰ هزار نفری علیه رژیم حاکم در تهران!



در میدان فردوسی، توده‌های مبارز ما شین پا سداران را به آتش کشیدند.

تظاهرات از یک حمله کاملاً انقلابی برخوردار نبود و فاقد مضمون دمکراتیک و تجمعی بود. مجاهدین حتی میکوشیدند تا جمعیت را وادار به گفتن "درود بر بنی صدر" بکنند، اما عده معدودی این شعار را سر داده و خیلی فوری نیز قطع میگردد. در واقع توده‌های مبارز تمایلی به بیان این شعار نداشتند و ما هیت انقلابی آنها بطور غریزی این شعار را تکرار الیبرالی را پس میزد. اما بهر حال مسئله‌ای که بسیار مهم است اینست که کمونیستها میبایست هر چه بیشتر در اینگونه تظاهرات شرکت کرده و سطح شعارها را بسوی دمکراتیک و انقلابی ارتقا بخشند. کمونیستها با بدبختی لیبرالیستها یا خاش را که میکوشند بر جنبش سوار شوند افسانه کرده و به توده‌ها نشان دهند که لیبرالیها نیز مانند حزبی هاد دشمن زحمتکشان می باشند و بهیچوجه نمی توانند مدافع آزادی برای توده‌های زحمتکش باشند. به علاوه کمونیستها با بدنا پیگیری شدید ما هیدین را بر ملا ساخته و به کارگران و سایر زحمتکشان نشان دهند که فقط به آتکاک مبارزه انقلابی علیه کل بورژوازی است که میتوان به دمکراسی واقعی دست یافت. تظاهرات دیروز و گستردگی آن بیانگراین مسئله بود که حرکت اعتلانی جنبش با زهمه مسرفزا بنده خود ادامه داده و علیرغم سرکوب و حشانه رژیم جمهوری اسلامی سردمداری حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی متوقف نخواهد شد. کارگران و سایر توده‌های مبارز در تجربه خود و به آتکاک فعالیت آگاهانه گرانه کمونیستها را شنیدند. عوام مغربیه‌های لیبرالیها را رسوا خواهند ساخت و بسوی انقلاب به پیش خواهند رفت.

و تفنگ و حشانه به کشتار مردم اقدام کرده عده‌ای را بشهادت رسانده و صدها نفر را زخمی و دستگیر نمودند. میدان فردوسی از خون شهیدان گلگون شد و لکه ننگ دیگری بر دامن رژیم جمهوری اسلامی نشست. با این حمله وحشیانه

یکبار دیگر توده‌های مبارز در تجربه خود دیدند که رژیم جمهوری اسلامی فقط به آتکاک گلوله و فریب مردم می تواند با برجا بماند، یکبار دیگر در تجربه خود فهمیدند که رژیم جمهوری اسلامی در کشتار خلق هیچ دست کمی از رژیم جنایت پیشه پهلوی ندارد. یکبار دیگر فهمیدند که رژیم جمهوری اسلامی دشمن زحمتکشان عامی سر ما به داران است. پس از خون کشیده شدن تظاهرات عظیم تظاهرات کنندگان به بخشهای مختلف تقسیم شده و دوباره با روحیه‌ای رزمنده به تظاهرات دست زدند. در خیابان طالقانی یک ما شین جهاد را مورد حمله انقلابی قرار دادند و به یک مینی بوس حامل فلاژها شدت با سنگ و چوب حمله کرده و تمام شیشه‌های آنرا می شکنند و سپس به ایجاد راه بندان در وسط خیابان می پردازند و با سنگ و چوب به طرف سفارت امبرالینم امریکا حمله می برند. این تظاهرات عظیم بیانگر به نمایش گذاردن خشم و نفرت توده‌های مبارزی بود که از جنایات و ستمگریهای رژیم حاکم و حزب جمهوری به ستوه آمده اند. اما مسئله مهمی که با بدیدان توجه شود این است که ما هیدین می کوشیدند تا شعارهای لیبرالی را در میان مردم نفوذ دهند. شعارهای تظاهرات از جمله عبارت بود از: "حزب جماقی بدستان با بسد بره کورستان"، "مرگ بر بهشتی"، "نصر من الله و فتعاً قریب مرگ بر این جزیک مردم فریب" "بهشتی، رجاشی خلق آمده کجاشی؟"، "زندانی سیاسی، آزادی با بدگرد"، "مرگ بر استبداد"، "سلام بر آزادی..."

شنبه ۳ خرداد تهران شاهد تظاهرات عظیم مردم بود. تظاهراتی که بیش از صد هزار نفر در آن شرکت نمودند و رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را بخود لرزانند. توده‌هایی که دو سال تمام دروغ و فریب رژیم حاکم را دیده اند، توده‌هایی که دو سال سرکوب و غفلت را تجربه کرده اند، توده‌هایی که طی دو سال اخیر جز فقر بیشتر، بیکاری بیشتر، تورم و گرانی بیشتر چیز دیگری ندیده اند، مشتاقانه به صف تظاهرات عظیم می پیوستند. توده‌ها در تظاهرات شرکت کردند تا نفرت خود را نسبت به رژیم جمهوری اسلامی، سردمداران آن و حزب منافور جمهوری اسلامی به نمایش بگذارند. صف انبوه تظاهرات ساعت ۴ بعد از ظهر از چهار راه مصدق بسمت بالا آمد و سپس به خیابان طالقانی (تخت جمشید) پیچید. در طول تظاهرات مردم کوجه و خیابان به جمعیت تظاهرات پیوستند. مردم از پنجره‌های خانه‌های خود برای تظاهرات کنندگان کسوف میزدند و مشت‌های گره کرده خود را بالا میگرفتند. آنها به هیجان آمده بودند، در مسیر خیابان طالقانی چند موتور متعلق به پاداران به آتش کشیده شدند و چندین نفر از پاداران که در لباس شخصی قصد حمله داشتند شیدا مورد ضرب و شتم توده‌های مبارز قرار گرفتند.

تظاهرات کنندگان هر جا که عکس سردمداران رژیم و از جمله خمینی را می دیدند پاره میکردند و با آگریه ششادارات دولتی بودا سنگ مورد هدف قرار میدادند. صف تظاهرات از خیابان بهار بسمت جنوب آمده و سپس در خیابان انقلاب بسوی میدان فردوسی حرکت نمود. تمام عرض خیابان و تمام طول خیابان از محدود پیچ شمیران تا میدان فردوسی مملو از جمعیت تظاهرات کننده بود. در خیابان انقلاب چند موتور دیگرا از پاداران جنایتکار و حزب الهی ها به آتش کشیده شدند. در طول تظاهرات تا میدان فردوسی از دسته‌های فلاژ و پاداران ۳ بدست خبری نبود. آنها ارواحشت در مقابل توده‌های عظیم خلق پنهان شده بودند. هنگامی که صف تظاهرات به میدان فردوسی رسید پاداران جنایتکار که در قسمت جنوبی میدان و روی پشت بامها مستقر شده بودند اقدام به شلیک هوایی نمودند. جمعیت فریاد می زد: "بچه‌ها مقاومت مقاومت، و بسا توپ، تانک، مسلسل، دیگر اثر ندارد!" و بسا "رهبران ما را ملحق کنید!" بدنیال این شلیک هوایی جمعیت به طرف یک ما شین متعلق به پاداران که در میدان مستقر بود حمله کرده آنرا با زوان پرتوان خود بیلند کرده و سرتگون کردند و سپس با کواکتل مولوتف به آتش کشیدند و موتور دیگری را نیز آتش زدند. در این هنگام پاداران جنایتکار و خون آشام به سمت صف تظاهرات شلیک کردند. آنان با مسلسل

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

بخشش از دسترنج زحمتکشان برای که؟

خبر

۶۰/۳/۱۶

۱۰۸ دستگاه اتوبوس واحد بطور رایگان در اختیار نهادهای انقلابی شیراز قرار گرفت

شیراز - شیراز - دستگیر
اتوبوس بطور رایگان
در اختیار نهادهای انقلابی
چک روکای بنیاد
سپاه پاسداران بنیاد شهید
سازمان تبلیغات اسلامی
کمیته تبلیغات فرهنگی
آذربایجان سازمان گرامی
مستوفی بنیاد گرامی
ماه است.

مختلف بدنیا ل خود میکشاند، مبادا همه نما شیم، طبق خبر روزنامه "خبر" (شیراز) شهرداری شیراز ۱۰۸ دستگاه اتوبوس در اختیار نهادهای انقلابی در واقع ارگانهای سرکوب و تحمیق توده ها و به رایگان قرار داده است. شهرداری شیراز که در قبضه مرتجعین حزب جمهوری اسلامی است ۱۰۸ دستگاه اتوبوس را که از دسترنج و خون زحمتکشان تهیه شده اند به رایگان در اختیار: "ستاد بسیج سپاه پاسداران" قرار میدهد تا در اسرع وقت او با شان مسلح راجهت سرکوب توده های انقلابی و کمونیست بفرستد، "بنیاد شهید" قرار میدهد تا از کمیته زحمتکشان برای عوام فریبی و تبلیغات ارتجاعی استفاده نماید:

"بنیاد فرهنگی مسجد آتش ها"، "ستاد برگزاری مراسم های کمیل" و "ستاد برگزاری نماز جمعه" قرار میدهد تا برای تحمیق توده ها و تا شیدزورگی گرفتن از آنان جهت قطعنامه های ارتجاعی و از جمله به رخ رقیب لیبرال کشیدن تعداد آنها و... سودجویید.

کارگران و زحمتکشان ایران! در مقابل غارت دسترنج و ادا مایه استثمار خود بدست مزدوران و سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و بیوزنه جناح حزب جمهوری اسلامی و سوء استفاده ها، توطئه ها و تیرنگهای رژیم در سرکوب، تحمیق و فریب توده ها، مبارزات خود را گسترش داده و با درهم شکستن تشبیهات جناح حزب، عوام فریبی ها و فریادهای دروغین آزادی خواهی لیبرالهای ضد انقلابی را نیز افشا و طرد نماید.

به پیش برای مبارزه در راه پیروزی انقلاب و سوسیالیسم!

روشنا شی صبح از منزل بیرون آیند تا بتوانند خود را بموقع سرکار برسانند تا با قطع دستمزد، کسرحقوق و انواع تضییقات دیگر کارفرمایان روبرو شوند.

۰۰۰ رژیم جمهوری اسلامی بنا بر همینش نخواستند و نمیخواهند که کوچکترین قدمی در جهت حل این مشکل زحمتکشان بردارند و چنین انتظاری نیز از او نمیرود.

اما سردمداران مرتجع رژیم جمهوری اسلامی برای نیل به هدف و مقاصد خود و ارتجاعی خودمدها و هزاران اتوبوس آماده میکنند. کافی است که بهنگام برگزاری برنامه های بسیج به جمهوری اسلامی نگاهی به اطراف محل برنامه بیندازیم تا صف طولانی اتوبوسها و کامیونها را که برای ایجاد سیاهی لشکر با تهدید و ارباب و نیز سوء استفاده از معتقدات مذهبی و توهمات توده ها، مردم نا آگاه را از روستاها و محلات

زحمتکشان میهن ماها نظوریکه از همه نیازهای حداقل زندگی بی بهره هستند، همانطور که از گرانی، قحطی، بی مسکنی، نبود بهداشت و... که از رفاه رژیم سرمایه داری میباشند درنج می برند، برای رفت و آمد و حمل و نقل روزانه خود نیز با مشکلات فراوانی روبرو هستند.

توده های زحمتکش، زنان پیروز، مردانیکه گمرشان در زیر دست و استعمار غم شده است، کودکان بیما ربا بد روزی بر طرف زمستان و آفات سوزان تا بستان ما عتقا در انتظار اتوبوس صف بکشند و چه بشمار دهند زحمتکشان سیماری که در انسر دسترسی نداشتن به وسیله نقلیه قبل از رسیدن به دکترو بیما رستان میسرند، کارگران زحمتکش با پدبرای رسیدن به محل کار خود بدون دریافت دیناری بخاطر عشا وقتی که در راه رسیدن به کارخانه و کارگاه تلف میکنند با بدقبل از

نمونه دیگری از حقوقهای کلان مرتجعین "مکتبی"!

کارگران و زحمتکشان ایران!

در حالیکه سردمداران "مکتبی" رژیم جمهوری اسلامی در مقابل خواستهای عادلانه و بحق شما برای گرفتن بخشی از دستمزدتان (عیدی، پاداش، سود ویژه و...) پاسخی جز اخراج، زندان و گلوله پاسداران به شما نمیدهند و در شرایطی که کارکنان جنگزده هنوز نتوانسته اند حقوقهای عقب مانده ماههای گذشته و حتی بخشی از آنرا از حقوق سرمایه داران بیرون بکشند،

در حالیکه سران جمهوری اسلامی فریبکارانه توده های زحمتکش را به قناعت و ساخن بسا "نان و پنیر" و... دعوت کرده و ادعا میکنند که حداکثر حقوق وزرا فقط ۷ هزار تومان است. مقامات مرتجع و حزبی رژیم جمهوری اسلامی حقوقهای کلان ۲۰ هزار تومانی و... دریافت میکنند. ما در گذشته حقوق بیست و چند هزار تومانی غرضی مرتجع استاندارخوزستان و اسران حزب

جمهوری اسلامی و جیب و لهای نظیر آنرا بارها افشاء کرده ایم.

در زیر بندی را که میبینید مربوط به ریخته شدن ۱۴ هزار و هفتصد و پنجاه و پنج تومان (۱۴۷۵۵۹ ریال) بابت حقوق خردادما "حسین محمدی تربیتی" رئیس کل سازمان قند و شکر از زعمای حزب جمهوری اسلامی به حساب وی و آنهم یک هفته قبل از پایان خردادما میباشد. (البته این مقدار پس از کسر چند هزار تومان بابت مالیات پرداخت شده است و اصل حقوق این مکتبی مرتجع ۲۰ هزار تومان میباشد).

آری! مرتجعینی چون تربیتی "حزبی" که چندی پیش در یک معامله خرید شکر با هندستی شرکتی از حزب ۱۶۰ میلیون دلار از دسترنج شما زحمتکشان را بالا کشیدند، حقوقهای کلان می گیرند و با وقاحت تمام زحمتکشان ما را به قناعت و بر دباری، تولیدی بالا و مزد کم و... دعوت میکنند. این منطق همه سرمایه داران است.

مجله پیکار
شماره ۱۱۱ - ۱۳۴۰
تاریخ: ۱۳۴۰/۳/۱۶
مکان: تهران
پخش کننده: انتشارات پیکار
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۸
تلفن: ۱۳۴۰۲۲۲۲
کمیته مرتجعت

مرگ خوب است اما برای همسایه!
زحمتکشان ما تنها با اتحاد و همبستگی طبقه اتی و ادا مایه مبارزه است که میتواند حقوق خود را از گلوله سرمایه داران بیرون بکشد!
مبارزات خود را بر علیه رژیم جمهوری اسلامی تا پیروزی نهایی ادا مایه دهیم!

نسخه از صفحه ۲ سر مقاله...

در این شرایط است و اگر این درست است که لیبرالها، غیرم وحدت طبقاتی ما حزب، در بستر این مبارزه توده‌ها و سرپا به نفاذ مسئله انقلابی شان بطور عمده نقش در سرکوب بالفعل و عراس رژیمن نداشته (به اینکه خواهان سرکوب نیست!) و عملاً در محنه سیاسی کشور به عوام مغربیه و فریفتن توده‌ها مشغول بسوده و می کوشد، منافع مستتر در مدیعتن با حزب را، منافع بهفته در مبارزه توده‌ها با رولند سرکوب و اختناق حزب جا بزنند، و در این راه موفق شده‌اند با برانگیختن توهم توده‌ها نقش مهمی در مخدوش کردن مرزدموکراسی انقلابی و لیبرالیزم فدا انقلابی و ارتجاعی خود داشته باشند؛ آری اگر اینها واقعیت‌های عینی کنونی هستند، سایرین تا کنیک پرولتاریا با بیدر چنان میناشی استوار باشد که اولاً در برابر تعرض بالفعل حزب در هجوم به انقلاب و دستا ودهای دموکراتیک آن، مقابله نماید و آن را به گامی در جهت تکامل میل مبارزه حویین بر علیه کل نظام تبدیل سازد، و ثانیاً عوام مغربیه لیبرالها را در بستر این مبارزه افشا نموده و نفوذ فدا انقلابی آن را در میان توده‌ها، در بستر مبارزه و تجربه آتی توده‌ها از یکسو و تجربه گذشته آنها از سوی دیگر از میان ببرد؛ و ثالثاً با درهم شکستن این توهمات، در بستر تجربه توده‌ها، آنها را به دموکراسی انقلابی و نیروهای انقلابی مدافع آن نزدیک سازد و ایده سرنگونی کل رژیم طمعانی حاضر را در ذهنیت آنها با پرورش دهد.

تحقق اهداف فوق نیازمند در پیش گرفتن تا کنیک ذیل است: اولاً با بیدر برای خارج کردن مبارزه توده‌ها و جنبش انقلابی از ریسر ضربه فدا انقلابی بورژوازی، که اکنون توسط حجاج معینی از آن یعنی حزب، سازمان داده می شود، و گام ابتدائی خود را در جهت تشدید سرکوب و حلقان و تشدید هجوم به آزادیهای دمکراتیک یافته‌است، متمرکز کرده و با تمرکز نقل مبارزه در این بستر و بر این نیرو اردوی انقلاب را به جلوسوی داد.

ثانیاً با دوسینا بر علیه بورژوازی لیبرال و عوام مغربیه های آن در همسویی طاهری با انقلاب و دلوسوی رباکارانه به حال انقلاب و "آزادیها" به افشاکری پرداخت و نفوذ آن را در حیش مورد ضربه قرار داد. افشاکری بر علیه لیبرالها با چنین مضمونی درست به معنای وارد آوردن ضربه به آن ار همان دری است که وارد شده است! در غیر این صورت بی گمان، ضربه ما جز تیر به تاریکی انداختن، و خارج کردن لیبرالسم فدا انقلابی از جهت املسی ضربه ای که متناسب با کارکردش با بدیسر آن وارد آید، نخواهد بود.

طرح شعار اساسی دفاع از آزادیهای دموکراتیک در شرایط کنونی، و به پیش کشیدن مطالبات مشخص با مصون دموکراتیک و انقلابی، تنها اهرمی است که می توانیم توده‌ها را در برابر تعرض حزب به آزادیهای دموکراتیک بسیج و گردآوری نموده و مبارزه آنها را در جهت مقابله با این تعرض بطور یکپارچه به حرکت اندازد، و هم عوام مغربیه لیبرالها و صدیق واقعی آنها را با دموکراسی انقلابی در بستر این مبارزه خنثی نماید.

مطالبات دموکراتیکی همچون ایجاد شوراهای واقعی، دفاع از آزادی مطبوعات اجتماعات، و... و با مطالبات مشخص در رابطه با جنبش خلق کرد (متناسب با همین شعار اساسی دفاع از آزادیهای دموکراتیک) که خواست‌ها و مطالبات عینی و ملموس توده‌ها هستند، در صورتی که بتوانیم بطور آشکارا رومی نقشه با مطالبات لیبرالی موزیندی می کنند، آنها را در برابر خواست‌هایی فرار میدهند که توده‌ها خواهان آنند و به مبارزه برای تحقق آن تمایل ملموس نشان می‌دهند، اما لیبرالها به حکم ماهیت طبقاتی و مضمون حرکت و نفاذ خویش، از پاسخ گویی و همراهی با آن عاجز و ناتوانند و هیچگاه نخواهان تحقق آن نیستند (هرچند که ممکن است در شرایطی بحکم اجبار، و برای حفظ موقعیت و نفوذ خود، عوام مغربیه نه به اجرائی از این مطالبات تن در دهند بدون آنکه خود خواهان آن باشند تجربه بسیار این عقب نشینی‌ها را نشان داده‌است.) این مطالبات به توده‌ها اجازه می‌دهد که به تجربه خود، سیمای واقعی لیبرالها را با شناخت و دیدن در این فاصله گیرند.

طرح این مطالبات به معنای آنست که ما ایده سرنگونی را بطور غیر مستقیم به میان توده‌ها می‌بریم، وقتی که ما در کنار تبلیغ ایده جمهوری دموکراتیک خلق (که خود به معنای بردن غیر مستقیم ایده سرنگونی به میان توده‌هاست)، این مطالبات را که خود بخشی از مطالبات حداقل پرولتاریاست به پیش می‌کنیم؛ و توده‌ها را به حول آن بسیج می‌نمائیم؛ این امر به معنای آنست که بدون جدا شدن از بستر مبارزه توده‌ها - چیزی که برای ما حاشیه اهمیت فراوان است - آنها را بطور غیر مستقیم و با تکیه بر تجربه خودشان به سمت ایده سرنگونی سوق داده‌ایم. ما با طرح این مطالبات لیبرالها را در پیش توده‌ها بطور آشکار به محاکمه می‌کشیم و محمل واقعی حرکت، مساع و همسویی آنان را بر ملا میاریم. طبیعی است که تجربه گذشته توده‌ها پس از قیام یعنی در زمانیکه لیبرالها با حرب منتشرک یا بالفعل به سرکوب انقلاب دست می‌بازدیدند، در اینجا به کمک ما می‌آید و توده‌ها را در بستر کارا که هرگز

ما به سمت ماهیت واقعی لیبرالها و مطالبات آنها، معطوف می‌گرداند.

البته روشن است که طرح این مطالبات به معنای آن نیست که در چهار چوب قانونیت رژیم جمهوری اسلامی، اساساً قابل تحقق است؛ هرچند که ممکن است، فشار نیروی جنبش در جریان توسعه و گسترش آن برخی از آنها را از چنگال بورژوازی حاکم بیرون کشد و تحقق آن را تحمیل نماید. طرح این شعارها و مطالبات صرف نظر از تحقق برخی از آنها و با عدم تحقق آن، اساساً هدف تکامل مبارزه توده‌ها و سوق دادن آنها در مسیر انقلاب را دنبال می‌کند. این مطالبات، با توجه به زمینه عینی پذیرش توده‌ای آنها در شرایط حاضر، بهترین بستر است که می‌تواند این جنبش و مبارزه توده‌ها را تکامل و ارتقاء دهد.

بدین ترتیب، شعار دفاع از آزادیهای دموکراتیک در برابر تعرض حزب جمهوری اسلامی در شرایط حاضر بهترین اهرمی است که در این شرایط توسعه و گسترش انقلاب را تضمین و تامين خواهد نمود و ما را در بردن ایده سرنگونی میان توده‌ها، متکی به تجربه خودشان به بهترین پس نحوی باری خواهد نمود و ما در شماره‌های بعدی در این زمینه بیشتر سخن خواهیم گفت.

دفاع از آزادیهای دموکراتیک در برابر تعرض حزب جمهوری اسلامی راه اهرمی در جهت گسترش انقلاب است.

بخیه از صفحه ۱ بازهم...

دولت ارتجاعی رجائی در جلسه دوشنبه ۶۰/۳/۲۵ تصویب نموده است که:

- مبلغ سی میلیون ریال وام جهت تأمین معارج پلیس قضاتی
- مبلغ دویست میلیون ریال وام جهت تأمین هزینه‌های اضطراری در استان کردستان
- بهره‌دزد ("صبح آزادگان" - ۲۶ خرداد ۶۰)
- کیست که نتواند "پلیس قضاتی" را از سرکوب دیگری اسد در دست شورای عالی قضاتی به سردمداری بهشتی مرتجع و کیست که نتواند تا مین هزینه‌های اضطراری در کردستان، هر نامین بحنی از هزینه‌های سرکوب و کشتار خلق قهرمان کرد هیچ مفهوم دیگری ندارد.
- کارگران و زحمتکشان ایران:

بناها با تشدید و گسترش مبارزه انقلابی علیه سرمایه‌داری و بسنده ایران و اتحادیه همسنکی اسلامی میتوان با سوطه‌ها و بورژوازی و حشاه رژیم جمهوری اسلامی به سردمداری حزب جمهوری، علیه انقلاب و خلقهای زحمتکش مقابله کرد. ما ادا به مبارزه و افشای ارگانهای سرکوب رژیم سوطه‌های حاشانه سردمداران جمهوری اسلامی را بر علیه انقلاب و نیروهای انقلابی درهم شکنیم!

کارگران! در صف مقدم مبارزه برای دفاع از آزادیهای دموکراتیک و ایجاد شوراهای واقعی به پیش!



تقیه از منفعه ۴ وضعیت ...

ب- کارگران دائم (آتشکار)
محاسبه بر مبنای تولید ۴۵ تن در هفته (بکسر آتش)

بلکه اتاقهای زندگی کارگران را "سلولهای انفرادی" مینامند. ویادرجلساتی که در وزارت کار جهت رسیدگی به وضع کوره پزخانه ها در اسفند ماه سال گذشته تشکیل گردید، تصمیمات زیر گرفته میشود:

- ۱- گاز سوز کردن کلیه کوره های زیر نظر اتحادیه صنف فخر ادا کثرتا پایان سال ۱۳۶۰.
- ۲- رعایت اصول بهداشتی و رفاهی

نما پندگانی از کارگران توافق شده که ما زمان - های کارگری و کارفرمایی وزارت کار به امر انتخاب نمایندگان کارگران در هر منطقه کمک و نظارت نما پند و در نهایت شورای از جمع کارگران هر منطقه با تمام مناطق نیز موجود آید. "ویا" ... اگر در حل مسائل تسریع نشود اعتماد کارگران کوره پزخانه ها شروع خواهد شد. اما کارگران مبارز کوره پزخانه ها علیه رفاه عملکردها و توطئه های ضد کارگری رژیم مبارزات خود را جهت افزایش دستمزد، بدست آوردن امکانات رفاهی و ... به پیش میبرند. این مبارزات که اتفاق خونین خود را در اعتماد ۴۰ هزار نفری کارگران کوره پزخانه ها در ۱۳۳۸ در رژیم شاه شاهن، نشان داد، اینک ادا راه خود را در اعتمادات برداشته سال ۵۸ و اخیرا در اعتماد کارگران کوره پزخانه های "خاتون آباد" بروجرد، کرمانشاه و ... در رژیم جمهوری اسلامی می بینیم.

در تاریخ ۶۰/۲/۱۸ کارگران کوره پزخانه های "خاتون آباد" تصمیم میگیرند جهت برآوردن شدن خواسته های ریز تاریخ شنبه ۶۰/۲/۱۹ اعتماد بنامیند:

- ۱- با توجه به چند برآوردن قیمت مواد مصرفی مثل گوشت، تخم مرغ، روغن و نان و ... دستمزد هر هزار ری خشت هم با دیده همان نسبت افاق گردد.

- ۲- وسائل بهداشتی چون: ساختن حمام ساختن توالت.
- ۳- آب آشامیدنی کافی تهیه و در دسترس کارگران گذاشته شود.

- ۴- داشتن یخ و یخچال برای هر خانواده.
- ۵- دادن کفش و دستکش به قالب کتفا و قالبدارها.

- ۶- استناد کارگران هر تومان خشت ده شاهی و نه یک ریال، حق استناد کاری بیشتر برسد.

- ۷- کارگران کوره پزخانه ها باید بیمه شوند.

- ۸- تأمین خانه های مسکونی برای کارگران.

کارگران اعتمادی در روز ۶۰/۲/۱۹ با پیوستن عده ای دیگر از کارگران که مشغول کار بودند، در جاده تهران - خاتون آباد، دست به تظاهرات میزنند.

کارگران شعار میدادند: "درود بر کارگر، مرگ بر سرما به دار"، "کارگران به ما ملحق شوید، شهید را حق شوید"، "خشت هزار ری ۱۵۰ تومان یا بیدگردد و ..."

کارگران در بین راه با تعیین شعارها و تدوین خواسته ها و با محکم تر کردن صفوفشان جهت جلب دیگر کارگران به کوره پزخانه های دیگر میروند.

این اعتماد بر کارکنان را بر اعتماداتی که در کوره پزخانه های بروجرد، کرمانشاه و ... بوقوع پیوسته و خواسته های کارگران مطرح کرده اند، نشانگر ادامه وضعیت مشقت بار زندگی کارگران کوره پزخانه ها در رژیم جمهوری اسلامی و عوام فریبانه بودن تبلیغات رژیم مبنی بر "رسیدگی به مشکلات کارگران" میباشد.

شوع کار	تعداد لازم	تقریب درآمد هفتگی بکمکی + مزایا	نوع کاری که انجام میدهد
۱ چرخ کش	۵	۱۴۲۹۰ ریال	خشتهای زده شده را بوسیله فرکان از محوطه کوره به قلمبرهای کوره حمل مینمایند.
۲ کوره چین و کمکی کوره چین	۱	کوره چین ۱۹۱۰۰ کمکی کوره چین ۶۱۰۰	خشتهای آورده شده توسط چرخ کش را با نظم خاصی در قلمبرهای کوره میچینند.
۳ کوره سوز	۲ (استاد و کمکی)	استاد کوره سوز ۱۷۹۰۰ ریال کمک کوره سوز ۱۰۰۰۰ ریال	مسئولیت تنظیم سوخت کوره را بر عهده دارند.
۴ اجربا رکن	۳ یا بیشتر	۱۱۵۰۰ ریال	مسئولیت بار کردن اجربا را پس از پخت به کامیون دارند که توسط دستیاران انجام میگیرد.
۵ پای چرخ کش	۶۲۰۰ ریال	مسئولیت هموار کردن راه بین محوطه کوره و قلمبرهای کوره را برای چرخ کشها بعهده داشته و علاوه بر آن وظایفی مانند تهیه غذا، چای، نان، آب، گوشت و سایر نیازها را بر عهده دارند.	
۶ زغال کش	۹۷۲۵ ریال	مسئولیت مخلوط نمودن مواد سوخت را بعهده داشته و موظف است سوخت را پس از تهیه توسط چرخ دستی نزد کوره سوز در روی قلمبرها بیاورد.	
۷ عمله آریایی (کارگران متفرقه)	دستمزد بصورت روزمزدی و با توافق طرفین تعیین میگردد	برای کارفرما (آریایی) کارگردد و کارهای متفرقه را انجام میدهند.	

نارسانها در کلیه کوره ها.

- ۳- تهیه آب آشامیدنی بهداشتی و تطهیر شده برای کلیه کوره ها وسیله مالکین کوره.

- ۴- بیمه کردن کلیه کارگران

- ۵- اتمام کار ساختن اعتمادی در مانگسباه خاتون آباد و تأمین کار در پرسنلی و وسایل مورد نیاز آن وسیله وزارت بازرگانی.

- ۶- اتمام کار ساختن اعتمادی ع شرکت تعاونی مصرف کارگران کوره پزخانه ها

- ۷- ...

جالب اینجاست که برای برآوردن موضوعات بالا حد اکثر یکماه یعنی تا پایان فروردین ۶۰ به کارفرمایان "مهلت" داده میشود.

اما نه تنها بر کارگران کوره پزخانه ها بلکه بر همه زحمتکشان ما پوشیده نیست که چگونه فقر و فلاکت آنها در رژیم جمهوری اسلامی همچنان ادامه یافته و نه تنها خواسته های انقلابیشان برآورده نشده بلکه زورگویی سرما به داران حاکم بر آنان چندین برابر گشته است.

هدف دیگر رژیم از سرگیری این جلسات برنامهریزی برای جلوگیری از تشکیل شدن شوراها و اقمی کارگران کوره پزخانه ها و ایجاد دشواریهای فرمایشی جهت شکست دادن مبارزات خود بخودی آنان است. مسئولان رژیم در جلسهای که در تاریخ ۵۹/۱۲/۴ در وزارت کار برگزار شد مطرح میکنند که: "در خصوص انتخاب

ج: انبار زن - که در دو گروه فوق جای نمیگیرد انبار زن موظف است که خشت را در محوطه کوره به ترتیب خاصی چیده و روی آنان را با خاک بپوشاند تا از باران در امان باشند.

سیاستهای عوام فریبانه رژیم در مورد کوره پزخانه ها

از آنجا که شرایط سخت و طاقت فرسای استثمار و خشنای کارگران کوره پزخانه ها، آنان را به اعتماد و گرفتن حق خود از حلقوم رژیم سرما به داری میکشاند. که سال گذشته تا حد اعتمادات وسیع آنان بودیم. رژیم با گذاشتن جلساتی با شرکت عوام و دست اندرکارانش و دادن طرحهای جهت "بهبود" وضع کارگران کوره پزخانه ها، چهره به اصطلاح دفاع از آنان در برابر کارفرمایان را به خود میگیرد. وضعیت اسفناک روز زندگی کارگران کوره پزخانه ها به حدی است که رژیم در تحقیقات خود با چارازا اعتراف بدانها شده است. برای مثال هنگامیکه عوام رژیم از کوره پزخانه های واقع در "خاتون آباد" دیدن کرده اند، نه تنها شرایط کار را "اسفناک" توصیف میکنند

بیمی کوره در ۲۴ ساعت بکبار روشن نمود.

بقیه از صفحه ۲۲ فراخوان...

روی دیوار یا گرفتن دردست در معرض دید عابرین دیوار نویسی کوتاه شده اخبار و افشاگریها ، تکثیر این مندرجات بصورت اعلامیه ها و تراکتها و پخش وسیع آنها ، بویژه در کارخانه ها ، نقل و ثقل های آنها در هر نقطه و فرصت ممکن ... هستند.

۲- اگرچه برای فروش خبرنا مه های مرکزی و محلی ممکن است بهائی تعیین شود ، اما ما با هدف پخش هر چه وسیعتر و توده ای تر آن مدنظر است . از همین جهت در پخش آن ، مسئله فروش در درجه دوم اهمیت قرار میگیرد .

۵ - کلیه اخبار و گزارشات و افشاگریهای مربوط به خبرنا مه را به هیئت تحریریه بیکار - پخش خبرنا مه بیکار - ارسال دارید .

۶- ارگانهای محلی سازمان باید بوسیله نسخه از کلیه اخبار و گزارشات و افشاگریهای خود را قبل از انتشار در خبرنا مه محلی ، در اولین فرصت ممکن ، برای خبرنا مه مرکزی بفرستند .

۷ - هما نظور که میدانید ضمن ثابت بودن مضمون و ماهیت افشاگری ما درقبال حزبی- ها و لیبرالها ، شکل این افشاگری در مورد لیبرالها تا حدی متفاوت بوده و می بایست با

طرح و بهیشتد شعارها شی که عوام فریبی و غیانت پیشگی لیبرالها را در جریان مبارزات روزمره توده ها بنمایش میگذارند آنها را افشا نمود . در همین رابطه رفاقا باید در تجربیات و گزارشات خود ، میزان تاثیرگذاری شعارها و افشاگری های ما درقبال لیبرالها را بر ذهنیات ، روحیات و حرکات توده ها ، نسوع عکس العمل های مثبت و منفی توده ها درقبال این شعارها ، را دقیقاً و موبه مود ذکر نمایند .

۸ - رفاقا باید تجربیات مبارزات خود را با کلیه نمودها و علائم مثبت و منفی آنها برای برخورد آموزشی در خبرنا مه در جهت ارتقاء جنبه های مثبت این مبارزات و تصحیح نکات منفی آنها ، بطور کامل و دقیق برای ارسال دارند .

۹ - در اخبار ، گزارشات و افشاگریهای خود میزان و ترکیب طبقاتی شرکت کنندگان در هر حرکت را ذکر کنید . البته این مسئله فقط به حرکات دمکراتیکی که توده ها صورت میدهند محدود نمی شود و در مورد توده های شرکت کننده در راهپیمائی ها و اجتماعاتی هم که حزب سراه می اندازد صادق است .

۱۰- در مواجهه با اشکال مختلف مبارزاتی که در جهت کسب آزادیهای دمکراتیک و سرزد خلفان حاکم صورت میگیرد ، اعم از درگیریهای خیابانی ، اعتصابات ، کم کارها ، راهپیمائی ها ، اجتماعات ، اظهارناراضائی ها و ... معمولاً بحثهای مختلف مردم ، عکس العملها و اشکالات نظری و عملی گوناگونی از حدود بروزی دهند . نوع این عکس العملها و

بقیه از صفحه ۲۲ یادداشتها...

سیاسی خارج شود و مجدداً در اذهان مطرح شود ، بلکه حتی بزم عمویش توانسته است خود را از ادبخواه " و " مخالف استبداد حاکم " جلوه دهد و بر بستر تلاش برای تحقق چنین اهداف فدا نقلایی ای ، "جبهه ملی " دست به مبارزات - پردازی زده و مردم را به قیام نیز دعوت می نماید !!

اما تلاش جبهه ملی و حرکت وی برای برگسزاری راهپیمائی اعتراضی بی شک نمیتواند به نجات از سوی کل لیبرالهای ایران ، چه آنها ننگه فراری و مخفی اندوچه آنها ننگه بدل لیبلی محظورات و حضورشان در مجلس و ... در شرائط کنونی قادر نیستند که دست به حرکت اعتراضی زنند صورت بگیرد . از اینرو سیاست این اعترافوا بین عوام فریبی به دوش جبهه می افتد و سایر لیبرالها نیز بصورت کتبی و شفاهی و بطور مستقیم و غیر مستقیم از آن حمایت میکنند تا

آنجا که حتی زمه حمایت عملی نهضت آزادی و رهش جمهور نیز از نظاهرات "جبهه " بگوش میرسد . و اما اگر آنان بدلیل محظورات مستقیم به حمایت از این حرکت فدا نقلایی و عوام فریبانه لیبرالها نمی پردازند ، اما سلطنت طلبانسی چون " ارتش رها شیمش ایران " ! با صد دور

اطلاعیه ای از راهپیمائی " مترقی " ! "جبهه ملی بر علیه " استبداد و خلفان " حمایت میکنند . رادیهوای " صدای آزادی " و " رادیهوای ایران " و امثالهم نیز به حمایت فعال از نظاهرات "جبهه " می پردازند و از آن حمایت میکنند ، دارودسته های رویزیونیستی نظیر رنجبران نیز دعوت جبهه را لبیک گفته ، توده ها را بزرگوار می بورژوازی لیبرال فدا نقلایی در مخالفت با " انحصار طلبی " و " استبداد " حزبی فرا میخوانند .

در سوی دیگر حزب جمهوری اسلامی و نوگوران رویزیونیست شان نظیر اکثریت و حزب توده به آرایش قوا می پردازند و در صدد برمی آیند که راهپیمائی را با شدت هر چه بیشتر سرکوب نمایند ، اعلامیه " تحریم " رویزیونیستهای اکثریت که در حقیقت اطلاعیه نهید جبهه ملی و

اشکالات را که از سطوح مختلف آگاهیه های سیاسی توده ها و تشوان ذهنی مبارزاتی شان ناشی میشود ، بطور کامل و دقیق در گزارشاتشان منعکس نمایند و در این رابطه بویژه تشریح وضعیت کارگران ، مسائل مطروحه و نوع عکس العملهای آنان در قبال مسئله سرکوب و اغتصابی و ... از اولیستی خاص برخوردار است ...

۱۱ - تجربیات افشاگریها و تبلیغات خود را که در اشکال مختلف صورت میدهند و همچنین اشکال نویسی از این افشاگریها و تبلیغات را که در جریان مبارزاتی کشف میکنید برای انتقال و وسیعتر و توده ای تر کردن آنها از طریق خبرنا مه ، برای ما ارسال دارید .

بسیج نیروهای خود علیه آن است جلوه ای از در پیونگی رویزیونیستها در دفاع از رژیم حاکم است . حزبیها نه تنها با بسیج نیروهای خود مانع از اجرای نظاهرات می گردند ، بلکه با حملات تبلیغاتی خود لیبرالهای شریک خود نظیر بنی صدرو بازرگان را " تطهیر " میکنند .

خمینی در سخنرانی خود جبهه ملی را " مرنگ میخواند و خواهان روشن شدن موضع بنی صدرو بازرگان در مقابل نظاهرات "جبهه ملی " است بازرگان به سباق همیشگی خود فوراً " جا " زده و با دورا اطلاعیه ای حمایت خود را از نظاهرات تکذیب میکند ، اما بنی صدرو در مقابل مسئله سکوت میکنند و معنی این سکوت چیزی جز حمایت تلویحی از این نظاهرات و تشدید موضع گیری در مقابل خمینی نیست . اما این موضع گیری بنی صدرو حربه دیگری به دست خمینی و حزب جمهوری میدهد تا حملاتشان را علیه وی تشدید نماید .

امروزه اگرچه کاریکاتوری از نقاش لیبرالها در قدرت نظاهراتی مانده است ، اما در واقع آنان کاملاً از قدرت رانده شده اند و این خود زمینه اتحاد بیشتر دارودسته های مختلف لیبرالها را نزدیک خواهد نمود . و متحد شدن جبهه لیبرالها را که حتی حمایت سلطنت طلبان را نیز با خود به همراه دارند ، زنگ خطر بیشتری را برای جنبش خلق به مدار می آورد . کمونیستها و نیروهای انقلابی باید بکوشند با افشای بی امان ماهیت فدا نقلایی و ارتجاعی بورژوازی لیبرال ، به هر رنگ و لباس و با حزب و جبهه ای که در آیند ، ما سک آزادیخواهی آنان را در بریده و با توضیح ماهیت واقعی آنان ، مانع از آن شوند که لیبرالها بتوانند سوار بر جنبش شده و از راه جهت منافع خود سو ق دهند .

۱۲ - لحرنا تیو کمونیستی تنها میتواند بدیر بستر مبارزه علیه رژیم ، افشای بی امان لیبرالها ، زدودن و جدا کردن صف خرده بورژوازی دمکرات از بورژوازی لیبرال و کشتن آن سوی خود شکل گیرد . این وظیفه ای است تاریخی که امروز پیش از پیش برجستگی می یابد .

۱۳ - تنها زمانی می توان بدین تشریح به اهداف خود رسید که هر ریفی ما بتدبیک خبری کارمندی نشره بوده و در ارسال سریع و بموقع و فعال خبر و گزارش از یک سو و پخش و تکثیر نشره به هر نحو ممکن از سوی دیگر ، ما را باری رساند .

۱۴ - در ارسال کلیه اخبار ، گزارشات ، افشاگریها ، تجربیات مبارزاتی توده ای و ... ضمن رعایت کامل و دقیق بودن ، هر چه گاملتر بودن ، انطباق برواقعیت و سایر موارد تکنیکی از قبیل زمان و محل رویداد و ... میزان موشق بودن ، نیمه موشق بودن یا نابه بودن آن را حتما ذکر کنید .

مبارزه برای آزادیهای دمکراتیک از مبارزه ضد امپریالیستی جدا نیست!

جبهه به اصطلاح ملی: نمونه‌ای از تلاشهای عوا فریدمانه امیرالها

دو سیه پیش بدعت "جبهه ملی" قرار بود مفسک و ظاهراتی سرپا شود. که همان نظور که از پیش روش بود سرگزار نشد. چه، دارودسته‌های مسلح حزب جمهوری اسلامی اینک صرفاً به آنها هم علیه انقلاب سنده نکرده، بلکه مخالفانهای صدامقلاسی لبرالها را علیه خود سینه سیمتوانند تحمل کنند. سوصیف رورما مه‌های انقلاب اسلامی و میران، غمرفا نونتی نمسودن دتترها همگی رئیس جمهور با مردم و مجلس به سلحا سده اس دفا سر، خود شه کوچکی آرایس واقعیت بود.

ای امر که این نظاهرات در شرائط کنونی هیچگونه امکان سرپا نشی. "موفقیت آسز" خود را نمسوانست داشته با شد چیزی نیست که تمنحما انگریزاند. اما آنچه که ظاهرا تمنح انگریز است و با دمورد توحده فرا گیرد. علت برپا نشی چنین نظاهراتی از سوی جبهه و رشکسته به اصطلاح "ملی" و مع سندی خمینی و حزب جمهوری اسلامی و سایر نیروهای سیاسی در مقابل این رویدا بود.

دارودسته "جبهه ملی" که بدلیل کسوی رسواشی سلطنه طلبی اش از یک سو که در شعار معروف "ناه با بد سلطنت کنندنه حکومت" جلوه گر مبی گنت و از سوی دیگر به دلیل سردیکی بسیاری از سران آن همچسبون بحسار، مدنی و... با امیرالیم امریکا و امولماسیات حسنه "جبهه ملی" با امیرالیتها که در جریان مبارزات میلیونی توده ها نیز مزوی گشته بود، بعد از قیام نیز همواره به ما به یک جریان و رشکسته سیاسی مورد نفرت توده های زجنگش بود.

"جبهه ملی" اگر چه بعد از مدت کوتا همی با حاکمیت نوی بدلیل هزمونی خمینی و حزب، با آن اردر مخالفت در آمد. اما هرگز هیچگونه حرکت و اعراضی علیه حاکمیت مورت نداد که سهل است، در مواردی به یاری مستقیم رژیم جمهوری اسلامی سیر در آمد. تلاشهای سحایی در حوران جنگ ارتعاعی و گسیل اسل سحایی ها به جبهه های جنگ ارتعاعی خسود جلو دای از ان واقعیت است.

در عین حال آنچه به ما به جدا کثر مخالفتهای علمی جبهه ملی با جناح مسلط حزب به چشم

یادداشت‌های سیاسی هفت‌شنبه

می خورد، همان مخالفت‌های "قانونی" مسه "ملی قانونی" های حزب جمهوری و "هرج و مرج" و "آشوب" بود.

اما کذب زمان ورود تمغه لبرالها از سوی حزب جمهوری در حاکمیت از یک سو و تشدید نا رضایتی و مبارزات توده ها بر علیه رژیم جمهوری اسلامی از سوی دیگر، "جبهه ملی" را سر هم چون سا لبرالها به رجز خوانی و تشدید مخالفت‌های خود با حزبها از یک سو و تشدید عوا مقربسی و گرفتن زست "زاد به خواهی" در سس بنوده ها از سوی دیگر و داشت "جبهه ملی" که خود نظر فدا پروریا فرض مناسبات با امپریالیست های غربی و بویژه امریکا است ناگهان "فئده امپریالیست" را در آمده و به آزادی گروگان ها و گرفتن یولهای بلوکه نده توسط امریکا اعتراض نموده و اسرا سا رش مفسح در بیسی زست "فدا امپریالیستی" حزب جمهوری میخوانند. به قرار داد تا لیوت اعتراض کرده و آنرا نشانه تشدید و استسگی میخوانند. به کتتار دانشجویان در سال ۵۹ اعتراض کرده و به حمایت ظاهری از مبارزات دانشجویان و اعراض علیه حزب جمهوری بر می حیزد! به لایحه بودجه، لایحه فضا و فقدان آزادی مطبوعات و... اعتراض کرده و آنرا نشانه حاکمیت استبداد میخوانند! و جالب تر از همه آنکه این دارودسته فدا بقلاسی سورژوازی، برای فریب کارگران، شعار کارگران و زحمتکشان جهان متحد شوید را بمناسبت اول ماه مهر می دهد!!

آری این "چرخشهای" "جبهه ملی" که همزمان با چرخش لبرالهای درون حکومت همسراه است، و گرفتن زست "آزاد به خواهی" و فئده امپریالیستی "برای آسب که اینبار بتوانند بر خلاف دمه گذشته از همیشه عقب نما نده بالعکس تا آنجا که میتوانند بر آن مها رزده، بر آن سوار شده و پیش توده ای را در جهت منافع فئده انقلابی خود منحرف نماید. از این سو است که این لبرالهای "قانون پرست" دست به "قانون شکنی" زده و در چنین شرائط جو عفا نی تصمیم می گیرند که مینیسگی را بر علیه جناح حزبی و در جهت بدست گرفتن رهبری حسن سرپا دارند و اگر معلوم است که امکان سرگزاری چنین نظاهراتی نیست چه سناک! "جبهه" بود خویش را برده است و نه سنا بواشته است. از اسزوا ی عیبه در صفحه ۳۱

فراخوان درباره خبرنامه

رفقا!

برای مفا لده با یورش حزب جمهوری اسلامی و شکست جو حققان و سانسور و در همین را بطه ضرورت اشکاس احبار و رگزاران ماسبارزات دمکراتیک و مدارتجاعی توده های مبارزمان و ضرورت ارا شد طرح و گسترش آلترنا تیو پرولسری سربسرمبارزه در راه آزادیهای دمکراتیک تصمیم به انتشار خبرنامه بیکار گرفته ایم. در اس را بطه رهمودها نی را لازم به تدکسر میدا سیم که در زیر به آسها اشاره میکنیم:

۱- مضمور اس خبرنا مه صرفا جنبه دمکراتیک و فدا خنای دارد. با این ترنسب کلیدا احبار و رگزاران مبارزات دمکراتیک و فدا خنای بوده ها بر علیه رژیم جمهوری اسلامی در هر شکلی که صورت میگیرد و افشا گریهای مربوط به عملکردهای صدمدمکراتیک رژیم و بویژه حزب جمهوری اسلامی، در این خبرنا مه منعکس میسود. با احبار و رگزاران و افشا گریهای که خارج از این مضمون قرار دارند، مثلاً اعتماد کارگران در کارخانه که با خواستهای افزایش دستمزد و... همراه است، مضمونی سوسیا لیستی داشته و در چارچوب این تشریسه قرار نمیگیرند. این قبیل اخبار رگما کسان در جای ویژه خود در بیکار و نشریات فابریک و محلی قرار دارند. در عین حال اشکاس اخبار مبارزات سیاسی کارگران بر علیه اجسهای اسلامی و در راه شکستن جو حققان در کارخانه ها و بدست آوردن آزادیهای دمکراتیک مطبوحی ابجا دشورای واقعی، مفا لده با سرگوب رژیم، اخراج یا ساداران از کارخانه ها و... در همین نشریه منعکس میگردد.

۲- علاوه بر خبرنا مه مرکزی که در تهران منتشر میشود، کلیه ارگانهای سازمانی در نقاط مختلف کشور با بدیه اشنا ر خبرنا مه های محلی یا مضمون ذکر شده در بالا، اقدام کنند. در این خبرنا مه ها علاوه بر اخبار و رگزاران و افشا گریهای دمکراتیک و صد حققان محلی، آن بخش از مندرجات خبرنا مه مرکزی نیز که مربوط به وقایع و مسائل سا بر نقاط کشور و بخصوص تهران است، درج میگردد.

۳- علاوه بر خبرنا مه بیکار که شکل محوری اشکاس مسائل سا مبرده است، کلیه بخشهای سازمان و رفقای هوادار موظف به انتشار مندرجات خبرنا مه مرکزی و خبرنا مه محلی در اشکال مختلف بزرگ نویسی برای جیبانندن بقیه در صفحه ۲۱

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست